

گلشن و از شستری

گلشن و از شستری

دکتر حسین محمدزاده صدیق

۵
۱۹۵۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گلشن راز شریستی

به روایت ترکی از:
شیخ ولی شیرازی
(شیخ الوان)

تدوین، تصحیح و تعلیق:
دکتر حسین محمدزاده صدیق

تهران

۱۳۸۱

ایچینده کیلر

۱. مقدمه‌ی فارسی ۵-۹
۲. شیخ محمود شبستری و گلشن راز ۱۱-۱۵
- ۳-۱. قایناق‌لار ۱۱
- ۳-۲. دوغولدوغو یئر ۱۱
- ۳-۲. دوغومو و تولومو ۱۲
- ۳-۴. ائولادی ۱۲
- ۳-۵. اوستادلاری ۱۲
- ۳-۶. اثرلری ۱۳
- ۳-۷. گلشن رازین شرحلری ۱۴
- ۳-۸. گلشن رازدان تقلید ۱۴
- ۳-۹. گلشن رازین چاپلاری ۱۵
۳. شیخ ولی شیرازی و گلشن راز ۱۶-۲۷
- ۳-۱. تورکجه میزده گلشن راز ۱۶
- شبستری ۱۶
- ۳-۲. شیخ ولی شیرازی کیمدیر ۱۶
- ۳-۳. دوغومو و تولومو ۱۸
- ۳-۴. اثرین محتواسی ۱۹
- ۳-۵. ولایت بحثی ۱۹
- ۳-۶. تطبیقی ادبیات اهمیتی ۲۰
- ۳-۷. اثرین ئوزللیگی ۲۱
- ۳-۸. الیازمانین املاء ئوزه‌للیکلری ۲۳
- ۳-۹. اثرین باشقا الیازمالاری ۲۶
- ۳-۱۰. تصحیح شیوه‌سی ۲۶
۴. متن روایت ترکی ۲۸-۹۹
۵. آچیقلامالار ۱۰۰
۶. باشلیقلار جدولی ۱۱۱
۷. آدلار فهرستی ۱۱۷
۸. آچیقلامالاردا ایضاح ائدیلن تورکجه ۱۱۹
- سؤزجوکلر ۱۱۹
۹. ضمیمه (متن فارسی) ۱۲۱-۱۴۹
- فهرست منابع ۱۵۰

شبستری، محمدبن عبدالکریم، - ۷۲۵ ق

[گلشن راز. ترکی - فارسی]

گلشن راز شبستری / به روایت ترکی از الوان ولی شیرازی؛ تدوین، تصحیح و تعلیق حسین محمدزاده صدیق. - تهران: حسین محمدزاده صدیق، ۱۳۸۱. ۱۵۸ ص.

ISBN 964-330-990-8

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

فارسی - ترکی.

کتابنامه: ص. ۱۵۰.

۱. شعر فارسی -- قرن ۸ ق. -- ترجمه شده به ترکی. ۲. شعر عرفانی -- قرن ۸ ق. -- ترجمه شده به ترکی. ۳. شعر ترکی -- ایران -- قرن ۸ ق. -- ترجمه شده از فارسی. الف. ولی شیرازی، الوان. قرن ۹ ق. مترجم. ب. محمدزاده صدیق، حسین. ۱۳۲۴ - مصحح. ج. عنوان. د. عنوان: گلشن راز. ترکی - فارسی.

۸۱۶/۳۲
گ ۳۵۸
ش
۱۳۸۱

PIR۵۵۰۲/گ ۷۰۳۵
۱۳۸۱

م ۸۱-۲۵۹۱۵

کتابخانه ملی ایران

● نام کتاب: گلشن راز شبستری

● زبان: ترکی و فارسی

● شاعر: شیخ الوان ولی شیرازی (قرن نهم هجری)

● تدوین، تحشیه و تصحیح: دکتر حسین محمدزاده صدیق

● چاپ: اول

● سال چاپ: ۱۳۸۱

● محل چاپ: تهران

● ناشر: مصحح

● صفحه‌آرایی: ستار صدیق

● تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

● قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال

● شابک: ۹۶۴-۳۳۰-۹۹۰-۸

● ISBN : 964-330-990-8

● شماره مجوز چاپ: ۱۳۷۳-۲/۰۷/۱۳۸۱

○ هزینه چاپ این کتاب را آقای دکتر حسین سامی راد، پزشک متخصص تیریزی پرداخت کرده است.

۱. مقدمه‌ی فارسی

با نام «شیخ محمود شبستری» و «گلشن راز» در سال ۱۳۴۱ آشنا شدم. نوجوان هفده ساله‌ی کنجکاوی بودم که در تبریز تقریباً همه روزه عصر، به کتابخانه‌ی «تربیت» می‌رفتم و هر روز با کتابهایی مشغول می‌شدم. از «لباب الالباب» گرفته تا «مجمع الفصحاح» را ورق می‌زدم و یادداشت برمی‌داشتم، قصیده‌ی «میرفندرسکی» را حفظ می‌کردم، برای کشف مجهولات خود به «کشف الظنون» سر می‌زدم و «گلشن راز» را در خدمت حکیم فرزانه‌ی عصر، مرحوم «محمد حسن برهانی»، کاشف اسرار علائق نامرئی مشائیون و عرفا تحصیل می‌کردم. فیلسوف مظلومی که از کسوت اهل ظاهر به در آمده، به کتابداری در مخزن گنجینه‌ی مرحوم تربیت مشغول بود. همو مرا با مرحوم «عبدالصمد امیر شقاقی»، نحوی و لغوی و ادیب نام آور تبریز آشنا ساخت و به خورشه‌چینی از محضر ایشان در تحصیل عاشقانه‌ی «مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز» پرداختم. دریغا که هر دو استاد فرزانه قلم بر دست گرفتن و یادگار مکتوب برجای گذاشتن را دون شأن خود دانستند و رخت از جهان بریستند و میراث معنوی‌شان وارث نشناخت و پراکنده شد.

در سال ۱۳۴۳ به امر و تشویق مرحوم «امیر شقاقی»، باغور در تذکرها، به تدوین شرح احوال شیخ محمود پرداختم. در آن حال و هوای نوجوانی، چقدر خوشحالی می‌کردم و در پوست خود نمی‌گنجیدم که مثلاً می‌توانستم اثبات کنم روایت مرگ او در ۷۲۰ هـ نادرست است و از مؤلفین «تذکره الشعراء» تا «آتشکده آذر» و نیز «نتایج الافکار» و «حاج میرزا آقاسی» بانی سنگ مزار شیخ محمود، همه بیراهه رفته‌اند و فقط «امین احمد رازی» راست گفته است که: وی در سال ۷۲۵ هـ فوت کرده است! و آگاهی‌هایی از «مرآت المحققین» و «حق الیقین» وی به دست می‌آوردم و به بازنویسی حواشی عوارف المعارف (چاپ شیراز) می‌پرداختم و به دنبال «سعادت نامه» می‌گشتم و «شاهد نامه» و روایات «مجالس العشاق» را رد می‌کردم و ... هر چند هفته یک بار، عصر پنجشنبه، به محضر دو قطب و شیخ ذبیح، مرحومان «شمس

ب	: بیت
ج	: جلد
ج	: جمع
ش	: شمسی
ص	: صفحه
(ص)	: صلی الله علیه وآله
(ع)	: علیه السلام
ع	: عربی
ف	: فارسی
ق	: قمری
م (عدد دد قاباق)	: منبع
م (عدد دد سونرا)	: میلادی
مصر	: مصدر
ه	: هجری
[]	: هر آرتیریلان سؤز ایچون.
()	: هر جوره ایضاح ایچون.
←	: هر جوره ارجاع ایچون.
=	: مساوی، برابر.
« »	: نقل قول و یا ائوزل کلمه‌لری مشخص ائتمه ایچون.
:	: یعنی.
...	: حذف اولان سؤزلر ایچون.
?	: سؤال علامتی.
(?)	: شک ائدیلن سؤز ایچون.

الدین پرویزی» و «دکتر گنجویان» می‌رفتم و همه جا به دنبال کشف رموز خفته در ابیات «گلشن راز» بودم.

در سال ۱۳۴۴ تقریباً همه‌ی ابیات «گلشن راز» را حفظ کرده‌بودم و تلاشی ناموفق داشتم که این ۹۹۹ بیت فارسی را به شعر ترکی برگردانم و از اینکه «شیخ محمود شبستری» این مفاهیم عالی‌ه را چرا جامه‌ی فاخر ترکی دربرنکرده است، رنجور می‌بودم و این رنجوری را پیش همگان بر زبان می‌آوردم.

روزی مرحوم «علی اکبر وقایعی» واعظ عارف سرخاب، محله‌مان، مرا پیش خود فراخواند و گفت:

«گلشن رازی ترجمه‌انده‌نین جیس‌مینده شیخ محمودون روحو حلول اثمه‌لیدیر...» و آب بر آتش سوزان طلب من ریخت. به اشاره‌ی پدرم به تحصیل «عقد الفرید» در خدمت ایشان پرداختم، سپس دانشجوی «زبان و ادبیات فارسی» شدم و بتمامی مسیر عوض کردم و ماجراهای سیاسی رنگارنگی از سر گذراندم و...

بعدها، این عشق اولیه‌ی نوجوانی پیوسته با من بود. چاپهای مختلف «گلشن راز»، نسخ خطی و متون چاپی شروح مختلف آن را شناسایی و بررسی کردم. سالی نیز هوس کردم در «تربیت معلم» در درس «متون عرفانی»، «گلشن راز» را تدریس کنم و چنان سختی کشیدم، که می‌پرس!

در فروردین ۱۳۸۰ برای معرفی دو کشف ادبی خودم: «دیوان بایرک قوش‌چو اوغلو» و «قارا مجموعه‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی» به آکادمی علوم جمهوری آذربایجان دعوت شدم. در دومین روز اقامتم به سراغ نسخه‌ی خطی «ترجمه‌ی ترکی گلشن راز» خفته در مخزن نسخ خطی شهر باکو رفتم. گرچه همه جا در باکو، هر کس با روی گشاده به استقبال می‌آمد، اما فتوکپی این نسخه را بسختی توانستم بگیرم. در آخرین روز اقامتم، پس از ۱۴ روز اصرار و سفارش و... چون گنجی به سینه فشردم و با خود به ایران آوردم.

آنچه زیر دست خواننده است، همین نسخه است که بیش از شش ماه، هر روز بطور متوسط دو ساعت برای قراءت و مقابله‌ی آن با متن فارسی وقت صرف کرده‌ام و اینک ثواب حاصل کارم را به روح استادان «گلشن راز» دوران نوجوانیم، مرحومان:

محمد حسن برهانی

عبدالصمد امیر شقاقی

علی اکبر وقایعی سرخابی

نثار می‌کنم. خداوند ارواح طیبه‌ی این بزرگان را قرین رحمت سازد. بی‌گمان ارواح این سلیمان‌های ملک اندیشه، کار علمی ناچیزم، این پای ملخ را، هنر از موری چون من خواهند

۱. در قراءت متن، همه‌ی تلاشم مقصور بر این بوده است که کلمه‌ای ناخوانده و ناشناخته بر جای نماند. با این همه، باز هم متن تنقیحی را آلوده به سه نقطه و دو چنگ [] ساختم.

۲. سعی کردم متن را با املائی نسبتاً معقول آماده سازم، اما، ویژگی‌های تلفظی سده‌ی نهم هجری را نیز حفظ کردم.

۳. متن فارسی را هم، با استفاده از این ترجمه، تصحیح و بازسازی کردم. و این متن تصحیحی، تفاوت‌هایی با همه‌ی متن‌های چاپ شده تاکنون، دارد.

۴. ابیات هر دو متن ترکی و فارسی را شماره‌گذاری کردم و در بخش تعلیقات (=آچیکلامالار) برخی توضیحات کوتاه در مقابل شماره‌های ابیات ترکی افزودم.

۵. برای نشان دادن ابیاتی که بوی ترجمه می‌دهد، شماره‌های ابیات فارسی را در سمت راست هر بیت ترکی، داخل ابروان () آوردم.

۶. منابع مورد استفاده را در «فهرست منابع» شماره‌گذاری کردم و اشاره به هر کدام از آنها را با حروف «م» و شماره مربوطه مشخص ساختم.

حاصل کار اینک در دست شماست و بی‌گمان به مصداق:

از غلط بیرون نباشد هیچ خط خط تقدیر است بیرون از غلط

از خبط و خطا و زلت خالی و عاری نیست. هر بزرگواری که سهوهای احتمالی من را گوشزد کند، و یا ارائه‌ی طریق نماید، من و خوانندگانم را مدیون خود خواهد ساخت. و امیدوارم که اهل فن به نقد فنی و اظهار نظرهای مستدل بپردازند*. اما از خداوند می‌خواهم که حاصل رنج شبانروزی من را، دستاویز راحت طلبانی که از روی حسادت و یا خباثت، دست به قلم خواهند برد و با سخنان بی‌سروته به تخریب آنچه ساخته‌ام دست خواهند زد، قرار ندهد و دست آنان را در تجاوز به این حریم پاک، کوتاه کند.

* مقالات با ارزش و نیز مقدمه‌ی مفصلی را که جناب آقای «فردی» با خواهش اینجانب بر این نشر مرقوم داشتند، در مجموعه‌ای انتشار خواهیم داد.

نخستین آگاهی‌ها پیرامون ترجمه‌ی «گلشن راز» به ترکی، در کاتالوگ‌های نسخ خطی کتابخانه‌های وین و پاریس به دست ما رسیده است. و.پرتچ (W.Pertsch) و ب.فلیمینگ (B.Flemming) در کاتالوگ‌های نسخ خطی خود که در ۱۸۸۹ و ۱۹۶۸ چاپ کرده‌اند، مترجم ترکی «گلشن راز» را «دستازی» (۹) می‌نامند (منبع ۳۷ و ۴۲)!

محمد بورسه‌ای در کتاب گرانقدر «عثمانلی مؤلفاری» در ماده‌ی «عاشیق علی پاشا» گوید که مخدوم وی «الوان چلبی شیرازی» توانسته است «گلشن راز» را به ترکی ترجمه کند. (م ۳، ج ۱، ص ۱۰۹)

محمد علی تربیت نیز در اثر نفیس «دانشمندان آذربایجان» گوید که در سال ۸۲۹ شاعری موسوم به شیرازی به ترجمه منظوم ترکی گلشن راز دست زده است (م ۵، ص ۳۳۶) و دو بیت نخست آن را آورده است. وی از نسخه‌های خطی استنساخ شده به سال ۸۷۱ که در کتابخانه‌ی شخصی وی بوده، سخن به میان می‌آورد.

مرحوم عبدالباقی گولپینارلی در ترجمه‌ی منثور خود از گلشن راز، ترجمه‌ی شیخ الوان ولی شیرازی را برآستی برگردان موفق می‌نامد (ص XII) و استاد مرحوم محرم ارگین در شماره چهارم از مجله‌ی «تورک دیلی و ادبیاتی درگیسی» مقاله‌ای کوتاه با عنوان «گلشن راز ترجمه‌سی» نگاشته است و آن را به لحاظ تاریخ زبان ترکی بسیار با اهمیت توصیف کرده است. شیخ الوان ولی شیرازی، مرید حاج بایرام ولی، یکی از پیروان مکتب عرفانی مولویه، در منظوم ساختن «گلشن راز شبستری» در ترکی، فقط نقش یک مترجم را ندارد. او، فرازهایی از اندیشه‌های محی‌الدین ابن عربی، شیخ عطار و مولانا را اخذ کرده است و در واقع، این اثر را با اخذ قوت و الهام از «گلشن راز» اثر «شیخ محمود شبستری» در ترکی «تصنیف» کرده است نه «ترجمه». و به احترام شیخ محمود، اندیشه‌های عرفانی خود را در قالب اثر پرآوازه‌ی وی بر زبان جاری ساخته است و در زبان ترکی ما، یکی از زیباترین متون فلسفی و عرفانی اسلام را آفریده است. هم از این روی، ما لفظ «ترجمه» را در عنوان کتاب ذکر نکردیم و آن را «روایت» نامیدیم.

ویژگیهای تصنیفی و برگردان این اثر را که موضوع ادبیات تطبیقی (Comparative Literature) است، می‌توان به شرح زیر باز نمود:

۱. باید گفت که برخی از ابیات مثنوی عیناً و بی‌کم و کاست ترجمه شده است. مانند ابیات

زیر:

متن	ترجمه
که چون حاصل شود در دل تصور	کی چون حاصل اولاد دلد تصور
نخستین نام وی باشد تفکر	آنین آدی اولور ثونده تفکر
مقدم چون پدر تالی چون مادر	مقدمیر پدر، تالی چو مادر
نتیجه هست فرزند، ای برادر	نتیجه اولدو فرزند، ای برادر
چو برخیزد خیال چشم احوال	خیالی رفع ائدیلجک چشم احوال
زمین و آسمان گردد مبدل	زمین و آسمان اولور مبدل

در ترجمه‌ی این گونه ابیات اغلب الفاظ متن فارسی حفظ شده است و شیخ ولی مانند یک مترجم دقیق و امانتدار ظهور کرده است.

۲. در بسیاری از جاها، ولی شیرازی به شرح و تفسیر متن پرداخته است. مانند چهار بیت زیر:

بسان آتش اندر سنگ و آهن	نهادست ایزد اندر جان و در تن
چو بر هم افتاد این سنگ و آهن	ز نورش هر دو عالم گشت روشن
از آن مجموع پیدا گردد این راز	چو بشنیدی برو بسا خود بپرداز
تسوئی، تو نخسه‌ی نقش الهی	بجو از خویش هر چیزی که خواهی

که آن را در ۷ بیت به شرح زیر تفسیر کرده است:

بیر اود واردیر دمیرده، داشدا گیزی	نه ایچده‌یر اول اود، نه دیشدا گیزی
دمیری چون کیم اول داشا قیخارسان،	اول اود چیخسین دئییه، لابد چیخارسان
چیخار داشدان توتار اود بو مکانی	آنینلا خلق ائیلر زندگانی
بسوجان و تنده‌ده بیر خاصیت‌وار	کسی پئیدا اولور اونلاردان بو اسرار
قویار اول خاصیتدن شعله یارا	کسیم آنینلا اولور حق آشکارا
سن اولدون نسخه‌ی نقش ایلاهی	عجب مجموعه‌نین خوش یادشاهی
ئوزوندن ایسته مطلوبون نه ایسه	بولارسان سنده محبوبون نه ایسه

۳. شیرازی مفاهیم فلسفی دیگری از خود به ترجمه ابیات افزوده است. کلیه‌ی ابیاتی که در این نشر فاقد شماره داخلی ابروان () هستند، افزوده‌ی خود شیرازی است.

این اثر اهمیت فراوانی در پژوهشهای زبانشناسی تاریخی زبان ترکی نیز دارد و کار ناچیز من، اگر بتواند انگیزه‌ای در علاقه‌مندان به ترکی پژوهی ایجاد کند، خود را مأجور

خواهم شناخت.

در تدوین این اثر نیز، مثل همیشه بی‌یاور ماندم. هنوز ما، در دانشگاه‌هایمان نتوانسته‌ایم کادرهای علمی مددکار ترکی پژوه تربیت کنیم. در این بی‌یاوری، دانشجوی سخت‌کوشم «محمد صادق نائی» در بازخوانی متن و فرزندم «ستارخان» در حروف‌چینی و صفحه‌آرایی مدد رسانیدند که جای سپاس دارد.

و مهمتر از آن، جان افشان و پاکوبان، همگی مسروریم که متنی حاوی لطائف عرفانی به زبان ترکی را احیاء می‌کنیم، با این امید که قلب خویشتن از کبر و ریا خالی کنیم:

مجرد قیل کوئول کبر ربادان کی پرنور اولا جانین کبربادان

حسین محمدزاده صدیق - دکتر در ادبیات
فروردین ماه ۱۳۸۱

۲. شیخ محمود شبستری و گلشن راز

۱-۲. قایناقلار

شیخ محمود شبستری حاققیندا تذکره صاحبیلری و آراشدیریجیلار آراسیندان هر کس دانیشیب، نظر و ثریب و اونون حاققیندا اولان معلوماتی تکرار ائتمیشلر.

محمد علی تربیت «دانشمندان آذربایجان» (ص ۳۳۴)، و «ارمغان» مجله‌سینده (۱۲-نجی ایل، ص ۶۰۱-۶۱۰) سلیم نیساری «تاریخ ادبیات ایران» کیتابیندا (ص ۳۴)، حاج محمد آقا نخجوانی «فهرست کتابخانه‌ی تربیت» اثرینده (ص ۱۸۶)، رضا زاده شفق یازدیغی ایلک «تاریخ ادبیات» درسلیگینده (ص ۱۲۸)، عبدالله رازی «تاریخ مفصل ایران» کیتابیندا (ص ۳۴۵)، شمس الدین سامی «قاموس الاعلام» اثرینده (ج ۳، ص ۴۲۲۸)، تذکره‌لرده و ثریلن معلوماتا دایاناراق عصریمیزده ایلک تدقیقی مقاله‌لرینی یازمیشلار. یعنی تدقیقلر آراسیندان قربانعلی محمدزاده‌نین باکی شهرینده نشر ائدیگی «گلشن راز»-ین تنقیدی متنینی و «صمد موحد»-ین تهراندا ترتیب ائدیگی «مجموعه آثار شیخ محمود شبستری» اثرینی و هانری کوربن-ین شیخ محمود شبستری حاققیندا حاضیرلادیغی مونوگرافیانی آد آپارماق اولار.

تذکره‌لردن ده «ریاض العارفین» (ص ۲۳۱)، «مجمع الفصحا» (ص ۳۰)، «هفت اقلیم» (ص ۲۱۳)، «آتشکده آذر» (ص ۱۳۸)، «ریاض السیاحه» (ص ۴۱)، «نتایج الافکار» (ص ۶۱۶)، «ریحانة الادب» (ص ۲۹۸) کیمی قایناقلارین بیر چوخو شیخ محمودون ترجمه حالی و اثرلری باره‌ده بحث ائتمیشلر.

مرحوم عبدالرسول خیامپور «فرهنگ سخنوران» آدلی اثرینده، ایگیرمی دؤرد تذکره، ادبیات تاریخی و نشریه‌ده، شیخ محمود شبستری‌نین حال ترجمه‌سی‌نین یازیلدیغینی بیلدیریر (م ۶، ص ۵۲۵).

۲-۲. دوغولدوغو یثر

افتخار العرفا الحقیقی، اختیار الاولیاء الواصلین، اکمل المدققین الموحدین، قطب

المحققین، سعدالدین حضرت مولانا نجم الدین شیخ محمود بن عبدالکریم بن یحیی شبستری تبریزی، تبریزین شمال غربینده و اورمیه دریاسی نین شمالیندا و مرندین جنوبوندا یئرلشن «شبستر» شهرینده دونیا یا گلیمیشدیر. شهرین آدینی اهالی ئوزو «چو وستر» Çöwüster تلفظ ائده لر. بو سؤزجوک تورکجه و اوج کؤک و اکدن عیبارتدیر:

۱. Çöw - ئون اکی، چوخ و خئیلی معناسیندادیر.

۲. üst - کؤکو، یوخاری و یوکسک آنلامیندادیر.

۳. er - سون اکی ایسه، ایگید و گنج معناسیندادیر.

بئله لیکله چو وستر کلمه سی نین معناسی «داها یوکسک ایگید» اولمالیدیر و «شبستر» بو سؤزون فارسجا دئییشی کیمی قبول اولونور. ایندی سیس، تسوج، شرافخانا، صوفیان و خامنه، بو شهره باغلی قصبه لردن سایلییر. بو شهرین یوزه یاخین کندی واردیر.

شبستر بؤلگه سی مدنیت تاریخمیزین ان اسکی بئشیکلریندن اولموشدور. بؤلگه ده تاپیلان مزار داشلاری و اسکی مزارلیقلار و هابئله بعضی تارالارداکی یانایق یئر آلتی تاپیتیلاری، اورانین اسکی مدنیت او یلاغی اولماسینی ثبوت ایتیریر.

اسلام تاریخی دؤورونده دوشونجه و فلسفه و شعر سمالاریندا پارلایان ایکسی بؤیوک اولدوز «شیخ محمود» و «میرزا علی معجز» شبستر شهرین بشارت ایچون باغشلا دیغی ایکسی بؤیوک و آدلیم فخری سایلییر.

۳-۲. دوغوم و ئولومو

تذکره صاحبیلری شیخ محمودون ئولوم تاریخینی ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰ و ۷۲۵ ذکر ائتمیشلر و اونون «گیاختوخان» سلطنتی زامانیندا دونیا یا گلیمه سینی و ۳۳ ایل یاشاماسینی قئید ائتمیشلر.

ابا قاقان اوغلو گسیختوخان ۶۹۰-نجی ایلده تخته اوتورموش و ۶۹۴-نجو ایلده ئولدورولموشدور.

تذکره لرین ذکر ائتدیکلری ئولوم ایللری آراسیندان، نظره گیرکی «امین احمد رازی» نین قئید ائتدیگی ۷۲۵ دوغرو اولمالیدیر و ۶۹۳-نجو ایلی اونون دوغوم ایلی کیمی سئچیریک.

۴-۲. ائولادی

ائولادی آراسیندان «شیخ عبدالله شبستری زاده شبستری» آدلیم عالیم اولموشدور. او ۹۲۶-نجی ایلده آناتولویا کؤچموشدور. (تربیت، ص ۲۶۶).

۵-۲. اوستادلاری

شیخ و اوستادی نین آدی «امین الدین» اولموشدور. اونون حاققیندا سعادت نامه اثرینده دئییر:

شیخ و اوستاد من امین الدین دادی الحق جوابهای چنین

من ندیدم چنو دگر استاد آفرین بر روان پاکش باد.

شیخ امین الدین، تبریزی عارف ایدی، شیخ محمود اونون یانیندا محی الدین بن عربی نین «فتوحات مکیه» و «فصوص الحکم» اثرلرینی اوخویوب اؤیره نمیشدی. باشقا اوستادی «بهاء الدین یعقوب تبریزی» ایدی که شیخ محمود وصیتی اوزره، اونو، محض بو اوستادی نین مزاری نین جواریندا دفن ائتمیشلر.

۶-۲. اثرلری

شیخ محمودون ایندی قدهر تاپیلان اثرلری آشاغیدا کیلاردیر:

۱. حق الیقین فی معرفه رب العالمین (نثر) - بیر مقدمه و ۸ باب (بهشتین سگیزلی قاپیلاری برابر) دا دیر.

۲. مرآت المحققین (نثر) - «نفس تانیم و الله تانیم علمی» حاققیندا اولان بو اثر ۷ بابدادیر.

۳. سعادتنامه (شعر) - کلام علمی مسأله لرینی احتوا ائدن بو اثر ۸ بابدادیر و ایندی قدهر ۴ بابی اله گلیمیشدیر.

۴. گلشن راز (شعر) - شیخ محمود شبستری نین ان ئونملی و ان آدلیم اثریدیر. بو اثر «امیر حسینی هروی» * نین ۷۱۷-نجی ایلده گؤنردیگی فلسفی سؤالارینا جواب اولاراق یازیلیمیشدیر و بو سؤالارین جوابیندا شیخ محمود، «تمثیل» و «قاعده» عنوانلاری ایله، عرفانی و فلسفی مسأله لر آچیقلامیشدیر.

شیخ محمود «گلشن راز» ایتیمیش بئشلیک بیر دیباچه یازمیش، بو دیباچه ده «وارلیق پوتولوگو» (= وحدت وجود) اینانجینی خلاصه ائتدیکن سونرا، ۷۱۷-نجی ایل سؤال آیندا، خراساندان «حسینی» نین اونا بیر یازی گؤنردیگینی و یازیدا اوندان مثنوی قالیبینه

بیر نئچه سؤز سوردوغونو، بو سورغولارین مثنوی طرزینده مجلسینه گلدیگینی، و اودا مجلسینده کیلرین ایسته گی اوزره بو سورغولارا عینی قالیبه جواب و ئردیگینی، ائله چی نین

ایسه سؤال مکتوبونا و ئریلمیش جوابی سایغی ایله آلیب گئتدیگینی بیان ائدیر و هابئله دئییرکی او واختا کیمی نثر ایله یازیلیمیش اثرلر صاحبی اولماسینا باخما یاراق، هئچ شعر سؤیلمه میشدیر:

همه دانند کاین کس در همه عمر، نکسره هیچ قصد گفتن شعر.

به نثر ارچه کتب بسیار می ساخت به نظم مثنوی هرگز نپرداخت.

و معنائین وزنه و قافیه به سیغماز اولدوغوندان دانیشیب، شیخ عطار (ئولوم ۶۲۷ هـ) ی

* امیر حسینی هروی ۷۲۳ هـ ایلینده وفات ائتمیشدیر، اونون اثرلری آراسیندان «نزهة الارواح»، «طرب المجالس»، «زاد المسافرین» و «کنوز الرموز» آدلی کیتابلاری آد آپارماق اولارا اونون داها چوخ شؤهرتی، شیخ محمودا گؤنردیگی «گلشن راز» سؤالارینا گؤره دیر.

سایفی ایله یاد ائدیر و «گلشن راز» ین اونون دوکانیندان آنجاق بیر قو خو اولدوغونو بیلدیریر و سونرادان جوابلاری بیر آز گئیشلتدیگینی و بیر نئچه ساعات ایچینده بو کیتابین یازیلدیغی و اونا «گلشن راز» آدی قویدوغونو بیان ائیلیر.

«گلشن راز» دا هم عطارین و همده مولانا نین تاثیر گؤزه چارپیر. ۸-نجی سورغویا وئرلین جوابداکی ایضاح، مولوی نین مثنوی سینی خاطیرلادیر. خصوصیلده ۱۲۲۸-نجی بیئت (ف. ۴۹۷)، مثنوی نین بو بیئتینی یادا سالیر:

نی، طریق راه پر خون می کند
قصه های عشق مجنون می کند

۱-نجی سورغودا معنلارین تجسّد ائتمه سی مثنوی نین ۲-نجی جیلد ۹۶۰-نجی بیئت و ۳-نجی جیلد ۳۶۸-۳۴۸ نجو بیئتلرین شرحینه بنزه ییر.*

۲-۷. گلشن رازین شرحلری

گلشن راز مثنوی سینه ایندییه قدەر یازیلان فارسجا شرحلر آراسیندان ایگیرمی بیرینی محمدعلی تربیت «دانشمندان آذربایجان» (۵م، ص ۳۳۴) کیتابیندا و بیر نئچه سینی ده احمد منزوی «فهرست نسخه های خطی فارسی» (۲۵م، ص ۵۳) اثرینده معرفی ائتمیشلر. بو شرحلردن آنجاق شمس الدین محمد بن علی لاهیجی نین ۸۷۷-نجی ایلده یازدیغی «مفاتیح الاعجاز» و کمال الدین حسین بن شرف الدین عبدالحق الهی اردبیلی نین ۹۵۰-نجی ایلده یازدیغی شرح «گلشن راز» و شاه داعی الی الله شیرازی نین «نساء گلشن» و شمس الدین پرویزی ذهبی نین ۱۳۳۳ شمسی ده یازدیغی «اسرار گلشن راز» کتابلاری نشر ائدیلیمیشدیر.

احمد مسنوی ایسه ۳۵ شرح معرفی ائتمیشدیر. مرحوم عبدالباقی گولپینارلی (۳۸م، ص XIII) دا اون اوچ شرحین معرفی سینی بو سیاهیه آرتیرمیشدیر. اگر گولپینارلی نین ئوز ترجمه و شرحینی ده حساب ائتسک، قئید ائتمه لیک کی ایندییه کیمی «گلشن راز» ا یازیلان اللی شرح تانیمیشدیر.

۲-۸. گلشن رازدان تقلید

شیخ محمودون اثری، قرنلر بویونجا تورکجه و فارسجا یازان عارف شاعیرلره تأثیر بوراخمیشدیر و اونلاری تقلیده ساری چکمیشدیر. هجری ۸-نجی عصرده یاشایان «عماد فقیه» ئوز دگرلی اثری اولان «مصباح الهدایه» سینی، «گلشن راز» بنزه درک تألیف ائتمیشدیر. (گولپینارلی، ۳۸م، ص XVIII). «درویش علی گیلانی» همین عصرده، سورغو - جواب طرزینده منظوم بیر رساله یازمیش و اونو «گلشن راز» بنزه تمیشدیر (نخجوانی، ص ۱۸۶)، ۹-نجی عصر شاعیری ابراهیم طنوری تورکجه «گلزارنامه» سینی «گلشن راز» دان ایلهام آلاراق یازمیشدیر. بو اثرین هم وزنی بو کیتابدان آلینمیشدیر و همده شاعیر، یئر به یئر اثرین بیر چوخ

* مثنوی نین «نیکلسون» نشرینه مراجعت ائدین.

بیئتلرینی ده ترجمه ائتمیشدیر. هابئله تورکجه «گلشن راز عارفان» آدلی عبدالله بوسنه ای نین اثری نین آدینی دا بو سیاهیه داخیل ائتمک اولار (گولپینارلی، م ۳۸/ص XII).

۲-۹. گلشن رازین نشرلری

هیچ بیر فارسجا کلاسیک کیتاب «گلشن راز» قدەر چاپ ائدیلمه میشدیر. ایلمک ئونجه ۱۲۶۱ ه. ده تبریزده، ۱۲۸۷ ه. ده اسلامبولدا، ۱۳۰۹ ه. ده اصفهاندا، ۱۳۲۹ ه. ده بمبئی ده، ۱۳۱۹ ه. ده تهراندا «صفوة الصفا» حاشیه سینده، ۱۳۱۱ و ۱۳۳۳ ه. ده یئنه ده تهراندا، ۱۳۳۳ ه. ده عماد اردبیلی خطی ایله شیرازدا داش باسماسی اصولو ایله نشر ائدیلیمیشدیر. اثرین ایندییه کیمی یوزدن چوخ یئنی اصول ایله نشری الده دیر.

قاراندیردیغی ان ئونملی و آدلیم اثری، شیخ محمود شبستری نین «گلشن راز» اثری نین ترجمه سی، تعدیل و تصنیفی دیر.

شاعیرین آدی حاققیندا ایلک ئونجه «عثمانلی مؤلفلری» کیتاییندا سؤز آچیلیمیشدیر. او اثر، شاعیری «شیرازی الوان چلبی» آدلاندیریر (م ۳، ص ۱۱۰). مرحوم محمد علی تربیت ایسه یالنیز «شیرازی» یازییر (دانشمندان آذربایجان، م ۵، ص ۳۳۶). باشقالاری دا او جمله دن بانارلی، «شیخ الوان شیرازی» آدلاندیرمیشلار.

گنج مؤلف «محسن نقی سویلو» علمی مقاله سینده، شاعیرین ئوزدیلیندن صادر اولان آشاغیداکی بیئتره استناد ائدرک اونون آدینی «ولی شیرازی» قئید ائدیر:

ولی! وارلیغینی اندیشه ایله
تنی حقانی خمره شیشه ایله

«ولی شیرازی» بی. خیر ایله یاد ائت
دوعا ایله آئین روحونو شاد ائت

اگر «منصور» ایسه مرد خدایی
نچون سالدی جهان بو صدایی
«ولی» دن صادر اولماز بو عیارت
کیم ئولمک اولما جوریمنه کفارت

ویا بیر یئرده دئییر:

آنا دئین بونو اونوتما یانا
«ولی» اونوتما بو آرانی یانا
بو یئرده اکثفا ائت بو مقاله
گیره بیم یئنه بیر داخی سؤاله

بیز کلاسیک تورکجه قایناقلاردا «الوان» لقبی نین شاعیرین آدیندا قایاق کلمه سینی سبب سیز حساب ائده بیلیمیریک. اودورکی، اونو «شیخ الوان ولی شیرازی» آدلاندیریریق. اثر دن دنیا کیتابخانالاریندا ساخلانیلان او توز الیازماسی نین قارشیلیقلی علمی تنقیدی متنی نین نشرینده، بیر چوخ مجهوللار حل اولمالیدیر.

اونون «گلشن راز شبستری» نین ترجمه سینه علاوه یازمیش اولدوغو شعرلرینده، زامانین آیدین و کوتله دیلینده یاشایان کلمه لری ایشله نیلمیشدیر. بو کلمه لر، دده قورقود بویلاری، یونس امره، قوشچو اوغلو و قاضی برهان الدینین شعر دیلینده کی کلمه لر دیر. اونون شعر دیلینده، تورکجه سؤزلر اویناییر، ریتم و آهنگه اویغون شعریت جذبه سی

۳. شیخ الوان ولی شیرازی و گلشن راز

۳-۱. تورکجه میزده گلشن راز شبستری

شیخ محمود شبستری نین «گلشن راز» مثنوی سی نین فارسجادا یازیلدیغیندان تام یوز ایل سونرا، آدلیم عارف «شیخ الوان ولی شیرازی» همین مثنوی اساسیندا، تورکجه مثنوی یازمیشدیر. الینیزده اولان کیتاب همین مثنوی نین تام متنینی برپا ائتمک آرزوسو ایله نشر ائدیلیر.

شیخ الوان شیرازی بورادا بیر ترجمه چی کیمی یوخ، بلکه بیر یارادیچی کیمی، دیلیمیزه فلسفی - عرفانی بیر اثر قازاندیریر. او، گلشن رازین بیئترلرینی ترجمه ائدیر، اونلارین اساسیندا، عرفانی لطیفه لری بحثه قویور و شعریت جذبه سی ایله، اوخوجونو بو مسأله لری منیمسه مه یه سوق ائدیر.

اگر شیخ محمودون گلشن رازی ییغجام و مختصر مفید بیر اثر دیرسه، شیخ الوانین گلشن رازی دها چوخ ایضاحلی دیر و دها چوخ یاییلمیش و منیمسه نمیشدیر. او، شیخ محمودون فارسجانین بلکه ده محدود ظرفیتیندن اسیلی اولاراق قورو و علمی ادا ایله یازیلان سؤزلرینی، تورکجه میزده سلیس و روان یزه کله ایله دولدورموشدور.

میثال ایچون «گلشن راز» ین باش بؤلومو، اصلینده قورو بیر بیلگی افاده سیدیر. اوندان شعریت جذبه و وجدی آزدیر. الوان شیرازی ایسه بو قورغونو دگیشمیشدیر (م ۳۸، IX). او، باش بؤلومو بیله باشلاییر:

نفس اوردو او رحمانی نسیمی	معطر اولدو جان و دل حریمی
ازل گوئیونده گؤر رحمت سحابین	ابعد یئرینه تۆکدو نعمت آبین
شفق بو شفقته گؤردو اوفوقدا	بو حُرمتدن خجیل اولدو توتوقدا
عنایت مهری چون کیم آجدی چهره	شعاعی مِهْره اوردو ماه [و] مِهْره
مگر نوروز عزت گلدی نازه	سعادت نوبهارین قیلدی تازه
محببت بولبولو گوینده اولدو	شفاعت گولوشنی جوینده اولدو
یانار نور کرمدن گول چیراغی	دولار فضل سمندن لطف باغی

۳-۲. شیخ الوان ولی شیرازی کیم دیر

«حاج بایرام ولی» نین مریدلریندن ساییلان «شیخ الوان ولی شیرازی» نین تورکجه میزه

تایپر. اویناق، ریتیمیک و آهنگداردیر. او، علمی - عرفانی دیلی تامامیله خلق دیلینه و جانلی تورکجه یه یاخینلاشدیریر.

آشاغیداکي مستزاددا ایشلن ۷۵ کلمه نین ۵۰ سی تورکجه دیر:

بیر غنچه نی سؤدیم کی بوگون گوللر ایچینده	جانانه لیک ائیلر
باغلاندى کؤنول زولفونه سونوللر ایچینده	دیوانه لیک ائیلر
باردیم تنیمی شانه کیمی باشدان آیاغا	ای دان یتلی بیر سور
کیمدیر کی اونون زولفونه کؤنوللر ایچینده	کیم شانه لیک ائیلر
گؤزه لر آتین حوسنو قاتیندا قامو یوخسول	بو گؤرمک ایله بای
بیر شاه جهان دیر کی بوگون قوللار ایچینده	مردانه لیک ائیلر
شیرازی اسیر اولالیدان بری دیر، آتین	اوش گنججه و گوندوز
ایتلری ایله بئله یاتیر کوللر ایچینده	یارانه لیک ائیلر

(بانارلی/ص ۷۲۰)

یوخاریدا قئید ائتدیگیمیز کیمی، فلسفی دوشونجه لری، تورکجه ده ساغلام دیل ایله سؤیله یه بیلن شیرازی، دیلیمیزین ان گؤزل فلسفی سؤیله ییشینی یارادا بیلیمیشدیر. میثال اولاراق، روحون انساندا بدنلنمه سی حادثه سین، بئله دیله گتیریر:

فلک لردن گذر ائیلهدی جانین زمینینده بولوندو بو زمانین
نیساتا، معدنه، حیوانا گلدین بولاردان کئچدین و انسانا گلدین
دئدیگیمیز کیمی، الوان شیرازی یالینیز بیر ترجمه چی دگیلدیر. او، محی الدین عریبی دن، (۶۳۸هـ) خواجه احمد یسوی دن، شیخ عطار دان و مولانادان بعضی فیکیرلر و ایلهاملار آلاراق، همده اثرین حقیقی مؤلفی نین اورتاغی اولموش، آدینی حؤرمته چکدیگی شیخ محمودون اثرینی داها تفصیلات ایله تورکجه میزه نقل ائتمیشدیر.

وصفی ماهیر قوجا تورکون «تورک ادبیاتی تاریخی» (م ۴۵، ص ۲۷۶) کیتابیندا یازدیغینا گؤره: «شیخ الوان شیرازی طرفیندن یازیلان تورکجه گلشن رازی، شعریمیزین تکاملونده یئر آلان تألیف بیر نظم اثری اولاراق مطالعه ائده بیله ریک.»

اثر، دیلیمیزین ۹نجو عصرده ادبی کؤکلنمه سینده مهم رول اوینامیشدیر. اثرده چوخلو جوشغون و اویناق مصراعلاردا وارکی فلسفی بحثلری، قورو بیان شیوه سیندن قورتاریر:

بو می دن دنگ و حیران دیر ملک لار	بو می دن مست و شیدادیر فلک لار
طلب ائیله، ایچ اول می دن پیاپی	کی فارغ دیر قامو ساغردن اول می
ایچر ساقی سین اول می، می دئینجه	نه ساغر قوز نه مجلس هئی دئینجه

۳-۳. دوغومو و تولومو

شیخ ولی شیرازی اثرین بیر یثینده دئییر:

آغسی قیلدیم قارا، قاراردی آغیم یساخندیر الیسی یه ائیرمگه چاغیم
یئترین یوزو دولو قویون قوزویدو سکیز یوز و ایگیزی دوققوز ایدی
بورادان آنلاشمیلرکی او ۸۲۹-نجو ایلده اثرینی یازیب قورتارمیشدیر و همین ایلده یاشی
اللی یه یاخینلاشمیشدیر. بئله لیکله دئییه بیلرکی او تخمینا هیجری ۷۷۹-نجو ایل ده دونیا یا
گلیمیشدیر. اونون تولوم تاریخی بیزه معلوم اولماسادا، اونون بعضی آراشدیریجیلارین نظرینه
گؤره ۷۰ ایل یاشاماسی ظن ائدیلمکده دیر. بئله لیکله ۸۵۰-نجی ایل شاعرین وفات ایللی
کیمی قئید ائده بیله ریک.

۴-۳. اثرین محتواسی

اثرده، اوخوجو آشاغیداکي سؤاللار ایله اوز-اوزه گلیر:

دوشونجه نه دیر؟ من کیم؟ ایچ عالمیمه سفر ائتمه نه دئمکدیر؟ مسافر کیمدیر؟ حقیقی
انسان کیمه دئیرلر؟ وحدتین سیرینه کیم واقیف اولار؟ انالحق سؤزو هانسی نقطه
ایچوندور؟ انسانین آلاهی تانیماسی نئجه اولار؟ مخلوقون سلوکو نئجه اولار؟ وصال
نه دیر؟ علم صاحبی اولان وارلیق نئجه دریادیر؟ او نئجه جزء دورکی کلدن بؤیوک دور؟ قدیم ایله
محدث نئجه بیر-بیریندن آیریلدی؟ خط و خال و چشم و ابرو سؤزلری نین معناسی نه دیر؟

شېستری بو سؤاللار «ابن عربی» و «مولوی» گؤزلینه بنزیر گؤز ایله باخیر. لاکین
فلسفه نی رد ائدیر (ب ۱۰۴ [208])، عرشی سکگیزینچی و کورسونودوققوزونجو گؤی
طبقه سی کیمی قبول ائدیر (ب ۲۲۱-۲۰۶)، هیولادان، جوهر و عرض دن دانیشر و اونلارین
تأویل لری حاققیندادا بحث ائدیر.

۵-۳. ولایت بحثی

بیلیریککی کلام علمینده، کلامچی عالیم «ابن میمون» دان سوروب گلن کلامی بحثلری
دوام ائتدیرن کلامچیلار، «عدالت» و «ولایت» کیمی بیر چوخ بحثلره یاناشمامیشلار. ان
جسارتلی کلامچی، اسلام تاریخینده ملا محمد بن سلیمان فضولی اولموشدور کی او، کلام
بحثلری اراسیندا حتی «مهدی منتظر» (عج) بحثینی ده آچیر و بو بحثلری آلت - اوست ائدیر.

شیخ محمود شېستری ده چوخ اینجه اولاراق «ختم ولایت» مسأله سینین قبول ائدیر، آنچاق
ابن عربی کیمی «مهدی» نی تانیماق جرأتینه صاحب دگیلدیر. شېستری یه گؤره پیغمبرلیک آدم
صفی الله ایله باشلامیش، کمالی حضرت محمد (ص) ده ظهور ائتمیشدیر. او پیغمبرلرین
آخرینجی سی دیر و اوندان سونرا ولایت دؤرو باشلار. ولایتین کمالی ایسه، سون ولی اولان
«مهدی» ده ظهور ائدر. اونون ظهورو ایله بو تون عالم عدالته قاووشار. شیخ محمود، بو سؤزلری
آچیقجاسینا دیله گتیرمه سه ده، اونون شارحلری مسأله نی آچیق - آیدین ایضاح ائتمیشلر.

شیخ الوان شیرازی ایسه، ولایت بحثینه گلدیکده، بحثی گئیش شکیلده آچیر و دئییر:

اثنیستگیل مهدی نین چرخدینی حالی
حدیث کشفدن معلوم اولان دیر
علامتدن بودور اول حکایت
کیم آفریقہ دئرلر اول ایچ ایله
اول ائیلده واردیر بیر شهر آدی
یئنه بیر شهردار آدی «بجایا»
خروج ائیلده مغربدن اول [...] ال
کی آفریقہ دن اول آنه رودیر
بو طونوس اهلی و ائلی قاجالار
بجایا شهری اوزره جنگ اول
بو قامو شهر جمله ائللر ایله
قامو یغما اولوب قاجا گله لر
آلار مصرین ائللین جمله بونلار

گرکلیدیر سینه گیزله بوقالی
بو سوری صادق القولی بیلندیر
کی مغرب مولکیندن اوچ ولایت
اول ائللین شهرتی دورور آنینلا
نه دور «طونوس» معظم دیر سواد
کی بیر مأمندیر اول یوخسول [و] بایا
اولا ییغی و ایراق اولمیه ال
بو آفریقہ دئدیگیم بریدیر
یئرین - یوردون قویوب جمله گنجه لر
ائلی و شهری هپ دلتنگ اول
قیریشیب قیرجیشیب بیری - بیرله
دیار منصره هپ کوچوب گئده لر
اسیر ائیلله لر اهل عیالار

شیخ ولی بورادا مهدی نین ظهور علامتلی و ظهوروندا اولاجاق شئیرلی ابن عربی دن
آلمیش و منظومه سینده یئرلشدیر میشدیر.

۳-۶. تطبیقی ادبیات اهمیت

تأسفله قئید ائتمه لیم کی ٹولکهمیزده فارسجا-تورکجه تطبیقی ادبیات علمی انکشاف
ائمه میشدیر. بو، دنیا ادبیاتی مقوله لرینده چوخ ٹونملی و مهم بیر بحثی تشکیل ائدیر. بیزده
بئله بیر بحث انکشاف ائدرسه، هر ایکی دیلده یازیلی ادبی اثرلرین بیر چوخ مسألرینی حل ائده
بیله جه ییک. فارس ادبیاتیندا تحقیق ائتمه ک ایسته یین هر کس، تورکجه و عربجه نی ده یاخشی
بیلمه لیدیر. یوخسا آراشدیرمالار، البته ناقص و یترسیز اولاجاقدیر. ایندی تورکجه-فارسجا
تطبیقی ادبیات بولو ایله بیز «یوسف و زلیخا» مثنویسی نین فردوسی دن اولماسینی ثبوت ائده
بیلیریک^(۱) و **خواجہ احمد یسوی** نین **شیخ عطار** نین یارادیجیلیغیندا قویدوغو تأثیری ئیره نه
بیلیریک.

الینیزده اولان متنده، من تورکجه متن ایله فارسجا متنی قارشیلشدیرارکن، فارسجا
چاپلاردا گئدن بیر چوخ یانلیشلیقلاری اصلاح ائده بیلدیم.
مثلا بو ایکی بئیتی توتوشدورارکن:

۱. باخ. فردوسی توسی، یوسف و زلیخا، به تصحیح دکتر ح. م. صدیق، انتشارات آفرینش، تهران، ۱۳۶۹.

جمالی شمع جمع دلگشادیر
مقامی شمع جمع جانفزا دیر
مقام دلگشایش جمع جمع است
جمال جانفزایش شمع جمع است.

فارسجا متنی بئله اصلاح ائدیم:
جمال دلگشایش شمع جمع است
مقام جانفزایش جمع جمع است

۷-۳. اثرین ئوزه لیلیگی

دئدیگیم کیمی اصلینده **شیخ الوان ولی شیرازی**، بو اثری هم ترجمه، هم تفسیر، هم تعدیل
و همده تألیف و تصنیف و روایت ائتمیشدیر.

گاه بیر بئیتین آنلامینی نئچه بئیتده سرمیش و آپمیش دیر. مثال ایچون بو بئیتین:
سخن هاچون به وفق منزل افتاد در افهام خلائق مشکل افتاد

ترجمه سینده بئله دئیییر:

چو هر سؤز منزله دوشدو موافق نه فهم ائستین آنی هر بیر خلائق
اولار کیم ائتمه دی قطع منازل آنما مجموع معنی اولدو مشکل
کی هر بیر قامتین وار بیر لباسی بقاسینا گؤره اولور قسباسی

ترجمه یه «بقا» و «بقا» کلمه لرینی اویناتماق لا همده بدیعی گؤزله لیک بخش ائتمیشدیر. و
بو صنعت لر بیر چوخ یئرده گؤرونور.
بو ایسه، گؤستریر کی **شیخ ولی**، اثری یالیز ترجمه یوخ، بلکه تفسیر و تصنیف قصدی ایله
نظمه چکمیشدیر.

یوخاریدا دئدیگیمیز کیمی، **شیخ ولی**، اصلینده **شیخ محمودون** مثنویسینه شعریت جذبه
و وجدی و ئرمیشدیر. مثال ایچون اثرین هر فصلینه بیر باشلیق آرتیزاراق، ان گؤزل ذهنی
تصویرلر ایله طبیعت گؤزلیکلرینی توصیف ائدیر. بو باخیمدان، اثر، بیزیم هجری ۹-نجو
عصر ناتورالیستی توصیف لریمیزده، ئوزونه مخصوص یئر داشیییر. آشاغیدا کی تکرار ائدیلمز
توصیقلره دقت ائده لیم:

فلک چون چهره سیندن آچدی برقع
غراب شب چو دوردو، پر و بالین
هوادران گیزلیدی مغرب یواسین
سحر، صندوق چرخ اولدو نگوسار
اوفوقده روشن اولدو عین مطلع
قفا یا سالدی هپ مشرق جیبالین
قانات بوکدو و قیلدی گؤز قاراسین
دهانیندان دوشوردو دُر شهوار.

دوشه دی آغ سونقور بال زرين
شاعیندان سرابا دؤندو دریا
چمن طیفلی گئیندی لاله نو خیز،
فلک صحنیده اولماغا گؤهرچین
بویندی دورلو رنگه کوه و صحرا
قیلیدی زمزمه مرغ سحرخیز.

شیخ ولی، شیخ محمودون مثنویسی نین ترجمه و تفسیر ایچون سئچمکی نین سببینی بئله ایضاح ائدیر:

حدیث و آیه ایله دویدولودور
مرتب نسخه دیر منظوم و موزون
سباح کسب ائیلهدیم سلفدن
بو در بو حقه ده در عدندیر
نه ایکن کیچی، نه ایکن اولودور
لطیف و خوب و روشن در مکنون
چیخاردیم اشبو در بی صدقن
حسن، نه دوندا اولورسا، حسن دیر

شیرازی نین بدیعی سؤز اسلوبونا مهارتجه یتیلندیگی ده دقتی جلب ائدیر. او، ایهام، جیناس، بنزه تمه و استعاره لردن اوستاد جاسینا استفاده ائده بیلن شاعیردیر. آشاغیداکی جیناس قافیله ره دقت ائده لیم:

ایشینی تیزراق توت قو [ب]ـما گئجه،
گئجه نی گوندوز ائت، گوندوزو گئجه.
نئجه بولبول کیمی گولسوز ئوته سن
بری گلگیل گولستاندان ئوته سن!
بو صحرا دا بو گولزاری تیکنلر
عقینجه قویدور و بدور چوخ تیکانلار.
ایسی دئدین، ایسی، ای دین اولوسو
کی تو یلادین بو خوی ایله اولوسو
بو یول آنین دگیل دیر کیم ارینه
ایکی آدیم دورور بو عشق ارینه
اورالار باشلار دورلو ایشیق لار،
کی قارانولوغا سالا ایشیق لار.
کیلیمینجه اوزات سفیل آباغینی
آباغیندان سسییر ماغیل باغینی
قاوون یومورتاسیندان دوغماز ئوردک
نه دن سه آئسی بیتیره چگیردک!

شیخ شیرازی، اثرین چوخ یئرلرینده، فولکلوریک ژانرلاریمیزا توجه ائتمگی اساس هدف لریندن بیر ی سایی می شدیر. میثال ایچون او، درین فلسفی آنلایشلاری بیان ائتمه ایچون،

آتالار سؤزو و حکمتلی سؤزلردن یارارلانمیش دیرکی بو مسأله نین خصوصی تحقیقات ایشینه احتیاجی واردیر. بو موضوع ایله علاقه دار بعضی نمونه لر:

اغیز دادلی می اولور بال دئمکدن
مگر لذت گله آتی یئمکدن!
ایکینده دئمده کیسه ئویله،
دئدیلر: «اگری اوتور، دوغرو سؤیله!»
منه بو پرده دن بیر راز سؤیله،
ایسی سؤیله و اوز و از سؤیله.
یئنه گوندوز ایله گئجه قاریشدی
بو یئرده کیم اود ایله سو باریشدی.
جاهان بو گوردوگون گیبی دئگول دور.
تیکان گیبی گؤرونور، لئیک گول دور.
قامو عالم بو تمثیلی بیلیر فاش
دونوز گوددور ورو اُستونه یوزباش!

اونون فلسفی گؤروشلری ده چوخ دقته شایان دیر. بعضی بیتلر گؤستریرکی او، انسان ایچون تانینمیش دونیالارا اینانیر و مجهوللاری کشف ائتمه ده بیلیگه دایانیر:

اگر بیر ذره نی قیلسان دو پاره
اولور یوز مهر تابان آشیکاره
ب ۲۷۶
هزار انبار واردیر بیر داریدا
هومالار گیزلیدیر هر بیر آریدا
ب ۲۸۱

۳-۴. الیازمانین املاء ئوزه للیکلری

الیازمانین املاء ئوزه للیکلری، صفوی دؤور املاء میزین شیوه سینا اساسلانی. نسخه نی استنساخ ائدن حتی اولولور ده حرکه لمه یولو ایله الفبا سیستمینه داخل ائتمگه و بعضی قایدالاری ثابت لشدیرمگه چالیشیمیش دیر. لاکین ائله حاللاردا وارکی او هئچ بیر قایدا قانونا اویما یاراق، نئجه گلیمش، ائله ده یازمیش دیر.

میثال ایچون

کیرمکا < گیرمگه (girməyə)
کیچادر < گئجه دیر (gecədir)
پنقده < پانبیقدا (panbiqda)
یوخار < یوخاری (yuxarı)
کیاجاکن < گئیه جه گین (geyəcəyin)

بونونلا بئله مراعات ائدیلن بعضی قایدالاری آشاغیداکی کیمی سیرالاماق اولار:

۱. صغیر نون و «گ» اونسوزلری الیازمادا «کاف» حرفی ایله گؤسترلمیشدیر. بعضی حاللاردا ایسه کاتیب هر ایکی اونسوزو گؤسترتمک ایچون کاف حرفی اوزه ریسه اوچ نقطه قویموشدور. میثال:

اوڭ ← ئون ön

طاڭی ← تانی tanı

آڭا ← آنا ana

صوڭی ← سونو sonu

کوڭدن ← گؤندن gündən

کوڭل ← گؤنول gönül

بعضی حاللاردا ایسه «گ» اونسوزونو گؤسترتمک ایچون کاف حرفی نین آلتینا اوچ نقطه قویموشدور:

گوز ← گؤز göz

بگرد ← گرد gerd

۲. الیازمادا ۱ اونسوز «ی» حرفی ایله یوخ، بلکه حرکه ایله گؤسترلمیشدیر. میثال:

آچد ← آچدی açdı

ات ← ائتدی etdi

آلت ← آلتی altı

۳. عربجه و فارسجا سؤزلرین دیلیمیزه اویغون سسلنمه سی اساسیندا املاسی دگیشلمیشدیر. و حرف آرتیرمیشدیر. میثال:

بزرک ← بزرگ

وره غی ← ورفی

قدره تینی ← قدر تینی

صوره تینی ← صور تینی

دوکن ← دکان

۴. بعضی حاللاردا فارسجا و عربجه کلمه لردن حرف اسگیلده رک، املالارینی دگیمیشدیر.

میثال:

نقطدن ← نقطه دن

لحظه ده ← لحظه ده

لالئک ← لاله نین

۵. تورکجه سؤزلرده «س» اونسوزو قالین اونسوزونو گولنده، اونسوز «ص» ایله یازمیشدیر. میثال:

صو ← سو

صیرو ← سایی

یصاغی ← یاساغی

صیچدی ← ساچدی

۶. تورکجه سؤزلرده «ت» و «د» اونسوزو قالین اونسوزونو گولنده، اونسوز «ط» ایله یازمیشدیر. میثال:

طلدی ← دلدی

طقز ← دوققوز

طوز ← توز

طشده ← توشدا

طمو ← تامو

۷. بیر نئجه تورکجه سؤزون ایکی و یا اوچ املاء فورماسی واردیر. میثال:

ارماخ، ارماق، ایرماغی ← ایرماغ

بگی بیگی، گیبی، گیب، گب، کمی ← کیمی

ییره غ، ییره ق، ییراغ ← یاپراق (یاریقاق)

اشت، اشد ← ائشید

بلید ← بلیت ← بولود

یوقاری، یخاری ← یوخاری

بکون، بگون ← بوگون

چق، چوق ← چوخ (۱)

۱. بیزدن قابق الیازمانین املاء نوزهللیکلرینی «محسن نقی سویلو» آراشدیرمیشدیر (۴۱م، ص ۶۵-۷۲).

۹-۳. اثرین باشقا الیازمالاری

«محسن نقی سویلو» نون احصاء ائتدیگینه گؤره بو اثرین ایندییه قدره دونیا کیتابخانالاریندا ساخلایان ۳۰ الیازماسی تائینمیشدیر و «حدیقه السعداء» استثنای اولونورسا، کلاسیک آذربایجان ترجمه اثرلریندن بو سایدا الیازماسی گونوموزه قدره گلیب چاتمامیشدیر. (محسن نقی سویلو، ۴۱ م، ص ۶۰). بو الیازمالارین ایکیسی تورکیه کیتابخانالاریندا و قالان ۸ الیازما ایسه وین، واتیکان، بودلین، پاریس و پترزبورگ کیتابخانالاریندا ساخلانیلیر. (همان، ص ۶۱)

۱۰-۳. تصحیح شیوه‌سی

اثری تصحیح ائدرکن، من یالئیز الیازمانی یاخشی اوخویوب معاصر اوخوجویا منتقل ائتمگه غیرت گؤستردیم. اوخویا بیللمه‌دیگیم سؤزلرین یئرینه [...] علامتی قویدوم. منیم نشر ائتدیگیم الیازمانین مشخصاتی بئله‌دیر: خط ایری نسخ دیر، باشلیقلار ایری ثلث خطی ایله یازیلیمیش. اثر بیر مجموعه‌نین (1b-74b) ورقلرینده یئرلشیر و ۷۱-نجی صحیفه‌دن خط دگیشمیش و نارین و چتین اوخونان نستعلیق ایله یازیلیمیشدیر و بیر چوخ صحیفه‌لرده کلمه‌لره حرکه قویولموشدور. خطاطین آدی: «مصلح‌الدین بن ایوب» و استنساخ تاریخی ۹۰۷ ه. ایلی دیر.

الیازمانین سون صحیفه‌لرینی اوخوماقدا چتین لیک چکدیم، اما هر حالدا الیمدن گلدیگی قدره، اوخویوب، نشره حاضرلادیم.

املاء نوزهللیک لرینه گلدیکده، تورکجه سؤزلرین آذری تلفظ لرینه او یغونلاشماسینی نظره آلاراق بعضی دگیشیک لیک آپاردیق. ولکین یئنه ده املاء اولاییلسین کی ثابت و معقول بیر حالا گلمه‌میشدیر. عمومیتله بونون ایچون زامان لازم دیر. گرچی املاء شیوه‌سینده رنگارنگ لیگین هئچنده عیبی یوخدور، ولکین اساس قایدالاری تنظیم ائدیپ، عمل ائتمه‌لیک. من، بو متنی حاضرلارکن، گنجلریمیزین املاء بیرلیگی قالدینما حرکاتینا یاردیم اولسون دئییه، بعضی حاللار یول وئردیم. «که» یئرینه «کی»، واجب یئرینه «واجیب»، «عبارت» یئرینه «عبارات»، «قدم» یئرینه «قیدم» یازدیم و لاکین، عمومیتله چالیشدیم کی اوخوجونون متن اوخومادا چتینلیکلری آرتماسین. اونا گؤره میثال ایچون «بالغ» سؤزونو «بالغ» یازمادیم. تأکید ائتدیگیم عاغیللی قایدا، امکان داخیلینده عربجه و فارسجا کلمه‌لری اولدوغو کیمی یازماقدیر. متنین بیرینجی صحیفه‌سینده اولان سؤزلره دقت ائده‌لیم: رحمان، نسیم، معطر، حریم، رحمت، نعمت، شفق، شفقت، حموت، خجیل و ...

بونلاری: ره‌حمان، نه‌سیم، موعه‌طهر و ... کیمی یازماق اوخوما چتین لیگینی داهادا آرتیراجاقدیر. اومید ائدیرم کی من اوخوجونو یئنی چتین لیک لر ایله اوز به اوز ائتمه‌میش اولاجام.

بعضی اسکی املاء و انشاء نوزهللیک لرینی ده حیفظ ائتدیم. میثال ایچون «گیبی» و «بیگی»

سؤزلرینی «کیمی» ائتمه‌دیم.

اثرین سونونا آرتیردیگیم آچیقلامالارین چوخ قیسا و یئترسیز اولدوغونو بیلیرم. اما یئنه، ایندییه قدره «گلشن راز» یازیلان بعضی شرحلر و حاشیه‌لردن فایدا لانیپ بو آچیقلامالاری وئردیگیم اوچون سئوینیرم کی اوخوجو بونولا و بعضی معنا چتین لیکلری آنلاشیلماسی ایله بیرلیکده گلشن رازین شرحلرینی اؤتری شکیلده گؤزدن کئچیره‌جکدیر. ولکین بونو قشید ائتمه‌لیم کی اثرین باشقا الیازماسی و دیگر نشرلری و اثره یازیلان شرحلر و شیخ الوان حاققیندا ترتیب ائدیلن آراشدیرمالار و مقاله‌لردن یارارلانیپ، بو ایرانلی شاعیر ایچون بیر خصوصی تدقیقات اثری حاضرلانیلیدیر. الیمیزده اولان الیازمادا، ترتیب ائتدیگیمیز فارسجا متنین ۷۴۱-نجی بئیتییه قدره ترجمه یازیلیمیشدیر. اثرین تام متنینی برپا ائتمه ایچون، باشقا الیازمالارا مراجعه اولونمالیدیر.

قتید ائتمه‌لیم کی بو مقدمه و هابئله ایضا حلاری یازماقدا، وئردیگیم قایناق‌لار آراسیندان ۱۰، ۳۴، ۳۸ و ۴۱ ساییلی قایناق‌لاردان دها چوخ یارارلانمیشام. موضوع ایله علاقه‌دار، اونلار مئندن قاباق و بلکه مئندن دها چوخ زحمت چکمیشلر.

منیم حاضرلادیگیم بو نشرده، البته نقصان سیز و خطاسیز دگیل. سهولری و خطالاری می تذکر وئرن اوخوجولارا ایندین متندارلیغیمی بیلدیریرم.

حسین محمدزاده صدیق

دیل و ادبیات علملری دوقئورو

تهران - اسفند ۱۳۸۰

- بوداقلاندی و پورلندی معین،
 20 چون اولدن ایچردی دؤولت آبین
 سئور گلزار غیبین اول هواسین
 دوشوردو بیر بوداغی لامکانه
 سالیندی اول سرادان بر سرایه
 25 جهانی گوردو بیر گولزار فانی
 صفاسی یوخ سیه دل لاله سی نین
 قامو چیچکلری پژمرده اولور
 ۹۱ چو عبرت گوزیله بو گونه باخدی
 جهانی گوردو بیلش یاد ایچینده
 بو عالم باغی نین اصلی، فروعی
 30 قامو بیر چشمه دن نوش ائیله میشدیر
 قامو اول بیر نفسدن اولدو طالع
 ۱۰۰ حقیقته قامو بیر دانه دیر اصل
 ۱۱ نه یتمک وار نه بیتک اول چمنده
 ۱۲ رجوع ائیله جک اصلینه اشیاء
 ۳۵(۱۳) تعالی الله قدیم حی قادر
 یارادیر بیر نفسده ایکسی عالم
 بو احوالی گورر گولشنده بولبول
 که: «ای گول! عؤمرونون یوخدور ثباتی
 بو صورتدن بنی سن غنیر گوردون
 40 سنین چون، حق بنی دلخسته قیلدی
 چو بیرلیک دوشدو غنیتدن حضوره،
 ۱۴ بو یوزندیر کیم اول بیر، چوخ گوروندو
 ۱۵ گولون کونلونده گر و هم ائتمسه سئیر
 مگر بیر نقطه گیبی دیر حقیقت،
 45 حقیقت بیر ورقدیر پادشاهی
 قامو خلق اول خط اوزره دیر مسافر
 ۱۶ بو باغین انبیا بولبوللری دیر
 ۱۷ ولی هر بولبولون بیر زاری وار دیر
- تفکر ائندی کیم: «یارب کیم من؟»
 طلب ائیلردی قربت آفتابین
 مدام آندان آلاز نشو و نما سین
 کیم آلا باغ باطیندن نشانه
 جهان حوضونه سالدی عکس سایه
 کی چو راز عندی بی نین زبانی
 بسقاسی یوخ اصیلدن ژاله سی نین
 قامو یار پاقلاری افسرده اولور
 بسو شکله بو تغیر لؤونه باخدی
 که واحد گیبی دیر اعداد ایچینده
 حصولی، خرجی و تخمی، زروعی
 کیمین ناخوش، کیمین خوش ائیله میشدیر
 یئنه قامو اولوسار آنا راجع
 نه آندا فصل پئیدادیر، نه خود وصل.
 نه گلمک وار، نه گئتمک وار و طنده
 قامو بیر نور اولور پنهان و پئیدا
 توانا و غنی، گویا و قاهر
 یئنه فانی قیلیر آنی، همان دم.
 گوله قارشی قیلار فریاد و غولغول
 حجاب ائیلمه گیل برگ و نباتی!»
 بو غم نازنینی یئله وئردین
 بنی گویا، سنی دم بسته قیلدی
 ایکسی لیک گلدی صورتدن ظهوره
 حقیقته، بو چو خلوق یوخ گوروندو
 گورونمزدی گوزونه صورت غنیر
 گورونور دؤور قاچان قیلسا سورعت
 یازلمیش اوندا بیر خط وار الهی
 نه کیم وارسا جهاند اول - آخر
 معانی معرفت غولغوللری دیر.
 اونا گوره آنین گولزاری وار دیر

۴. متن ترکی

[باشلانغیج]

- نفس اوردو او رحمانی نسیمی
 5 ازل گویونده گور رحمت سحابین
 شفق بو شفقتی گوردو اوفوقدا
 عنایت مهري چون کیم آجدی چهره
 مگر نوروز عزت گلدی نازه
 ۲ محبت بولبولو گوینده اولدو
 یانار نور کرمدن گول چیراغی
 صفا جویی وفا باغیندا جاری
 کونول بولبوللری ائیلیر سراغاز
 10 جهان آنین جمال گولستانی
 چون ایردی فیض، آدم توپراغینا
 ۳ زهی قادر که وئردی نرگسه عین
 ۴ چمن نونینه و گول کافینه باخ،
 چو قدرت یاغموری یاغدی قیدمدن
 15 حقیقت شکلی بو ایکسی جهانین
 درخت و شاخی آنین شویله گولدور
 چو بولدو عقل گل اول بوی وصلین
 ۶ ظهوره گلدی عقل گل درختی،
- معطر اولدو جان ودل حریمی
 ابد یئرینه توكدو نعمت آبین
 بو خمرتن خجیل اولدو توتوقدا
 شعاعی مهره اوردو ماه [و] مهره
 سعادت نؤوباها رین قیلدی تازه
 شفاعت گولشنی جوینده اولدو
 دولار فضل شمندن لطف باغی
 تر و تازه مسلسل سبزه زاری
 کی جانندان آچیلیدیر «گلشن راز»
 دل و جان حسن باغ [و] بوستانی
 قاریشدی مشک تر گول یاپراغینا
 که آندان ظاهیر اولدو سیر کونونین.
 بولاردا کاف و نون اوصافینه باخ
 یئتیردی دورلو چیچکلر عیدمدن.
 ایکسی یاپراغیدیر اول گولستانین
 کیم آنین شمه سیندن عقل کولدور
 تمیز ائندی چیچکلردن گول اصلین.
 جهان باغیندا توكدو برگ [و] رختی

- (۱۸) حقیقی بولبول آنسا مصطفادیر
50 دیریلدی جمله قوشلار بوستانه
(۱۸) قانات آچدی و بونلار اوچدو دوپدوز
چو سالار اولدو اول بو کاروانه
(۱۸) بو یولدا، باطن و هم ظاهر اولدو،
(۱۹) احد، بیرلیک صیفاتین کیم بوروندو،
55(۲۰) احد دیر احمد، اما میم ائدر فرق
جهان گوشینه اوردی حائی حلقه
آنین اول میمی نین دؤورونده ظاهر
(۲۱) آنینلا خستم اولدو آخر راه
(۲۲) جمالی شمع جمع دلگشا دیر
60 الف ییگی بو جان باغیندا سرو اول
(۲۳) توتویدور جان و دل اته گین آنین
گونشدیر اول، صحابه، جمله ییلدیز
ابوبکر بسنفسه مشک بودور
سمن عثمان، علی خود یاسمندیر
65 حسین ایله حسندیر ایکی غنچه
بولاردیر گوللری بو نوؤوبهارین
(۲۴) طریقتده حقیقت اولیاسی
(۲۵) بو گولزاری تماشا ائيله دیلر
کیمی حقدن خبر وئردی مجرد
70 کیمی وحدت دنیزینده اولوب غرق
«انا الحق» دئدی هر دم هر نفسدن
(۲۶) کیمی سؤیله دی قرب و بُعد مطلق
(۲۷) کیمینه علم ظاهر اولدو حاصل
(۲۸) کیمی گوهر بولوب خلقه خرفدیر
75(۲۹) کیمی کندویه آیدیر: «ای سرافراز
کیمیسی جزء و کل دن بیر دم اوردو
(۳۰) کیمیسی زلف و خط و خالی سؤیلر
کیمی سؤیلر شراب و شمع و شاهد

- چو واردیر هر مقامین بیر کلامی
80(۳۱) چو هر سؤز منزله دوشدو موافیق
که هر بیر قامتین وار بیر لباسی
اولار کیم ائتمه دی قطع منازل
(۳۲) کیمه کیم اولسا بو معنیده حیثیت

[تصنیف سببی]

- فلک چون چهره سیندن آچدی برقع
85 غراب شب چو دوردو، پر و بالین
هوادران گیزلدی مغرب یوواسین
سحر، صندوق چرخ اولدو نگوئسار
دؤشه دی آغ سونقور بال زریں
شعاعیندان سراپا دؤندو دریا
90 چمن طیفلی گئیپندی لاله نوخیز،
زمرد شاخ و لعلین رنگ ازهار
آغاج گیرمیش ایدی رنگین لیباسه
جهان فردوس اولموشدو همانا،
بهار ایدی بز نمیش دورلو گوشه
95 خیطاب اولوندو بیر مشکین نفسدن
دیغیر عقیلنی و اندیشه ائيله
حقایق جمع ائيله بیر کیتابا
عبارات معانی خیرج ائيله،
جهان خلقینه اولسون یادگار اول
100 دوزت گیل آنی بیر شاهین آدینا
نظر قیلدی بیزه دؤولت یوزوندن
وجودی مستدام اولسون همیشه
کریم و عالیم و عامل، نکونام،
گزیده دیر ولیلر زومره سیندن
105 ولایت بحرین نین اول گوؤهریدیر
بوداقلاری آنین پور مئویه اولسون
- آنینلا وصف ائدرلر اول مقامی
نه فهم ائتسین آنی هر بیر خلایق
بقاسینا گوؤره اولور قباسی
آنا مجموع معنی اولدو مشکل
آنای بیلیمک گرکیدیر اول ضرورت
- اوفوقده روشن اولدو عین مطلع
قفایا سالدی هپ مشرت جیبالین
قانات بوکدو و قییدی گوؤز قاراسین
دهانیندان دوشوردو دُر شهرار.
فلک صحنینده اولماغا گوهرچین
بویاندی دورلو رنگه کوه و صحرا
قیلیردی زمزمه مرغ سحرخیز.
معتبر خاک کوثر گیبی انهار
شکوفه دوزموش ایدی دورلو کاسه
قامو اطراف و کوئی لون و رعنا
بولاری گوؤردو کوئول، گلدی جوشه
کی: «گل کچ بو هوا ایله هوسدن.
حضوری بباطنینه پیشه ائيله.
خطادان منع اولان گیره صوابا.
«لدن» علمیندن آنسا درج ائيله
وار ایکن دسترس، خوش پایدار اول
سیغین کوئولدن آلاهیین آدینا.»
صفا باغیشلادی رحمت یوزوندن
مکانی لامکان اولسون همیشه
معین الدین دنیا، شیخ الاسلام.
مقامیدیر فلکدر ذروه سیندن
سعادت لشکری نین سروریدیر.
کیمی آما و کیمی هئیر اولسون

آنین ذکرینده یم هر صبح و هر شام
کیتابی باشلادیم نظم ائیلیمه یه
حدیث و آیت، ایچی دودولودور
110 مرتب نسخه دیر منظوم و موزون
ولی بو یولدا بی حددیر قصورم
گوناهیم دفترین نظاره قیلدیم،
آغی قیلدیم قارا، قاراردی آغیم
یسوزو یئرین دولو قویون قوزویدو
115 کی منظوم ائیله دیم اشبو کیتابی،
سباححت کسب ائیلهدیم سلفدن،
بو دُر بو حقه ده، دُر عدندیر
بو مشربدن اگر وارسا نصیبین
مگر بیر شیخ وارایدی شکر گوی
120(۳۳) اولو گنج ایسی لطف و کان احسان،
(۳۴) خراسان ایچره معروف ایدی مشهور
(۳۴) محبت نورلا ایدی ایچی دولو
حقایقندن سؤال ائتمیشدی خئیلی
(۳۹) گتیرمیش اول سؤالی نظمه بیر - بیر
125 آنین بیر - بیره ایرمیشدی سؤالی
ائشیتگیل بو سؤال و اول جوابی
صفا وئرسین بو گولزاره حقایق
«ولی شیرازی» یی خئیر ایله یاد ائت،
قامو دینلییه نه و اوخویانا

[تفکر نه دیر]

130 سرآغاز ائیله ای مرغ بهاری
خبر آلدین مگر مرغ سحرده
گیاهیدن گول ایله بوئله بیتدین
چیخار گول گیبی قوخوسون گیاهین
دوز آلتین تئلینه دورلو جواهر

گر آنین گلدی ایسه گول عذاری
نفس آلیب وورارکن مُشکِ تردن
چمن بولبولرله آنجا ئوتدون
کی اولسون گلشن ایچره جیلوه گاهین
کی ایمان گتیره گوره رسه کافیر.

135 دوشور آوازه یسی روی زمینه
چون ایلهم اولدو، آچیلدی درِ راز
سؤال ائیله کی سؤزدن سؤز آچیلسین
کؤنولدن دینله گیل اول سؤالی
(۶۹) کی غرق ائتدی منی موج تحیر
140 تفکرده نه دئمیش اهل دانش
کی سیراب اولا آندان تشنه جانیم

[جواب]

ایا سرچشمه ی بحر معانی
دوشوردون شادلیق قلب حزینه
مگر مانندسن اهل بهشته
145 کلامین ایله دفسترلر بزدی
کؤنول جان یوزونو گؤزونله گؤزله
چو گیردین بحریله بو منشآتین
معارف گولشنینه محرم اولغیل
(۷۲) تفکردن سؤال ائتدین، جواب آل
150(۷۳) تفکر باطیلی ترک ائیلیمکدیر
قاچان کیم گتسه باطیل، حق قالیر، حق
ایبی فهم ائیله ای مرد خوش الحان،
کی تحقیق تفکرده قواعد
(۷۴) قاچان کیم علم حکمت اولدو تصنیف
155(۷۵) کی: چون حاصل اولدله تصور
گل ایمدی بو تفکردن گذر قیل
(۷۶) کیم اول ائیلهدوگون ساعتده فیکرت
قاچان تدبیر چون اولسا تصور
بو آرادا مگر ای یار مشفق
بو فستین بیر آدی دیر «علم میزان»
160 چون ایکی کفه دیر بو «علم تحقیق»
معرفدیر بو تقریب [و] بو ترکیب

کی عالم بنزه یه خُلد برینه
خدایسی ایردی هاتفدن بیر آواز
جوابیندان جواهرلر ساجیلسین
معبر نطق و شکر [الی] مقالی
بودر یادانه گؤوهردیر تفکر؟
منه عرض ائت بو معنیدن نمایش
یقینه مستقلب اولا گسومانیم

ولایت مولکونون صاحب قرانی
مگر فتح اولدو حقانی خزینه
لیباسین اولموش اخلاق فرشته
ائشیتدی جانلار و دیلر اوزاندی
ایزینی معرفت اهلی نین ایزله
قولاق اور حلینه بو مشکلاتین
تفکر روضه سیندن خرّم اولغیل
شو وجهیله کی اولا موشکولون حل:
کؤنول حقندن یانا برک ائیلیمکدیر.
گؤرونور جمله جزءده کل مطلق
خردمند و سخنگوی و سخن دان
قویوبدور بیر نئجه اهل فوائد.
بو رسمه ائیلهدیلر آنی تعریف
آنین آدی اولور ئونده «تفکر»
یئنه بیر داخلی امعان نظر قیل
اولور آنین آدی عُرف ایچره عبّرت
بودور عقل اهلی قاتیندا تفکر
مناسب دوشدو چون کیم «علم منطق»
کیم آنسا حکم ائیلر عقل انسان.
تصور بیری و بیریسی تصدیق
تصورلر قاچان کیم اولسا ترتیب

- (۷۸) اولور تصدیق نامفهوم، مفهوم
(۷۹) مقدم دیر پدر، تالی چو مادر
165(۸۱) اگر اولماز ایسه بو فنده تأئید
بو صحرادا بو گولزاری دیکنلر
ترایی خشکدور بیتمز گیاهی
صبا کیمی بو صحرادان گذر قیل
قو[ی] عاغلی، وئر الینی عشق الینه
170 درخت نار سینه نور اولسون
(۸۳) ائشیت «آئی انالله» دن خیطابی
(۸۴) آنین کیم بوندا وحدتدیر شهودی
(۸۵) آنا حق گورونور اول نظرده
(۸۵) کونولده معرفت اولسا خدایی،
175 تمسک ائیله گیل حبل المتینی
چو کونول خلوتینده ذکر ائده سن،
مجرد قیل آنی کبر ریادن
(۸۶) بو شرط ایله کی فیکرین اولا تجرید
(۸۷) آنا کیم رهنما اولمادی خالقی
180(۸۸) حکیم و فلسفی دیر دنگ [و] حثیران
(۸۹) گوزونه ائیله میش اثبات واجیب
(۹۰) گه ائیلر دون و گون [و] سئیر معکوس
(۹۲) قامو اشیاء اولار ضدیله ظاهر
(۹۳) چون آنین ذاتینا یوخ ضد و همتا
185(۹۴) «ولی!» چوخ سعی ائدنلر بو فنونه
(۹۵) زهی نادان کیم صحرایه دوشموش
(۹۵) رفیق ائیله میش اول عقل خرابی

[تمثیل]

- پیناری باغلاماز کیمسه باشیندان
گورمز بو گوز، آیدین اولمایینجا
اگر اولسا گونش بیر حال اوزره 190(۹۶)
ائشیت تمثیل عالم گونشیندن
گیرلمز یولا، یولداش بولمایینجا
شعاعی اولسا بیر مینوال اوزره

- (۹۷) اونا اولماز دی خلقین اطلاعی
(۹۷) طلوع ائیلله جک گونش ائویندن
(۹۸) قاچان کیم حق یاراتدی آفتابی
(۹۹) گونش نوریدورور گورونن آیدا
195 حقیقتده آیا بسنر بو عالم،
ضیاء دئدی گونشه، آیا، حق: نور
گونشدیر بو فلکده بیر حقیقت
خداوند جهان کیم اول قویدیر،
منزه ذات نوروندان گورونمز
200(۱۰۰) جهانی شؤیله سن قائم سانارسان
(۱۰۱) آنین کیم عقلی دوراندیش اولوبدور
(۱۰۲) بو دوراندیش اولانلارین فضولی
حلولی نین کلامین سای یالانا
205 بولانماز فلسفی هرگیز حقه یول
دئمز لر فاعل مختار حقه
چکر هر موشکولو میزان عقله
(۱۰۳) خردچشمی حقیق نورو نا دؤنمز
(۱۰۳) یورو اول یوز ایچون ایراق گوز ایسته
(۱۰۴) اولوبدور فلسفی نین عینی احول
210(۱۰۵) چو نایینا کیمی دیر اهل تشبیه
(۱۰۶) تناسخ دور ازلدن کفر [و] باطیل
(۱۰۷) آنادان دوغما گوزسوز گیبی حالی
(۱۰۸) رمذلی بولدو گوزون اهل ظاهر
(۱۰۹) کلامیلرده خود یوخ ذوق توحید
215 بولارین بیلدیگی حقدن بریدیر
(۱۱۰) بولارین هر بیر دین قویودور
حقین ذاتیندا یوخ هرگیز چه وچون
(۱۱۱) اثریدوک چون کلامی بو میثاله
تمیز اولماسا جرمیندن شعاعی
هماندم فرق اولونار پرتویندن
گوروندو آیدا آنین عکس تابی
خیلافین سانیبان دوشونمه قایدا
کی گه آرتار فلکده، گه اولور کم
ایکیسی داهی حق امرینده مأمور
که آنده مختلط دیر نور و ظلمت
جهان آنین جمالی پرتویدیر
بغایت اول ظهوروندان گورونمز
وجودی کندودن دائم سانارسان
جفا تیغیندن اول دلریش اولوبدور
بیریدیر فلسفی، بیر حلولی
کی حال اولوبدورور دور حق جهانا
آنین چون کیم جهانا دئر «قدیم» اول
بو رسمه ائیلمز اقرار حقه
مقید اولماز اول اخبار نقله
بو سیردن عقل هرگیز سننه دؤیمز
یئر اول عقل ایپیله پای بسته
حقین اول وحدتیندیر معطل
اولار بیر گوزلوگوندن اصل تنزیه
سلوک حقدن اولدو زیره غافیل
کیمین اولسا طریق اعتزالی
گورونور آنا ظاهرین مظاهیر
قارانودا قویودور آنی تقلید
حق بیلمک بولاردان ایچهریدیر
قامو بیلدوگو بیلدوگون دئسیدیر
«تعالی» شأنه «عما یقولون»
شروع ائیلهدوک ایکینجی سؤاله

[سورغو]

- نظر قیل یئنه معنی صوره تینه
220 چو یوز توتدون حقیقت بو طریقه
نقوشی واردیریر لوح خیالین
(۱۱۲) بیزه نه فیکر بوندا شرط رهدیر
اولور بیر فیکر کیم طاعت یازیلیر
منه بو موشکولو خوش ائیله گیل حل
225 سؤال اشبو محله بودور ایشته

[جواب]

- تماشا ائیله بو رنگین بساطه
بو ذوق ایله اولورسان بوندا سالیق
حقه سئوگی گتیرن شخص اولور اهل
گر اول دن، دن اولماز ایسه غله
230 چو فهم ائتدین سؤالی بی محابا
(۱۱۳) حقین خلقینده فیکر ائتمک روادیر
(۱۱۴) حقین ذاتیندا بیر اندیشه باطیل،
(۱۱۵) قاچان روشن اولور آیاتدان ذات
(۱۱۶) قامو عالم آنین نوریه پئیدا
235 (۱۱۷) حقین نوری قاچان کیم اول ظاهر
گر اولسا عرض سبحانی جلالی
(۱۱۸) قو[ی] عقلی، حق ایله اول ای قارینداش
(۱۱۹) کیمین کیم اول حق نوری دلیلی،
(۱۲۰) نتیجه کیم طاعت ائیلرسه ملک، بول،
240 (۱۲۰) یاخیندیر گرچه درگاه سلامه
(۱۲۱) حقین نوری کسر عقلین مجالین
(۱۲۲) حقین نوری قاتیندا عقل نوری
(۱۲۳) گوره مز عقل نوری چشم و سردن
(۱۲۳) گورونور نسنه ایکن اولسا نزدیک
245 (۱۲۴) چو گوز نورو قاراقولوق بورونور

- (۱۲۵) قارالیق قبض ائدر نوری بصردن
قارالیق ذات نوریدیر عیان بیل
(۱۲۷) بیلیر ممکن یوزوندن عقل کامل
(۱۲۶) دگیلدیر اول ضدده عالم پاک
250 (۱۲۸) خدایا بنو سر اینجه دیر بغایت
(۱۲۹) بو کیم ائشیده بیر آیدین گیجه دیر
(۱۳۰) بو مشهده کی نور ائیلر تجلی

[تمثیل]

- (۱۳۱) بو مجالایا قدم اور ای مجاهد
اگر گورمکه عین آفتابی
255 یورو بیر گور داخی بول، چاره ائیله
نتجه یئسین بو باش گوز ایله حاجت
(۱۳۲) بو گوز اول گونشی چون گورمز، ای جان
(۱۳۲) بونو عقل اهلی قیلیمشیدیر ورناداز
(۱۳۳) گونشین آرتیرار ادراکین اول تاب
260 (۱۳۴) عدم بیر آینه دیر خوش مجلا
گوروندو آندا وارلیق عکس تابی
(۱۳۵) عدم چون وارلیغا اولدو مقابیل
(۱۳۶) چو عرض ائیلده دی عکسین آندا قدرت
نیته کیم بیرری سایان چوخ اولور چوخ
265 (۱۳۷) اگر چه بیردیر اعدادا بدایت
(۱۳۸) عدم بالذات پاکسی دی و صافی
(۱۳۹) اوخو قیل «کنت کنزاً» سوزون آندان
(۱۴۰) عدم آینه دورور عکس عالم
بو عکسین چونکی عینی اولدو انسان
270 (۱۴۱) جهانین گوزو سنسن، گوزون آچ، باخ
(۱۴۱) گورن گوزدور دئسن بو سوز دگیلدیر
نه کیم گورونسه گوزه، گورن اولدور
(۱۴۲) جهان اینساندیر و اینسان جهاندیر

(۱۴۳) اگر اول نوریدیر هر گورونوشون
 275 گورونن جمله اولدور و گورن اول
 (۱۴۵) ولی آئینه گیبی دیر بو اکوان
 (۱۴۶) اگر بیر ذره یی قیلسان دو پاره،
 (۱۴۶) اگر بیر قطره یی هم آبیروسان
 (۱۴۷) اگر گوسترسه هر بیر جزو نو خاک،
 280 (۱۴۹) اگر بیر دانه یه باخارسان آنجه
 نه دنلی دانه دیر سانکیم کیچیدیر
 (۱۴۹) هزار انبار واردیر بیر داریدا
 (۱۵۰) اویسه پرتینجه یترده ایسته جانی
 (۱۵۱) نجه مه کیچک ایسه حبه ی دل
 285 (۱۵۳) کونولده جمع اولدو ایکسی عالم
 (۱۵۴) جهان بیر - بیرینه اولدو سرشته
 قامو بیری - بیری نین ایشی گیبی
 (۱۵۴) گلیر مؤمندن اوش کافیر وجودا
 (۱۵۵) بئله دیر نقطه ی حال ایچره دیر حال
 290 (۱۵۶) ازل عین ابددیر شو یله دیر هم
 (۱۵۷) بو دؤورون اوشده هر بیر نقطه سیندن
 (۱۵۸) چو هر بیر نقطه دن اولدو دوائر
 (۱۵۹) بو معنی نین اگر سیرینه گیرسن
 (۱۵۹) خلل بولور جهان باشدان آباغا
 295 (۱۶۰) قامو سرگشته اولموشدور بیکبار
 شولارکیم حد امکاندا قالیبدیر
 (۱۶۱) تعین هر بیرین ائیلده ی محبوس
 بولارا جزء لوک پیچ اولدو در پیچ
 دم اولور کی بولار سئیراندا اولور
 300 (۱۶۲) گهی عربان اولور گاهی دونانیر
 (۱۶۳) بو حال ایله کچر مجموع ممکن
 بولار کیم بیر قرارا هیچ دورماز
 (۱۶۴) قاموسو کندی ذاتیندان دیر آگاه

نظر قیلارسان اصلینه هر ایشن
 آلان اولدور، قبیان اولدور، وئرن اول
 گورونور آندا بو اشکیال الوان
 اولور یوز مئهر تابان آشکاره
 ایچیندن چیخا دریالار گوره سن
 گورونر آندا یوزمین آدم پاک
 آچیلار نچه خرمن اوره یینجه
 بو عالم دن بویوک آنین ایچیدیر
 هومالار گیزلیدیر هر بیر آریدا
 گوزت نقطه ده جیسم آسمانی
 خداوند جهان ااولدو منزل
 گهی ابلیس اولور گاهی آدم
 ملکه دیو، شیطاندا فرشته
 چکیردکه اغاج یئمیشی گیبی
 گلیر کافیردن اوش مؤمن وجودا
 قامو دؤور زمان، روز و مه و سال
 نزول عیسی و ایجاد عالم
 هزاران شکل گورونور معین
 هم اول مرکز دؤور دور هم دوائر
 و یا بیر ذره بیریندن آبیروسان
 یاخان گوزله ایکن وارما ایراغا
 بولار کیم جزئی دیر انسانین ای یار
 ایکلیک آتشیندن یاخیلیدیر
 اگر محسوس، اگر چه غیر محسوس
 آنین چین آزمادیلار کله هئج
 گلیر دم کیم بولار زنداندا اولور
 گهی یئریر و گاهی قونانیر
 گهی جنبشده اولور، گاه ساکن
 بیری نین ئونو و سونو بلیرمز
 حقه کندیلریندن بولدولار راه

اولار کیم کندوزون سالدی بو درده گوزوندن گورتورولجک اولسا پرده

[قاعدة]

305 (۱۶۵) گوره هر پرده نین آلتیندا پنهان
 (۱۶۶) نه گوردون بو جهاندا نه ائشیتدین
 (۱۶۶) جهان دان سن همان بیر لفظ دویدون
 (۱۶۷) قانی یا صورت [و] قانی یا معنا
 (۱۶۸) قانی سیمرخ کوه قاف قانی
 310 (۱۶۹) یوزون خود گوز دگیل او بیر جهانین
 تمامت گورمه دین دونیای دونی
 (۱۷۱) قاچان سن شهر «جایبر سا» یی گزدین
 (۱۷۲) مغارب قانی [و] یا خود مشارق
 بو بیر عالم دورور آرتیق دگیلیدیر
 315 (۱۷۳) وار آنلا «ابن عباس» ین سوزوندن
 اول آیدیر بوندان توژگه یتر و گوئی وار
 گوتوردوم پرده نی [و] غمز ائتدیم
 (۱۷۴) اویودون هپ دگیلسن سن اویانیق
 بو اویخو دنیزینه هر کی دالدی
 320 (۱۷۴) بو اویخودا نه کیم گورورسه جانین
 نه کیم بوندا گورونور اول جهان دان
 نه واختین کیم اول صبح قیامت
 بیله سن اولوجاق اول دمنده بیدار
 (۱۷۶) خیالین رفع ائدیجک چشم احوال
 325 (۱۷۷) حقیقت شمسی چونکی گوستره چهر
 (۱۷۸) آنین چون گوره تابین سنگ خاره
 گوجون یتر ایکن بو دم بیل ایمدی
 (۱۷۹) گوجون سنین اورادا هیچ یئتمز
 (۱۸۰) نه شرح ائدم سنا کونول جهانین
 330 مگر آشفته اولموشدور دیماغین
 (۱۸۱) سنیندیر عالم و سن شو یله عاجیز

جمال جانفرای جان جانان
 ده سن بو قارا گورگوده نه ائتدین
 همان بیلیمک بودور دئدین، قویدون
 قانی یا آخرت قانی یا دونیا؟
 بهشت [و] دوزخ [و] اعراف قانی؟
 کی آنین بیر ایلیدیر گونو آنین
 ایشیتمه دینمی «مالا تبصرون» ی؟
 نه واختین ملک «جایبر جا» یا گیردین؟
 بولاردان داخی چوخدور ملک خالق!
 بیر ایکلیک دورور بو، چوخ دگیلیدیر.
 حقین مولکونه باخ آنین گوزوندن
 کیم آندا دویلدولور دوزخ ستار
 اگر رمز اهلی ایسه ن رمز ائتدیم
 اوش «الناس یسنا» بونا تانیق
 خیالین دورلو موجونا قاپیلدی
 میثالیدیر جمیع اول جهانین
 همان بیر چاشنی گیبیدیر آندان
 اویانا اویخودان عالم تمامت
 کی بو گوردوگون ایمیش هم [و] پندار
 زمین و آسمان اولور مبدل
 نهان ائیلیه نورو ن ماه ایله مهر
 اولا چون پشم رنگین پاره پاره
 یورو وار، دردینه چاره قیل ایمدی
 بونو بیلدیگین آندا اوسسی ائتمز
 نه وصف ائدم سنا آنین جینانین
 باشین آشاغه پالچیقدا آباغین
 سنین تک اولمایا محروم هرگیز

- (۱۸۲) اوتورموشسان نیته کیم اهل زندان
سنی سن عجز الیله باغلامیشسان
(۱۸۳) اوتوردون قساری عورتلر گیبی سن
335 بسو حسالی داخی الدن قویمادینمی
(۱۸۴) حقیقین یولونا وارن پهلوانلار
اولوب باشدان آیاغا غرق قانه
(۱۸۵) اوتور عورت گیبی ساغ ائوده ساغین
نه اوز وئردی سنا دئین عجایز
(۱۸۶) 349 بسو دئدیگیم حدیث راه، میندیر
ارنسلر کیم حقیقت گؤزله دیلر
(۱۸۷) ار ایسه تاشراچین ائودن، نظر قیل
(۱۸۸) اوتورما، گنجه [و] گوندوز یول آل یول
(۱۸۹) طریقین اختیار ائیله خلیلین
345 (۱۸۹) ایشینی تترک توت قو [ب] اما کئچه
(۱۹۰) بسو یولدا آفتاب و ماه و اختر
(۱۹۱) بولاری همین ائشیت و همین ده
(۱۹۲) بسو یولدا موسا گیبی اولگیل آگاه
ار گؤیده نئجه کیم وارلیق داغی وار
(۱۹۳) 350 گر اولمازسا بو وارلیق داغی فانی
(۱۹۴) حقیقت کهریا، ذاتین نه دیر؟ کاه!
(۱۹۵) تجلی اورسا وارلیق داغینا دم،
کماله ایریجک طاعت گدادان
(۱۹۶) قریب اولور بو یوزدن پادشاه
355 دیلندن آخا حکمتدن ینایع
(۱۹۷) هم آنا روشن اولور سر اسماء
(۱۹۸) خیلاص ائیله طبیعتدن بوجانی،
(۱۹۸) دیلر سن سه کی حاصل اولو بو حال
(۱۹۹) وگر ترک اولونورسا جاه کونین
360 (۲۰۰) کونولدن ترک ائیله گیل بو جاهی
مورادین دیلر سن کیم وئره حق،

بیر آرادا آیاق باغلی و عریان
اوره گین غم اودیله داغلامیشسان
توتارسان کوی مدبر لیکده مسکن
داخی جهل ائتمگینه دویمادینمی؟
قو [ب] دی پهلوی یئرینه باش و جانلار
قفا چئویردیلر ایکسی جهان
قاییدان تاشرا اوزاتما آیاغین
کی سن سنا گؤررسن جهل جایز؟
کی بونلار ناقصات عقل و دیندیر
قاریلارین ایزینمی ایزله دیلر؟
نه گلسه ئونونه، آندان گذر قیل
یالان یولداشا اویم و روان اول
دون [و] گون اول طلبکاری جلیلین
گنجه نی گوندوز ائت، گوندوزو گنجه
نه دیر حس و خیال و عقل انور
همیشه «لا احب الالفین» ده
کیم ایره شمعینه «آئی انالله»
گؤزونه سانماکی گؤرونه دیدار
صدای «ارنی» اولور «لن ترانی»
کوه ایسه، داخی کاه ائیله و بول راه
اولور وارلیق داغی تورپاق کیمی کم
آنا جذبه ایریشر پادشادان
وئیر بیر لحظه ده کوهونو کاه
شو شرط ایله کی اولو شرعه تابع
تماشا اولونا آیات کبرا
کی تن دیر چون سرای «آم هانی»
حدیث «من رآنی» دن نصیب آل
مقامین اولو قریب «قالب قوسین»
گؤره سن جمله اشیانی کماهی
کونولده قو [ب] اما حقدن ئوزگه، مطلق

[قاعدة]

- اگر کونول [ده] وارینسا محبت،
(۲۰۱) تجلی دن دیوارسا عقل و جانین
(۲۰۲) «عرض»، اعراب و جوهر دیر حروف، اوش!
(۲۰۳) 365 بلی، هر بیر جهاندیر، سوره ای خاص،
(۲۰۴) ئون آیت بو کیتابا کیم یازیلدی
چون اولدو عقل کل، اولده نازل
(۲۰۵) هم اولدو بو کیتاب ایچینده مسطور
(۲۰۶) اوچونجو آیت آندا عرش رحمان،
(۲۰۷) 370 هم آندا هفت جیسم آسیمانی
(۲۰۸) نظر قیل گؤرنه دیر جرم عناصر
(۲۰۹) بولاردان سونرا، بو جرم سه مولود
(۲۱۰) چو آخر نازل اولدو نفس انسان

[قاعدة]

- (۲۱۱) سنی حبس ائتمیش ازکان طبایع
375 قاپی سین بیخ بو زندانین، خروج ائت!
گؤرونه گؤزلرینه صنع قادر
(۲۱۲) تفرج ائیله گیل خلق سَمادا
(۲۱۲) نظر قیل گؤر نئجه بو چرخ اعظم
(۲۱۳) آتین نئچوندور آدی عرش رحمان
380 ایکسینه داخی حق عرش دئدی
(۲۱۴) آتین بو قلبه نه دیر نیستی، نه؟
(۲۱۵) نئچون نجینشده دیر بو ایکسی مادام
(۲۱۶) مگر عرش محیط اولدوقدا گردان
(۲۱۷) بو عرشین شویله دیر دؤورونده سورعت
(۲۱۸) 385 دولانسیر سنی باشدان آیاغا دک
(۲۱۹) قالان گؤیلر آتین دؤنیگی ایله
بو گؤیلر عرش ایله گرچه دؤنرلر
- بسو عؤمر نازنینی قیلما ضایع
بو اسفلدن اول اعلا یا عروج ائت
بولارا اول کونول گؤزویله ناظر
کی ممدوح اولسان اوج سَمادا
کیی اولوبدور محیط هر دو عالم
بیونون نئچوندور آدی قلب انسان؟
بیر آد ایله ایکسینی آدادی
نه صورت گؤسترر بو معنی نه؟
کی قیلمازلار بولار بیر لحظه آرام؟
آنا مرکز دوشوبدور قلب انسان؟
کی بیر گنجده و گوندوزده البت
بو سؤزه یوخدورور هنج شبهه وشک
او دؤندوکجه، دؤنرلر جمله بیله
گهی آخارلار و گاهی ائنرلر.

- ولی هر بیرینین بیر دؤنمگی وار
 بو یئددی چرخین اول دؤورونه واقیف
 دؤنوغونده جهانی چرخ اعظم
 گئجه-گوندوز صفادان بی خور و خواب
 بو رسمه دؤری واردیر گؤیلرین اوش
 بو اولدوزلارکی سئیر ائتمز سَمادا
 بولارین کورسو گؤیودور مقامی
 ساغیشدا مین ایگیرمی دؤرد دورورلار
 بو یاندا دئرلرکیم بو ثوابت
 بولاردان ئوزگه واردیر یئددی اولدوز
 اون یکی سورجدا سئیران ائدرلر
 یئنه گؤیدن یانا اولسون عروجون
 حمل دیر، شور، جوزا و سرطان
 کیمین عقرب، کیمین قوس آنلا، توت!
 یئدی اولدوزون ائشیت یئددی آدین
 زوُحل یئددینچی گؤیده پاسباندیر
 بشینچی گؤیده مَرِّیخ ائیلهمیش یئر
 اوچونده زوُهره، ایکیده عطارد
 بولارین نئچه بورجا هر بیرسی
 زوُحلین دلو وجدیدور بیوتو
 حمل، عقرب کی مریخین ائویدیر
 اولویدور ثور، میزان، زوُهره تختی
 قمر کیم گئجهده یانیر چیراغی
 آنا ایگیرمی سکگیز دیر منازل
 اولار تسلیم، تقدیر علیمه
 اگر فیکر ائیله سئیدی مرد کامیل
 کلایمیدیر حقین اوش بو، کی، گویا
 قوپار «باطیل» دئمک حقه، گومانان
 وجودوندا قامونون قویدو حکمت
 وجودوندا زوُحلین، مشترینین
- (۲۲۲)
 390
 (۲۱۹)
 395
 (۲۲۱)
 400(۲۲۴)
 (۲۲۵)
 (۲۲۷)
 (۲۲۸)
 405(۲۲۹)
 (۲۳۰)
 (۲۳۱)
 (۲۳۲)
 410(۲۳۳)
 (۲۳۴)
 (۲۳۵)
 (۲۳۶)
 415(۲۳۷)
 (۲۳۸)
 (۲۳۸)

- نظر قیلسان هر ایشین اصلینه پاک
 یئر ایله و گؤی ایله، عالم ایله
 منجمین یوخ ایماندان نصیبی
 اثر آندان قوپاردیر، ظن ائیلر
 آنی گورمز کی بو چرخ مدور
 مسخر دیر حقین امرینه افلاک
 تن ایله، روح ایله [و] آدم ایله
 آنین چین کیم گوروب شکل عجیبی
 یالانچیلیغی آندان فن ائیلر
 حقین امرینه اولموشدور مسخر
- (۲۳۹)
 420(۲۴۰)
 (۲۴۰)
 (۲۴۱)

[قاعده]

- گئجه-گوندوز دؤنر دئرسن بو افلاک
 آنین چکر نمیندن امر خالیق
 نیته کیم کوزه گر چرخین چئویر
 کیمین کاسه قیلار، کیمینی کوزه
 حق اوستاد و جهاندیر کارخانه
 یارادیلان زاماندا و مکاندا،
 جمیعی قدرتی نین صورته تی دیر
 کواکب نسبت اولونسا کماله
 قامو یئرینده سئیر و لون و اشکال
 بولاراگه حسیض اولار گهی اوج
 نه دن ائدییدیر اشبو چرخ دوار
 بو اولدوزلار کی سئیر ائیلر فلکده
 توتویدور هر بیر یانه یه اوز
 فلکده بونلارین یوخدور قراری
 اود و سو، توپراق و یئل، دورد عنصر،
 ملازم هر بیرسی مرکزینده
 بولارا حق قویویدور بو یاساغی،
 بو دوردون بیر-بیرله بیرلیگی یوخ،
 مخالف بیر-بیرینده ذات و صورت،
 طبیعت مرکزینده توتدولار یئر
 چو بیر لیکدن نفس اوردو عناصر
 چو دوشدو اوشبو دورد دایه دن ای جان
 بولارین آراسیندا امر مولو
- (۲۴۲)
 (۲۴۳)
 425
 (۲۴۴)
 430(۲۴۵)
 (۲۴۶)
 (۲۴۷)
 (۲۴۸)
 (۲۴۹)
 435(۲۵۰)
 (۲۵۲)
 (۲۵۱)
 (۲۵۲)
 440(۲۵۲)
 (۲۵۳)
 (۲۵۴)
 445

قو[ی]یدی بیر نسنه کیم اولدور «هیولا»

- هیولا ایله صورتدن مرگب
 هیولا صافی صورتدن چو صوفی (۲۵۵)
 "جماد" اورموش یتره یوزون قهیردن (۲۵۷)
 یثیر حئیوان حقه ائدیپ توکل
 یثیر هر جینس جینسی نین پیینجه 450
 دل و جانانان جمیع جانورلر (۲۵۸)
 آنین حوكمونه ائیلر جمله اقرار (۲۵۹)

[تمثیل]

- جهانی پرده ائيله گیل گوزونه (۲۶۰)
 بو معنايا [دا] دوشگیل عارفانه (۲۶۰)
 جهانی جمله گور کندینده ظاهر (۲۶۱) 455
 یارادیلمادیمی ان سونرا آدم (۲۶۲)
 جهانانان ثون هم اولاییدی نهان اول (۲۶۳)
 چون اولدو اول اماناتین حمولی (۲۶۴)
 بو وجهیله ظلوم ائیلهدی آدین
 حقیقتده حق ایله دوتدو آنسی 460
 یئنه ایستک ظلوم ایله جهولون
 بو حکمتدن اگر وارسا شعورون
 ظلوم ایله جهولو ظلمت آنلا (۲۶۴)
 بو ظلمتدن مورادیمیز عدمدیر
 قارا کوللوگه نورون ساچدی معبود 465
 چون آدم آیسنه اولدو او نسورا
 اولور گسوزوگونون آردی مکدر (۲۶۵)
 نظر قیل گؤیده کی شمس منیره (۲۶۶)
 دؤنر عکسی قیلار روشن جهانی
 حقیق چون نور عکسی دوشدو جانه 470
 یاراتدی آدمی بیر آینه وار
 چو آدمده بو عکسی قویدو مالیک (۲۶۷)
 بو عکسی گورمه دی ابلیس ملعون

- سنی سن آنلا ایندی اشبو سؤزدن
 نه کیم تن یارادیلمیشدیر جهاندا 475
 تاخییدیر هر بیر بونونا بئر اینپ (۲۶۸)
 دئیشمی یترده گؤیده هر نه کیم وار (۲۶۹)
 جهانین مغزی سنسن اورتاسیندا (۲۷۰)
 سنه ربع شیمالی اولدو منزل (۲۷۱)
 جهان و عقل و جان سرمایه اولدو 480 (۲۷۲)
 بو وجهیله بو یوخلوقدان گوزنه تن
 کی آنلا گل قولایین هر بیر ایشین (۲۷۳)
 سنه انسان داشیندان گورونور آز
 بو انسانین کی گوردون اون مین ای یار (۲۷۴)
 حساب ائیلر ایسنه صدبار باری 485 (۲۷۴)
 آنین گیبی بو قوه تکر قالییدیر (۲۷۵)
 هر اعضاء و جوارح، هر ریاطات (۲۷۵)
 اولارکیم قیلیدیلر تشریح انسان (۲۷۶)
 وگر تشریح انسانان خبرسن
 ایله ریکی زاماندا اهل حکمت 490
 هونردن ثوترو توکوب آخچا - آلتون
 سالارلاردی آنسی سیرکه کوپونه
 آنین سیرکه، اتین و دری سین یئر
 گورورلر هر بیرین یئرلی یترینجه
 سوکوکلرین سایلارلار پاره - پاره 495
 آنلا گوزره واریب تدبیر ائدرلر
 قودولار بونون آدین «علم تشریح»
 ئوکوش سعی بلیغ ائیلهدی بونلار
 کماهی اولمادی بونلار خبردار، (۲۷۶)
 آنین کیم جانی واردير، جیسمی واردير 500 (۲۷۷)
 کیمه کیم نه اسمیدن اولونسا قیسم (۲۷۸)
 اولور بو اسمیله اول شخص قائم (۲۷۹)
 نئچون بیلیندی سنه جمله اسماء (۲۸۲)

نه گورهنین گوزونه اشبو یوزدن
 قامونون جمع اولوبدور جانی سنده
 بولارین اوجو سنده باغلیدیر کیپ
 سنین امرینه اولموشدور مسخر
 جهان و جان دئدیگین جمله سنده
 کی تنده سول یانیندیر مسکن دل
 زمین و آسمان پیرایه اولدو
 کی وارلیق نقشی اولموشدور معین
 کی یوخوش عثینی اولموشدور ائیشین
 ولی باطینده دیر اول مخزن راز
 نهادهیندا طبیعی قوه تی وار
 ارادی قوتین یوخ [دور] شیماری
 جمیع آلتیه موقوف اولوبدور
 اولوبدور هر بیری موقوف آلات
 هماندم عاجز اولدولار، و حیران.
 سورارسان، سنه آیدیریام من:
 کی علم ایچینده بولموشلاردی شهرت،
 واریب بیر قول آیلرلر بئلی ساتین
 ئولردی آنلا دیپینه - دیپینه
 سوکوک قالار، دامار قالار و سینیر
 نه رهدن نه رهیه واریب اثرینجه
 باخارلار هم سینیرلر و دامارا
 کیتاب ایچینده هپ تقریر ائدرلر
 بو رسم ایله کی قیلدیم سانا تصریح
 الیندن گلدیگین سؤیله دی بونلار
 جمیعاً قیلیدیلر عجزینه اقرار
 حق اسمیندن آنین بیر اسمی واردير
 معاد و مبدأ اولور آنلا اول اسم
 آنین اسمی دورور تسبیح دائم
 کی سنسن صورت عکس مسما

- (۲۸۱) نه قاپی دان کی دیشرا چیخدی هر شئی
 (۲۸۳) 505 ظهور قدرت و عسلم ارادت
 (۲۸۴) سمیع اولدون، بصیر اولدون و گویا
 سن اول حق ایله بولارسان بقائی
 (۲۸۵) زهی اول کی عین آخر اولدو
 (۲۸۶) دونی گون شکده سن، سن کندوزوندن
 510 ئوزوندن گر خبردار اولایایدین،
 (۲۸۷) تفکر بحثی اوش ایردی کماله
 قاچان کیم غایته ایرسه تفکر

[سؤال]

- یئنه نقش ائتمگه گلدیم بو رسمی
 اگر فتح اولسا اشبو گنج خانه
 515 بو مفتاح اولسا هر کیمین فتوحو
 آچار اول عقلیه معنی کیلیدین
 اورور کؤنول قولاغین بو سؤاله
 خبردار اولغیل اشبو ماجرادران
 (۲۸۸) کی من کیمم، منه نه یدن خبر قیل
 520 کؤنولدن بو سؤالی محکم ائیله

[جواب]

- جواب اوخون یئنه قویدوم کمانه
 مخالف یئلر اسبمزه اووادا
 گیرینجک اوخ گزی زه اوزته سینه
 عینایتین موافیق دوشسه شصته
 525 روان ائت اوخو یایدان تا کی وارا

- (۲۸۹) سؤال ائدین کی من کیمم؟ آیتگیل!
 «حقین کیم واردورور وارلیغی مطلق
 (۲۹۰) چو من دئمک آنا دورور اشارت،
 پس آندانیر بو «من» لفظ غیبارت

- (۲۹۱) تعین اولدو چون حقدن معین
 (۲۹۲) 530 من و سن اول منه چون عارض اولدوق
 (۲۹۳) آنین مشکاتینا اولدوق مشبک
 دریچه لری یوزمین بو سارایین
 قاموموز آیدینیز بیر چیراغین
 قامو بیر نوردور اشباح و ارواح
 (۲۹۳) 535 گه آئینه دن اولدو نور پیدا
 (۲۹۵) نئجه کیم پیشوا سته خرددیر
 سنین جزءونو بیلدیرمز سته اول
 (۲۹۶) بو یادلوق ئوزگه و بیللیک ئوزگه
 (۲۹۷) من و سن جان و تندن اوجا گلدی
 (۲۹۸) 540 بو «من» لفظی دگیل انسانا مخصوص
 (۲۹۹) یوخاری چیخ، یتیر، کون و مکان اول
 (۳۰۰) هویت هائی دیر بیر خلقه صورت
 (۳۰۰) چکبلمیش آندا وار بیر خط وهمی
 سن اول داییره گیبی بولوندون
 545 اولونجاق داییره بیر اوزلو سن سن
 بو خط وهمی یه آنجاق نظر قیل
 (۳۰۱) نه ره قالار نه رهرو آندا، الحق
 (۳۰۲) کیشی نین وارلیغی دوزخ گیبیدیر
 نیته کیم یوخلوغو بنزر بهشته
 (۳۰۳) 550 بو پرده گؤتورولجک، ای شکر لب
 (۳۰۵) چو واقع اولدو ایکیلیکده صورت
 سن و من اولمایاجاق آرا یئرده
 (۳۰۵) عدم گیبی گؤرونور جمله عالم
 تعین باغلادی عین اوزره صورت
 555 بیلیردین سن همانا عینینی عین
 بو یولی بیلن اول یولا وارانیر
 آغیز دادلی می اولور بال دئمکدن
 بو منزله ئوکوش اولور ارنلر

عیبارتده سن آنا آد قودون: «سن»
 بو سنلیک سنلیک آدین آندان آلدیق
 یقین بیل بو کلامی، اولماسین شک!
 گؤرونور بیزدن آیدینلیغی آنین
 قاموموز یاپراغیوز بیر بوداغین
 بو خمره گرچه رنگین دوشدو اقتداح
 گهی مصباحدان اولدو هویدا
 آنین بو علمدن بیلدیگی رددر
 مجرد عقل بولاماز آنا یول
 کی سمریمکدیر ئوزگه، شیشمک ئوزگه
 من و سن اول منین اجزاسی اولدو
 کی اولدو دینه نین اول جانا مخصوص
 جهانی قو[ی] سن و تنده جهان اول
 کسیم ائسدرلر آنا هادی هویت
 آنی قوسین ائیلر، گؤر بو سهمی
 آرادا وهم خط گیبی بولوندون
 ولی گؤرمکده ایکی گؤزلو سن، سن
 سفر ائیله، بو منزلدن گذر قیل
 چو هاء «هو» اولور آلاها مطلق
 سن و من آرادا برزخ گیبی دیر.
 ایسی اخلاق گیبیدیر فرشته
 نه قالار کیش و نه حکم و نه مذهب
 سن و من اوزره حکم ائتدی شریعت
 آرادان گؤتوره اول دمده پرده
 نه کعبه قالار و نه دیر اول دم
 کی اول بیر وهمی نقطه دیر حقیقت
 ولیکن سنی قویماز نقطه ی غین
 قویوب جزئی و کلی یی آراندیر
 مگر لذت گله آنسی یئمکدن
 بسقا اقلیمینی وارپ گؤرنلر

چکلمیش نوردان سورمه گوژونه
560 بو آرادا کی نظم ائتدیم مقالی
نظر ائیلر حق ایله حق سوژونه
ائتیتدین سه جوابیندان سؤالی

[سؤال]

نئجه بولبول کیمی گولسوز ئوته سن
سر آغاز ائت بو باغین مشکلودن
(۳۱۲) مسافر نئجه اولور حق یولوندا
(۳۱۳) داخی بو یولدا کیمدیر رهرو اولان
بری گلگیل کی گولشندن ئوته سن
جوابین وئر سؤالین جان دیلیندن
نه رسمه سئیر ائیلر منزلینده
مورادینا ایریشیب منزلی آلان

[جواب]

565(۳۱۲) داخی «کیمه تمام ادریر» دئیله
گلینجک لامکانین کاروانی
متاعین عرض ائیلر اول جهانین
اول اقلیمه سفر قیلان بیر ادریر
(۳۱۴) مسافر آنسا دئرلر ای سبکیار
570 مسافر آنسا دئرلر کیم یول آلا
فدا ائت سن سنی اول یول ارینه
(۳۱۵) ایلاهی کشف اول و سلوکی
قویا خلقی و حقدن یانا گئده
(۳۱۶) آنادان سئیر ائیلر اول منازل
575 داخی روشن ائده لیم بو کلامی
سؤال ائتدین جوابین دینلیه لیم
معانی معرفتدیر ارمغانی
جهانین روشن ائیلر جیسم و جانین
کی بودریادا اول روشن گوهر دیر
کیم اولاکندی اصلیندن خبردار
اریه کندوزوندن صافی قالا
کیم اودگیبی توتوندن اول آرینا
یقین اودونا یاندیرا شکوکی
ئوزونون نقص عئینین ترک ائده
واریب اولونجا اول انسان کامیل
بو خوانه توپلایالیم خاص و عامی:

[تمثیل]

یئنه نوش ائيله رحمت چشمه سیندن
سن اول غایب ایدین حقله غایب
بو ملکه گلیمکه چونکی یادیلدین
قودون گئتدین سن اول عقل و نفسی
580 فلک لردن گذر ائيله دی جانین
نباتا، معدنه، حیوانا گلدین
بو جیسمینه قاچان کیم جان اورولدو
فراغت بول بو زحمت ائشمه سیندن
دیلهدین قطع ائده سن مراتیب
عینایت اولدو سنه یارادیلدین
هم آندان سونرا کئچدین عرش و کورسو
زمینینده بولوندون آسیمانین
بولاردان کئچدین و انسانا گلدین
آدین آندا سنین انسان وئر یلدی

(۳۱۹) سنی چون جنبه گتیدی قدرت
(۳۲۰) جهانی طفل کیمی قیلدین احساس
(۳۲۱) 585 محال اولدو حیاتین جزویاتا
(۳۲۲) غضب پئیدا اولوندو سنده شهوت
چو بالفعل اولدو اوصاف ذمیمه
(۳۲۴) تنزله اولور بو نقله اسفل
(۳۲۵) هم افعالیندان آنین قویدو کثرت
(۳۲۵) 590 هم آندان کثرت اولدو بی نهاییه
(۳۲۶) قالیرسا بو تقابولده اگر اول،
آدی انسان همان حیوان گیبی دیر
اگر بیر نور ایریشه آنسا جانان
آنسا خود ایریشه جذبه ی حق
(۳۲۷) 595 یقینه چکسه یا خود آنی برهان
(۳۲۸) یقین یولوندا اول سرباز اولور
آنسا حق جذبه سی قوت باغیشلار
(۳۲۹) گوژه گوژ شوئله برهانی، یقینی
(۳۳۰) کی بو سنجینه فجارین یثردیر
(۳۳۰) 600 سالار کندوزونو اول ار بیر ایشه
(۳۳۱) هماندم توبه ائیلر جان و دلدن
اولار اولاد آدمده گوزیده
یاراماز ایشدن اول چونکیم آرینیر
(۳۳۲) چون ایچیندن دیشیندن خوش اولور پاک
(۳۳۳) 605 طبیعت صورتینده قیلماز اول روح
مورادی ایله اول ائیلر تنعم
(۳۳۴) قیلار هر بیر اودا صبر و تحمل
(۳۳۵) گتیره حق رضاسینه ارادت
(۳۳۶) اولار چون کندونون علمیندن آزاد
(۳۳۷) 610 چو وارلیغی اونون اولاندی تاراج
چون آخر نقطه نی قطع ائيله بیب راه
وئر مالین و سعی ائیلر دوروشسون
حق ائيله دی سنی صاحب سعادت
همان بالفعل اولدو سنده وسواس
مرکبدن ایریشدین کلیاتا
بولاردان قویدو حرص و بخل و نخوت
همان بالقوه بنزدین بهیمه
کی وحدت نقطه سینه دیر مقابل
آنینلا ستر اولدو وجه وحدت
مقابل دوشدو آنسا چون بدایه
اولار انعامدان داخی بستر اول
جهاندا صورت بی جان گیبی دیر
گئدرسه بو قارانیلوغو آندان
آنسی شمعیندن ائیلر سه مروق
قامو دوشواری آنین قیلسا آسان
حقین لوطفیه اول همراز اولور
یقینه ایرمگه همت باغیشلار
آنسا گؤستر ایمانی، یقینی
نظر ائتمز کی اول همت اریدیر
کی علین ابرار ایریشه
گتیره همتین بو آب و گیلدن
چراغ دل اولور، هم نور دیده
صیفتلرین آراسیندان گورونور
قیلیر «ادریس» گیبی عزم افلاک
اولور صاحب ثبات اول نیته کیم نوح
قیلار اول جزده کل صورتین غم
چون ابراهیم اولار صاحب توکل
اولار موسی کیمی صاحب سعادت
اولار عیسی کیمی افلاکده شاد
قیلار اول مصطفی آردینجا معراج
یثیر اولده کی یثیرنه ناگاه
اول اول قویدوغو یثره ایریشین

(۳۳۸) اول آزادایر آخر عین اول، کیم آندا نه ملک سیغار نه مرسل.

[تمثیل]

یئنه بیر پرده قیلدیم سرآغاز
عجب آرایش ائتدیم وصل باغین
بو مجلسده قدح می می قدحدیر
بو جمعی و جهی کی نور خدادیر
جهانا بیر قو خو دوشوردو اول می
پیاله مست، ساقی مست و می مست
620 بو مشربدن ایچن اولو «ولی» دیر
(۳۳۹) بو یئرده ای جمالی عالم آرای
(۳۳۹) تجلی ائتسه وقت «لی مع الله»
(۳۴۰) کمالیندا نبوت ظاهر اولار
(۳۴۱) ولیده نور تولو گرک ولایت،
625 ولایت اول ولیده کیم خفادیر
(۳۴۲) ولی اویلدی، نبی یه همدم اولدو
(۳۴۳) «تجوت» آیتین چون سامع اولدو
(۳۴۳) «تجوت» آنا چونکیم گوستره راه
(۳۴۴) اولار محبوب اول خلوت سرادا
630 ولی هر نه مقاما کیم بولار یول
نیته کیم اویار ایدی آنا اول
(۳۴۶) تمام اول وقت اولار آنین کمالی
چو خولقون گوره، گلر اول سفردن

[قاعده]

یئنه توتدوم اود ایچینده بیر اودا
635 یاخینجا قی باشدان آباغا اودونو
اول ار پنهان ائدر پانبیقان اودو
نه اود یاخار اونو، نه غرق ائدرسو،
قامو عالمدر آنین زیردستی

بو ار انسان کامیلدیر گومانسیز
640 (۳۴۷) تمام ار اوش بو یوک گیبی کیشیدیر
(۳۴۸) بیر اردیر اول کی قطع ائیلر مسافت
(۳۴۹) خیلاص اولار فنانسندان فنانین
گنیشیدیر اول لباس پادشاهی
645 یازیلار آنا بیر حقانی منشور
بقا مولکوندن اولار اول روانه
جهانین اولی و آخری هپ
وجودی دورور اول صاحب وجودون
کماهی گورر اشیائی باخینجا ق
شریعت اولار اول شاهین شعاری
(۳۵۰) حقیقت ذاتی نیندیر خود مقامی
650 اولار اول کفر ایله ایمان جامع
(۳۵۱) ایی خولق ایله چون کیم اولدو موصوف
(۳۵۲) قامو آنینلا [و] اول قامودان دور
(۳۵۳)

[تمثیل]

کسی قوپار آندان انواع غراب
655 کیم اولماز بیر - بیرینه مشابه
قارا توپراغی آغ گوموش بیتیره
ولیکن نفع خالیصدیر ضرردن
سولو شافتالیلاری خوب و رنگین
چیچکلری یئتیره قند و بادام
مورادا ایمرگه تعجیل ائده ییم
660 دیشی سرسبز دورور، خام ایچیدیر
(۳۵۴) اول ایچدن سنه اولماز هیچ حاصل
(۳۵۴) قیزیل قایدان دریسین یاخوزارسان
(۳۵۵) آنا ده یین کی باداملارلا پخته
جمالیندان گئدهر آنین نیقابین
665 بو ایکسی نین آراسیدیر طریقت
(۳۵۶) شریعت برقع و یوزدور حقیقت

بو یولدا بؤیله دورور کامیل انسان
 آنین ایچینده داخی خاملیق وار
 ایچی خام ایکن اوشتیمیش دیشی نی
 یاش ایکن ایچی دیشین دیرمالار اول
 670
 (۳۵۷)
 کیمین کیم ایچی نین اول کدوگی
 بونون گیبی اولان ار سرور اولماز
 مگر کیم اول بیر اولو سالیک، اول
 ریاضات ایله دیش قاپینی یارا
 675 (۳۵۸)
 چو پخته اولایچ، چیخماق گرکدیر
 گرک عارف آنا ده بین دوروشا
 بو رسمه شخص پخته مغز اولماز
 وجودی اولماز آنین بوجهاندا
 (۳۵۹)
 اگر آندا قالارسا اول مؤبد
 680
 آنا اولماز اول استحقاق کیم اول
 مگر کیم گؤندرلر آنی آندان
 گله بیر دورلو صورتدن گؤرونه
 ئوزونه صورت ائده جیسم و جانی
 شه اولسا، آنجیلاین قول ایله اوز
 گؤزونو گرچگه یوز - یوز گؤرونر
 685
 (۳۶۰)
 الینده درگشاسی جمله بابین
 (۳۶۱)
 اولار بیر آب و گیلدن بیر درخت اول
 توتار یاپراقلاری ایکی جهانی
 همان اول دانه دور کیم اول دگیلدی
 690
 یئمیشیدن آنین اولکی دانه
 (۳۶۲)
 هم اول بیر دانه دیر کیم بیتدی گلندی
 (۳۶۳)
 نیته کیم حبه سئیر ائیلر شجرده
 (۳۶۴)
 اولار کامیل بو دائیرهده سالیک
 تماشا ائیلر اول وارلیق الینه
 695 (۳۶۵)
 یئنه بیر داخی اول پرگار گئییب
 چو می رنگیله رنگین اولا شیشه

آنین اولکی ایشی نه دئمکدیر
 ریاضتده دگیلدیر، غزلت ائتمز
 اولار بو خولقون اول حاليله مستور
 700
 بو خلق ایچینده دیر لیکن اورولموش
 مسافت قطع ائیدیر، اول اولوبدور
 (۳۶۶)
 بو معنادا تناسخ وار دئمه زوز
 (۳۶۶)
 گؤرونر جمله اسمادان بو بیر ذات
 بو حال اولور آنا معنا یوزوندن
 705 (۳۶۷)
 آنا دئرلر بو منزله نهایت
 کیم آنین مرجعی اولا بدایت

[قاعده]

پریشان اولما، جمع اول بیر آریا
 گوموشدن حوله سی وار صافی و پاک
 نسیبوتله ولایت بسیر آریا
 710
 کیم آنا اول گوموشدن حضره
 (۳۶۸)
 آنین گئرجکلری کیم انبیادیر
 (۳۶۹)
 نبوت اول آدمده گؤرونو
 ولایت قیلیمیش ایدی شؤیله باقی
 بسیلیدی چونکی نقطه گیبی آندا
 اول ارادا [دا] جمع اولور ولایت
 715 (۳۷۰)
 ظهور کلیه چون اولدو خاتم
 (۳۷۱)
 ولیلر هپ آنین عضوی گیبیدیر
 (۳۷۲)
 چون اول ختم ایله بو ختم اولدو همتام
 (۳۷۳)
 آنا حقدن ایریشر اول وظیفه
 720
 اولار ایکی جهانین مقتداسی
 مگر آنینه نین توزو سیلینه
 گونش کیم کؤلگه نین همسایه سیدیر

بری گل، گیر بو آلتوندان سارایا
 آنین دیر سایه بانی هفت افلاک
 گلینجک بنزر آلتوندان سازایا
 نظر قیل بو سرای بی نظیره
 تمامی اول سارایین مصطفادیر
 سون اوجو گلدی خاتمه گؤرونو
 سفر ائتمگه قوپدی اشتیاقی
 گلیب اول داخی دؤور ائتدی جهاندا
 کیم اولونسا اول ار آنا نهایت
 تمام آنینلا اولدو دؤور عالم
 بو گلولون هم اولار جزئی گیبیدیر.
 ظهورا گلدی آندان رحمت عام
 اولا اولاد آدمده خلیفه
 آنا اولار قامونون اقتداسی
 کی بو تمثیلدن معنا بیلینه
 بو معنا آخرت سرمایه سیدیر

[تمثیل]

- (۳۷۲) ایراق دوشسه گنجهدن شمس نورو
گونش سئیر ائدیپ ایرسه اوستوایا
(۳۷۵) اگر دؤور ائتسه یئنه چرخ اعظم
725(۳۷۶) رسولون نورو دور خورشید انور
گهی اول نورموسادان گورونور
(۳۷۷) جهان تاریخن اوخورسان سراسر،
بوکی قائلدور، ور خود جمله عالم
بو کؤلگه لر مراتبیدر قاموسی
730(۳۷۸) نه کؤلگه بو مراتبدن گورونه
اولوجاق سئیر شمس مصطفایا
(۳۷۹) کنی هر بیر ظل ظلمتدن گورون
(۳۸۰) چو خط اوستودا راست دورود
(۳۸۱) چو قیلدی حق صراطیندا اقامت
735(۳۸۲) یاراتمامیشدی سایه آندا خالق،
اول آیدینلقدیر، آندا یوخ سیاهی
اول ائیله نوردورکیم یوخ قاراسی
(۳۸۳) آنا قبیله اولوبدور اول سبیدن
(۳۸۴) ایله قیلدی شیطان مسلمان
740(۳۸۵) مراتبده دگیل آنین دوراغی
غنی دیر خقلین اول سرمایه سیندن
قامو حال اهلی نین نقدی و سودی
آنین ظلمتدن اولدو جمله موجود
ولایت کیم جهانا سایه سالدی
745(۳۸۶) جهانی نور ایله توتدو سراسر
(۳۸۷) مگر بیر نوردورور اول مصور
(۳۸۸) پیمبرلر کیم اول کئچدی جهاندا
قوپارلار عالم آنین امتیندن
اولار آنلاردا هر مقصود حاصل

750
(۳۸۹)

زهی شمس و زهی سایه، زهی شوق
نسبتده نبی چون اولدو اکمل
ولیلر وار محمد(ص) امتینده
نسبت وار ولایت مصطفادا
قامودان اول نبی ایدی مقدم
755 نسبتدیر نبیده بحر ظاهر،
نسبت بحری چونکی جوش اوردی
بودریادان چوخ آرنیقلار داغیلدی
آخیتدی هر بیری آندان پینارین
بولار ایرماق، نبی دریایا بنزر
760 بولارین شرعی و دین طریقی
رسولون شرعی نین هپ چوزلریدیر
نسبت مصطفائین اولدو مطلق
پیمبرلر جمیع مصطفادان
پیمبرلر کی واردیر، مصطفاسیز
765 بولار مصطفی اولور وسیله
(۳۹۰) ولایت مصطفادا کیم وار ایدی
چو روشن ائدی حق بو شبچیراغی
ولیلرده اولو ایکسی ولیدیر
آنین بیری نبیله همدم اولور
770 درونینه نبی نین مظهر اولدو
رسولون باطینی آئینه سیدیر
رسولوندور ولی لیگینه خاتم
بونون گیبی ولی بیر داخی اولماز
ولی اولماز جهاندا بوندان اولو
775 آنین بیرسی مهدی(عج) زماندیر
اولور اول فاطیمه اوغلانلاریندان
اولوسو اولیسر آخر زمانین
جهانی توتا اولدم ظلم ظلمت
جهانی عدل ایله دولدوراسار اول

زهی نور و زهی عشق و زهی ذوق
آنین هر بیر ولیسی اولدو افضل
کیم او دورار پیمبرلر قاتیندا
بو ایکسی جمع اولوبدور بیر آرادا
کیم آب و گل آراسیندا ایدی آدم
کی چیخار آندان انواع جواهر
پیمبرلر بو جوشه گوش اوردی
پیمبرلرده هر بیری ییغیلدی
سواردی آنین ایله سبزه زارین
نبی گونشدیر، آنلار آیا بنزر
حقین یولونا گئدن هر فریقی
بو خورشیدین اولار اولدوزلاریدیر
بولار آنین فرعیدیر علی الحق
کرم اورارلار اول کسان صفادان
خدادان نسنه آمازلار، بودور سوز
کرملر ائیلر آنین قاموسیله
درونینه آنین بیر گؤهر ایدی
ولیلر یاخدی آندان هپ چیراغی
کیم آلاهیین بولار ایکسی قولودور
ولایتده نبی یه محرم اولور
دنیزینده آنین بیر گؤهر اولدو
قیاس ائدین کیم آنین اول نسیدیر
شریعت ایچره عامیلدیر و اعلم
آنین گیبی بو مولکه کیمسه گلمز
وئریمز بوندان ئوزگیه بو اولو
رسولون آلی دیر، شاه جهاندیر
بو دریانیدیر اول گؤهرلریندن
کسیله دور کؤکون شک و گومانین
اولا یئر اوزو دولو فسق و لعنت
بو خلق بد ایله توپلوراسار اول

780 سیتمدن بیر یوزون پاک ائیلیه هپ
سعادت آتینا اولدم کی مینه
اوخویا دینه کوفر اهلینی جمله،
قیلینجیله ائده هپ خلقی دعوت
نزاع ائدن آنینلا خوار اولوسار
785 نه کیم دئرسه، همان اول اولسا گرک
نه کیم نفس الامرده حقدیر آنی
مذاهب بیر یوزوندن گؤتورولسر
مقلدلری علم اهلی نین اول دم
آنین حؤکومندن، آنین هیبتیندن
790 گیسرسلر آنین حؤکومونه ناچار،
حق آنا نفس الامری بیلدیرسر
مسلمانلار عوامی شاد اولوسار
کی جنت اهلی ایله اولور اکثر
نه کیم حق اهلی وارسا اول زاماندا
795 حق آنلاردا آنی بیلدیرسه گرک
بسیله لر کشف ربانیله آنی
مقام رکن آراسیندا کی بیعت
چون آنین گؤره لر حقانی حالین
آنی اویانلار تقسیم ائده لر
800 یاتیسار دیر گئجه عامی و جاهیل
سحرگاه دورو گلینجک یئریندن
جوانمرد اول و هم اعلم الناس
یئددی ایل، بئش ایل، یاخود دوقوز ایل
اولا عؤمرو سیغیشینجا وزیری
805 رسولون سنتی اوزره یئرینه
قوناقلارین اغیرلیا، همیشه،
اولو قسطنطنیه، روم ایچینده،
اولا یئتمیش مین ار آنینلا بیله
قامو آنجاق [ئوز] ائولادیندان اول

جفا اهلی اودون خاک ائیلیه هپ
معاون اول اول اسلام دینه
خراج آلمایا ائیلیه جمله
جهان خلقینه هم عرض ائده هیبت
اویانلار آنا برخوردار اولوسار
دؤنن کیشیلر آندان، ئولسه گرک
بیان ائتسه گرک آنین لسانی
نه کیم اول دین خالیصدیر قلیسر
آنا دوشمن اولورسا سخت محکم
قلینجی، قورخوسوندان، سطوتیندن
قلیسارلار آنین حؤکومونه اقرار
کیم آنا اویماز ایسه ئولدوروسر
توتوب آنین سؤزون آزاد اولوسار
نه بو یوردوسا حقدیر، حق یمبر
قامو جمع اولوسارلار دوز آندا
آنینلا آنلاری گولدورسه گرک
گؤره لر آندا حقانی نشانی
قلیسارلار آنینلا اهل دؤولت
گتیره لر جهانین جمله مالین
آنا هر وجه ایله تعظیم ائده لر
اورک سیز و بخیل و همدده غافیل
باهادیر اولوسار ارلر اریندن
غنی اوله هم آندان اهل افلاس
جهاندا اول قدر عؤمرو اول بیل
اولا هر بیر دین اهلی امیری
کی کوفر اهلی گوروب آنی اریه
دئدوگون ائتمک اول آنا پیشه
آنا فتح اول تکبیرین اوچونده
یئر اوزونده کیلر جمیع آنینلا
بولار آلاهیین آزادیندان اول

810 یئر ییب جمله ال بیر ائیلیه لر
ازلده شؤیله اولموش اول تقدیر
چو تکبیر ائده لر بیرانی درهم
بو دینه هر طرفدن گیره لشکر

[اسرار]

اثنیتگیل مهدی نین چیخدیغی حالی
815 حدیث کشفدن معلوم اولاندیر
علامتدن بودور اول حکایت
کیم آفریقیه دئرلر اول ایچ ایله
اول ائیلده واردیر بیر شهر آدی
یئنه بیر شهر وار آدی «بجایا»
820 خروج ائیلیه مغریدن اول ابدال
کسی آفریقیه دن اول آنه رودیر
بو طونوس اهلی و ائلی قاچالار
بجایا شهری اوزره جنگ اول
بو قامو شهر جمله ائلر ایله
825 قامویغما اولوب قاچا گله لر
آلالار مصرین ائیلین جمله بونلار
بولارین غارت ائدیب مُلک و مالین
چو غارت ائده لر مصرین دیارین
کی «خیره» آدلی بیر کؤی واردیر آندا
830 ساتالار مصر ائلی نین اسیرین
یئرینه تورک آندان سونرا شامه
آزاجیق مدت آندا تورک قالا
چو دؤوران ائده آندان سونرا دوران
محقق صلح ائده لر اتفاقی
835 هجوم ائدیب داغ و داشلار سؤکه لر
یئرینه مصر اهلی نین سیپاهی
ایکی دریا کیمی بو ایکی لشکر

همان بیر گئجه تکبیر ائیلیه لر
کی اوج کزائنده لر اول گئجه تکبیر
یاخینلا و قسار، بیر اول اول دم
همان فتح ائده لر آنی سراسر

گرکلیدیر سنه گیزله بوقالی
بو سَرّی صادق القولی بیلندیر
کی مغرب مولکتیندن اوج ولایت
اول ائیلین شهرتی دورور آنینلا
نه دور «طونوس» معظم دیر سواد
کی بیر مأمندیر اول یوخسول [و] بایا
اولا یاغی و ایراق اولمیه ال
بو آفریقیه دئدیگیم بیریدیر
یئرین - یوردون قویوب جمله گئچه لر
ائلی و شهری هپ دلتنگ اول
قیریشیب قیرجیشیب بیر - بیرله
دیار مصره هپ کؤچوب گئده لر
اسیر ائیلیه لر اهل عیالار
اسیر ائیلیه لر جمله عیالین
کئچیریب نیلین اول یانینا وارین
قرار ائده لر آنلار اول زماندا
زر و سیمه غنی سین و فقیرین
دوشوره لر شر و شور اول مقامه
زمان یئنه دؤنه بیر ئوزگه حالا
فرنگ و رومی و اهل مسلمان
گؤتوره لر آلالاردان نییفاقی
حلب اوزره واریب لشکر چکه لر
کی خاک ائیلیه لر سنگ و گیاهی
مینه لر آتلی آتینا سراسر

قاریشالار بیری - بیرینه دوپدوز
یاریلار کؤشکلر و دوشه علملر
کیریشلر قیریلار، یایلار آسیلا
مسلمان و فرنگ و روم، اولدم
غنیمت آلدیغیندان سونرا بونلار
فرنگ و روم ایکسی قالدیرا باش
قیلا اوج گون بیری-بیری ایله جنگ
همان بو جنگین اولدم ترپینجه
قیلا دعوی کی مهدی زمانم
اولا از وخت ایچینده بیر اولو شاه
بونون آردینجا مهدی حقیقی
بودم مهدی مدینه ایچره اولار
قاچان کیم ایسته سه چیخدیغی ساعت
حق آنا کشف ائده هر اموری

840

845

850

کی مهدی دن سیزه قیلدیم حکایت
خبر سورانلارا بؤیله دئییدیر
شریعتده رسولون پیروی دیر
نفوسوندان دُرُدیمر مصطفانین
خبر وئرمیش آنی اول دُور ایچینده
بودور «ولی» قامودان اوضح آیت
داریملا مهدی نین دور زمانی
بونون آردینجا عیسا گؤیدن ائنه
مسیحی گؤیدن ائندیره ملک لر
یاییشیب ائندیره آنی ائنیشته
داما گول سویو گول کیمی ورقدن
بلند و خوب و زیبا و هماره
باخا احوالینا بو روزگارین
نمازی خلق قیلما میش اولا هم
ائنه خلقه و ائیلیه امامت

بو اخبار و احادیث و روایت
بونو شیخ المشایخ بویورودور
کی «صدرالدین شیخ القنونی» دیر
بویوردوقلاریدیر بو جمله آنین
رسولون آلتی یوز آلتیمیش اوچونده
ثوکوشدور گئرجگه نقل و روایت
یئنه دُور ائده دُور آسیمانی
بورونه بیر اوزو بیر دورلوسنه
آچارلار قاپیلارینی فلکلر
ایکی قولتوغونا ایکی فرشته
مبارک وجه غرق اولا عرقدن
ممشق ایچینده واردیر بیر میناره
ائنه اوستونه اولدم اول مینارین
ایکیندی وختی اولا ایندیکی دم
گؤره لر خلق ائتدیگین تمامت

855

860

865

بو خلقی مصطفی دینینه دعوت
محمد دینی اوستونه اولا اول
قاراخیزیرلارین خاچین اوشادا
اولا حؤکمو ولی لیگی اوزوندون
870 ولایت جمله اوند ختم اولوسار
بو وصف ایله چون اولا عیسا ظاهر
قاچان کیم نقل ائده اول بوجهاندان
ولی گلمیه سردیر ائتفاقی
875 (۳۹۱) جهان آندان اولا پُر امن و امان
(۳۹۲) جهاندا قالمایا بیر نفس کافیر
(۳۹۳) بیلینه آندا سر وحدت حق

[سؤال]

کی بیرلیک سیرینه کیم واقف اولدو
880 بری گل نافه ی مشکین قوخولا
بو قوخونو صبا بولمادی گولده
یمندن بو قوخودورکی گلیردی
بو قوخودورکی یعقوبا ایریشدی
سکیز اوچماق بو قوخویلا دولودور
بو قوخولار کی بیرلیک قوخوسودور
885 سؤالیم حاصلی دیر اشبو بیر بیث
(۳۹۴) کی بیرلیک سیرینه کیم اولدو واقف
یئنه بیر بئند چیزگیل بو قبادان
کی بیر داغ گیبیدیر معنادا بیر قیل
کی بوندان منفعت توتا خلایق

[جواب]

یئنه سئیر ائده بیر اوچماغا گلدین
890 بزگی کؤشکلر ائیله تماشا
تفریح ائیله بو لعالین سارایا
مگر کیم حوریلر قوجماغا گلدین
عبیری مُشکلر ائیله تماشا
کی شرقی شعله اوروبدور آیا

بیتر وحدت درختی اول هاوادا
اگر واربندی بوندا پسر و بالین
دئدین کیم بیلدی وحدت سیرین آخر
اول اولور سیرر وحدتدن خبردار
دورونجاق منتها اولار مقامی،
مقامه اهل «یثرب» مایل اولماز
حقیقت کعبه سیدیر قلب عارف
آنسین تحت یدینده دیر مقامات
900
گورونور آنا هر دم حق وجودو
آنسین وارلیغیدیر حق وارلیغیندان
قامو وارلیق حقیق گورونور آنا
حقیقی وارلیغین حقیق بیلیر اول
905
دؤنسر عین الیقین حق الیقینه
سنین بو وارلیغیندیر خاروخاشاک
گئدر گل غئیری کؤنول خلوتیندن
مهیا ائیله شاهین جلوه گاهین
چیخارغیل سنلیگی سنلیک ائویندن
910 (۴۰۰)
گئدینجک سن گلر اول طاهیر اولار
سنه سن سیز جمالین روشن ائیلر
آنا کیم اولدو لاء نفی جاروب
اولار اول نی شکر معنی یوزوندن
نئجه وارلیغی یوخلوق وار یثتیریر
کی وارلیق اوزره وارلیق عئیب اولار
915
بو وارلیق عئیبی جمله گتتمه بینجه
بنیزلنمز کیمینه بو بنیزدن
موانع اولمایینجا آرادان دور
920
بو عالمده موانع دورد اولور بیل
بو معنادان بیلیر اهل مهارت
بو ایکی دوردو آنلا و عمل قیل
آری اول اول انجاس [و] حدثدن

بقا سیمرغی قونار اول یووادا
جوابین آنلا ایندی بو سؤالین
نصیبین وار ایسه آل حفظ وافر
کی دورمیه دوراجاق یثره ای یارا
موحد گولون اولماز آندا تاقی
مقام اهلینه آنلار قایل اولماز
کیم آندا گیزلیدیر دورلو معارف
آنسین خدامی دیر اهل کرامات
وجود مطلق آنسیندیر شهودی
کئچیدیر اول بو یوخلوق دارلیغیندان
آن[سین] ایله اگیلر جمله یانا
آنی اول بیلدیگی گیبی بؤلور اول
تؤکر آندان حقیقت حق حقیقه
گئدر یولدان بولاری چست و چالاک
سوپور بو خلوتی حق غئیرتیندن
«مصر» قیل یوخسا [سن] بونفس جاهین
کی بیر پرتوسن آنسین پرتویندن
بو شرط ایله بو مظهر ظاهیر اولار
قامو دئینلرینی گولشن ائیلر
نوافیلدیر خصوصاً اولدو محبوب
و «بی یسمع و بی یبصر» سوزوندن
بو یوخلوق کیم وار اول وارلیق بیتیریر
ولی وارلیغا یوخلوق جثیب اولار
دنیزده قطره گیبی ایتمه بینجه
دنیزده دیر خبر سوزدن دنیزدن
کؤنول ائوینه دوشمز پرتو نور
بولارین دفعیچون تدبیر قیلغیل
گرک دورد دورلو آنسین چین طهارت
کؤنول ائوینی بو حالا محل قیل
گذر ائیله گیل افعال عبثدن

ایکینجی معصیتدن آپماغیل یول
۴۰۶)
۴۰۷)
۹۲۵ (۴۰۸)
۴۰۸)
۴۰۹)
۴۱۰)
۹۳۰ (۴۱۱)
۴۱۲)
۴۱۳)
۹۴۵

داخی وسواس شریندن امین اول
کیم آدم بنزر آنسینلا بهیمه
کی پاک ائیلیه سیرین ماسوادان
هماندم منتهایه ایریشیر سر
اولار شک سیز سزاوار مناجات
نمازین اولماق ایستر سن نیازی
کی جان تسلیم ائتمکدیر بو تعلیم
نمازین آندا اول قره العین
ایکیلیک نصیب ائیلر یارادان
حقیقت بیر اولار مشهود [و] شاهد
سوزو بیلدینسه وار سن سندن ثویرن
بو منزلدیر مقامی هر مقامین

[سؤال]

نوا قیل عندلیب ایسن چمنده
قوچار عود و یانار مجمرده آتش
نئجه بیر شکره سن دوز دئیسه سن
سوسوز گیبی سوسانما گیل سرابی
یثتر بیر قطره ده دریایی گؤزله
ایکیندیه دئمه دی کیمسه ثویله
۹۳۵
اگر بیلن بیلین حق ایسه
نه سئودادیر باشیندا مشق خاکین
خدا ایسه بیلن یعنی خدائی
حق ایسه عشق و هم معشوق عاشق
جوابین کیم وئیرسه بو سؤالین

وگر طوطی ایسن مثیل ائت بو قنده
پری گیبی قوخویا گل پریوش
نئجه بیر گونشه اولدوز دئیسه سن
چراغ ایله تاپ ایسته آفتابی
یثتر اولدوز ایچینده آبی گؤزله
دئدیلر: «اگری اوتور دوغرو سؤیله»
خدای ذات پاک مطلق ایسه
کیم اول عارفی اول ذات پاکین؟
نه دیر بو آزادا مرد گدائی
نه دیر بو آرا ایشده بو خلائیق
امیر و شاهی دیر اول اهل حالین

[جواب]

الا ای برگ باغ زندگانی
چون آچدین تونگونی قند و نباتین
جهان و جانی نورا غرق ائت این
چراغ آفتاب کامرانسی
گئده ردین ظلمتین آب حیاتین
چو عادت پرده لرن خرق ائتدین

گونش قاتیندا اولدوز گؤستیرسن
 950 دوقوز چنبردین و بیر خلقة سوردون
 (۴۱۴) حقین نعمتترین بیل حق شناس اول
 بو یولدا اولر ایسن متقی سن،
 حقی حق نورودور بیلن حقیقت
 کؤنول دریاسینی نورون یوزان بیل
 955(۴۱۶) اومارسا دژه اول مئهرین هاواسین
 گیل اول سن یارادیلیغینی آن،
 (۳۱۷) بیل آندان فیکر اصلین فارغ اولغیل
 (۳۱۸) سو کیمی آخدین و یئل کیمی اسدین،
 (۳۱۸) "بلی" دئین کیم ایدی آندا بایق
 960(۳۱۹) داخی اولدم کی جمع اولدو فیرشته
 وئریلدی رزق و هم احسان یازیلدی
 (۳۲۰) اگر اوخویاسان بو نامه نی سن،
 ازله سسته بیر دفتر وئریلدی
 اوخو مکتوبو گؤر کیمدیر رفیقین
 965(۴۲۱) ئوکوش سعی ائدین آندا جهد قیلدین
 (۴۲۱) حق ایله اولونان اول عهد بسته
 بوروموش شمسینی غفلت سحابی
 (۴۲۲) بو معنی اوزره قرآن اولدو مئنزل
 (۴۲۳) اگر سن گوردون ایسه آندا آنی
 970(۴۲۴) صیفاتین گون به گون آتین معین
 اگر نی، سعینی، وار، ضایع ائتمه
 (۴۲۵) ائشیمه دین کی اول مهدی دئدیگین
 داخی روشن قیلالیم بو چراغی
 اگرچه حال و قال و قیل خوشدور
 975 بو تمثیل آنلادیر ئورتولو حالی

[تمثیل]

نه عاغلین کیم سؤز ایله اولفتی وار
 کؤنولده آنین ایله خلوتی وار

عاغیل سرحدی دیر جان و جهانین
 اگر چه عقل فیکر بیکر ائیلیر
 ایسی تدبیرلر ائیلر همیشه،
 980 بو عقل ائشیمه یین سؤزدن خبر آل
 (۴۲۶) آندان دوغما گؤزسوزو [...]سان
 (۴۲۷) قیزیل رنگه، یاشیل رنگه اینانماز
 قاتیندا رنگ آنین جمله قارادیر
 (۴۲۸) آندان دوغما گؤزسوز اولسا بدحال،
 985(۴۲۹) آندان دوغما گؤزسوز گیبیدیر، بیل
 (۴۳۰) ائشیت احوالین انسانین نیته دیر
 (۴۳۰) آنین بیر ئوزگه دیر حالی، جهانی،
 (۴۳۱) بیر اود وار دیر دمیرده، داشدا گیزلی
 (۴۳۲) دمیری چون کیم اول داشا قیخارسان،
 990(۴۳۲) چیخار داشدان توتار اود بو مکانی
 (۴۳۳) بوجان و تنده ده بیر خاصیت وار
 قوپار اول خاصیتدن شعله یارا
 (۴۳۴) سن اولدون نسخه ی نقش ایلاهی
 ئوزوندن ایسته مطلوبون نه ایسه
 995(۴۳۳) بو «مجموعه» قیلار پئیدا بو رازی

[سؤال]

جو قدرت دستینه حق اولدو پرگار
 بو دایره قاموسی نقطه لر دیر
 بو نقطه لر کی دئدیم خلق دورور
 بو خلقین نقطه سین بو وجه ایله بیل
 1000 بو خلقین نقطه سین وهم ائیلر اثبات
 نه دیر حق نقطه سی؟ ئوز وارلیغی دیر
 سته بو نقطه لر دندیر سؤالیم
 انا الحق کیم دئدی منصور حلاج
 (۴۳۵) نه نقطه دن دئییدیر اول انا الحق

طریق یی یوخدور آندان ایسره آتین
 ولی بو یئرده گؤیده فیکر ائیلر.
 ائشیدیب گوردوگون سؤیلر همیشه
 آنین گؤرمه دیگی اوزدن خبر آل
 یوز آیت آنا قرآندان اوخوسان
 قارادان ئوزگه رنگی رنگ سانماز
 یارادیجی آنی شؤیله یارادیر
 نه ایسی ائیلر آنا کحل کحال
 معاش آخیرتده عقل عاقیل
 کیم اول بو عقل طوروندان کوته دیر
 کیم آنینلا بیلیر راز نهانی
 نه ایچده دیر اول اود، نه دیشدا گیزلی
 اول اود چیخسین دئییه، لایه چیخارسان
 آنینلا خلق ائیلر زندگانی
 کی پئیدا اولور اونلاردان بو اسرار
 کیم آنینلا اولور حق آشکارا
 عجب مجموعه یین خوش پادشاهی
 بولارسان سنده محبوبون نه ایسه
 ائشیت حق سؤزو، قوی طور درازی

1005 اگر منصوره، مرد خدایى
«ولى» دن صادر اولماز بو عیبارت
اگر منصوردان دئین حق ایسه
نئچین ائیلهدیلر منصورى بردار

[جواب]

منه گنجینی گؤستر بو طیلیسمین
1010 گؤتورگیل آرادان بو اشتباهی
ایى دئدین، ایى، ای دین اولوسو
هوا مهر آتشین آغزینا باردی
معانی اولسا الفاظه مطابیق
بو شیرین وارلیغاوار ایسه مثیلین
1015 حقین بو خلق ایله بیر بیرلیگی وار
آچیلار اول قاپی حقدن بو خلقه
بئله دیر خلق ایله حق هر نفسده
فنا اولموش ایدی منصور یعنی،
یانیب اود اولمامیشدی هپ اودونو
1020 اثر قیلیمیشدی یعنی کندوزوندن
کی تشبیه ائتدی تیغی اژدهایا
حقه قوریان ائدیجک کندوزونو
قلینج آجیسینی بنزین ساز ائتدی
بولار منصورون آنلانیر سؤزوندن
1025(۲۳۶) انا الحق دئمک آلاها یاراشیر
همانا حق حقدیر، خلقدیر، خلق
بو خلقلین وارلیغی بنزر سرابا
حقین بو خلق فعلینه محلدیر
حواس خمسه دن اول گؤرکلو دلدار
1030 آیاق وارماغا، دیل سؤیلمگه سؤز
بولاردان گؤزونر حقین کمالی
اولار کیم گوزگو یوزون سیلدی توزون

نئچین سالدی جهاننا بو صدایی؟
کیم ئولمک اولاجورمونه کفارت
منزه، پاک ذات مطلق ایسه
بو معنا دان اولاکیشی خبردار

شو یوزدن کیم انا دؤولت گؤروندو
1035 بو موجوداتی کیم سن اوش گؤرورسن،
گر اولارسان مرید پیر پرور
(۴۳۵) بو موجوداته حقین نوریه باخ
قامو منصور گیبی بو نفسده
(۴۳۷) بو می دن نوش ائدیدیر نوش اغیار
(۴۳۸) بو تسبیح و بو تهلیل ایچره داییم
1040(۴۳۹) نه دیر حجت دئرایسن بو کی برهان
(۴۳۹) کی تسبیح ائدهنین واردیر حیاتی
بو اشیانین جمیع جانی واردیر
دگیلیدیر حال ایله، هپ قال ایله دیر
اولونجاق فتح اشیانین درونی
1045 دایاناردی رسول اول بسیر دیره گه
اوخوردو خطبه یی و دایاناردی
بویوردو مسجد ایچینده پیمبر
مگر کیم ائتدی امر اول سرور اوزره
چو چیخدی منبره دیره ک قاتیندان
1050 ئوکوش اینله دی و چوخ زاری قیلدی
گیلب اول دیره گی باغرینا باسدی
دئدی اول دیره گه چون کیم پیمبر
دیره ک چون ائی ائشیتدی اووندو
اگر اول دیره گین اولماسا جانی
1055 رسولون معجزاتیدیر ولیکن
مگر موسایا غسل اولموشدو واجب
قودو بسیر داش اوزره قافتانینی
سوقویوب ائیلر ایکن گؤوده سین یاش
عصاسین آلبان آردینا دوشدو،
1060 عصا ایله داشی بسیر قاچ اوردو
بو معنادا سؤال ائیلر سخنور
عصا ایله داشین نه چین اوراردی

بو جیسم و جان قامو صورت گؤروندو
آنین کیمی گؤرونجک خوش گؤرورسن
اولارسان سروران ایچینده سرور
جمیع ذره دن ائشیت انا الحق
کلامی قامونون اشبو هوسده
بو می دن دم اوروبدور مست و هشیار
کئچر عؤمرو جهانین شؤیله قاییم
«و ان من شئ الا» دئدی قرآن
گرک اولسون جمادی، گر نباتی
نهادیندا قامو عرفانی واردیر
حجاب اهلی قاتیندا حال ایله دیر
گؤره لر کشف اهلی شؤیله بونی
کی دایاقدیر اونون نوری اوره گه
ائشیدن کیشی نورا بویاناردی
کیم ائیلهدیلر آندان سونرا منبر
کی خطبه اوخویا اول منبر اوزره
دیره ک اگیلیدی آنین فرقتیندن
رسول ائی گؤروب یاری قیلدی
اگیلیدیگین آنین اوخشادی کسدی
بهشت ایچره اولاسان بال منبر
اگیلیدی، اینی کسدی و سئویندی
نئچین ائیلر ایدی اشبو فغانی
گتیرمک گرک ایمان بونا مؤمن
دیلهدی غسل ائلمگه واریب
کی سو ایله یویا نازوک تنینی
گئیه جه گین آلبان قاچدی اول داش
کی واروبان حجر دئی ایریشدی
ایریشینجک داشا اول داش دوردو
کی ایشلمز عبث فعلی پیمبر
تألم اولمادیغین خود بیلردی

1065 داش اینجینیری هرگیز اورماغيله
 جوابين بؤيله وئريز بونون آنلار
 بيلير ايچينده كين آنين پيمبر
 قامو اشيا حقه تسبيح ائدرلر
 بولارين خلق تسبيحين ائشيتمز
 ديسلرسن سنه هم آسان اول بو
 قولاغيندان ساني پنبه لرين چك
 1070 (۴۴۲) نيداسين واحد القهارين ائشيت
 سنه حقدن نيدا گلر هميشه
 گورونر جمله اشيا دان جماليم
 نيته كيم باخدين ايسه منه باخدين
 نيدا ائيله ديم اوردان موسايا من
 1075 انا الله دئديم انا من شجردن
 كوئولدر وادي ايمن بدننده
 گرک تئز ائشيد و گرک ائشيد گئچ
 1080 (۴۴۴) بيلن كيشي بو بير دگيل خوداسين
 «منم» دئمك ياراشير اول خدايا
 1085 نيداسيني ئوزو ائشيدير ئوزون
 بوموجوداتا باخدين عئيب گوردون
 اگر غايب، اگر چه حاضر اولدور
 گلير حق نوري بو يوزدن ظهوره
 بو كيم سن بير اولاسان، اول اولابير
 سنين بو بيرليگين يوخدان اولاندير
 سنين بو بيرليگين بنزر خياله
 ايكيلىكدن قوپان بيرليك سنيندير
 ايكيلىك ئولمز آنين بيرليگينده
 نچه كيم سنده سنين ديرليگين وار
 1090 آنين آنلايامازسان بيرليگين سن
 يئنه بيرليگين آنين كندى بيرلر
 دگيل لاييق ايكيلىك اول جنابا

بونو دئرلر جوابين سورماغيله
 كيم آنلارا دؤنر گئري وارانلار
 كي جانلي اولدوغون بيلير مقرر
 صراط مستقيم اوزره گئدرلر
 بيرى گئنديگي يولا، بيرى گئتمز
 دليل و حجت و برهان اول بو
 يقين اودونا يانسين پرده ده شك
 گؤتور سيري سؤزون ستارين ائشيت
 كي مئ رنگيله رنگين اولدو شيشه
 مئزهدير نقايصدن كماليم
 قيامت گونونه نئچين بوراخدين
 كي ائشيتدى اول ولى ائشيمه دين سن
 نيدا ائتسم عجب ميدير بشردن
 ائشيتسين حق نيداسين گلن آندا
 كي بيردن ئوزگه يوخدور بير داهى هئچ
 ائشيدن كنديدير كندى نيداسين
 كي غئير اورماز قالاق اشبو نيدايا
 سميعيدير يئنه كندى سؤزونون
 هنر سايدن خدايى غئيب گوردون
 قامو غئيب حضوره ناظر اولدور
 بو سؤز آنلا دگيل غئيب حضوره
 ايكيلىكدن قوپور بو زشت تدبير
 حقين بيرليگي وارليقدان اولاندير
 كي دوشورور سنى دورلو وباله
 آنين چين ئولمك و ديرليك سنيندير
 ئولومو بيلمز آنين ديرليگينده
 بو وهمى بيرليك ايچره بيرليگين وار
 ايكيلىكدير بو كيم اولاسن و بن
 محققلر بو سؤزو بؤيله دئرلر
 كه ساعتدن گلن بودور حسابا

كمانين غئيب بيلديگي عبثدير
 حدثدن هر نه كي گلسه حدثدير
 گورونور اول ولى سن گوره مز سن
 آنسى پنهان سانارسان ايره مزسن

[قاعده]

1095 يئنه بير قاعده قو[ي]ا-دوم بيانه
 سن و من اولو بو بير نسته دير بس
 حقيقتده بولار بيزه نسبدير
 حقين خود مظهري سن، سن، سن ايسن
 1100 اولار كيم كندوزوندن اولدو خالي
 كي بويوران «انا الحق» اول خدادير
 1105 (۴۴۸) ايره ر قُربنده اشبو سيره ساليك
 1110 (۴۴۹) بو يوزدن چون كيم انا كشف اولاسر
 1115 (۴۵۰) ايكيلىكدن اولان بيرليك دگيل اول
 حقين حقينده پاك ائت اعتقادي
 1120 (۴۵۱) بو صورت لازم اولار غئير اولونجاق
 قولون وارليغي گئدر كندوزوندن
 1125 (۴۵۲) اگر چه صورته معني بورونر
 همان قول قولدورور هم شاه شاهدير
 حقيقتده اولار پئيدا بو حالت
 1130 (۴۵۳) همان كثرته دير عقليين وجودو
 جهان بو گوردوگون كيمي دگيلدير
 دئمه ديمي پئيمبر كيم ايلاهي
 اگر بيلمه سه ايدى اول بو حالي
 حقيقت سؤزودور بو سؤز خلاصه

[تمثيل]

1115 ائشيتيمك صافى تمثيلي صفادير
 بوسورتلرده كيم صورت سنيندير
 خصوصاً قدرت ايله دوزولموش
 بودم كيم جان ايله سن تنده زنده
 كي خوش آئينه ي عالم نومادير
 سنين تك سانماغيل كيم كيمسه نيندير
 جهان لوحى گيبي نقشى يازيلميش
 تصور ائيله اول سنى سنده

بونو فرض ائت کی سنده وار هونرلر
 1120 گۆرونجک سن آنی شادان اولورسان
 تاخارلار هر هونردن سنه بيرآد
 ولی صورتده بير سن و آدين چوخ
 کمالی ذاتی نین بودور میثالی
 (۴۵۴) الینه یئنه گل بیر گوزگو آل
 نه عیبیندیر، نه غیبریندیر سنین اول
 1125(۴۵۵) گور آندا صورتین عکسین مصور
 آنین آردیدیر اول عکسین قامو یوز
 واریب اول گوزگویه خود گیرمه دین سن
 [بو] گوزگو گیبیدیر عالم سراسر
 1130 گوزگولردن گورونور عکسی نورون
 بوگون بیر سروسن بو باغا گلدین
 نه دیر بو سایه کیم سالدین زمینه
 (۴۵۶) همان بو سایه اوسسون غمز ائیلر
 چون اول قامتدن آلدی سایه مایه
 1135 جهان بیر سایه گیبیدیر معین
 کی بونلار قاموسو سایه گیبیدیر
 (۴۵۷) بو تقریره گر اولدو کیمسه راضی
 نه دیر بو هفته و روزو مه و سال
 (۴۵۸) بولارین هر بیرى بیر آد ائدیندی
 1140 کیمی ماضی، کیمی مستقبل اولدو،
 همان بئیر خالدر، آرادا ساری
 (۴۵۹) بو کثرت وارلیغی وحدتدن اولور
 چو بیلدین حقدن ئوزگه بیر داخی یوخ،
 (۴۶۰) حقیقتده قامو وارلیق خدادیر
 1145(۴۶۱) عرضدن جوهر اولموشدور مرکب
 نظر ائت قیسمتیه اشبو قیسمه
 (۴۶۲) اولوبدور طول و عرض و عمقدن قیسم
 بو جیسمین یوخ ایدی عالمده اسمی

کؤنولدن ائیله سن آنا نظرلر
 آچیلیمیش گول کیمی خندان اولورسان
 سنی اوستاد ائدینیر بیله یین یاد
 داخی تمثیل اولماز بوندان آرتیق
 کی کندی کندی ده گۆره بو حالی
 نظر ائت صورتین عکسین آنا سال
 گوزگوده کی خبریندی سنین اول
 نه دورور آندا اول شکل مصدّر
 گرک آینه بیر اولسون، گرک یوز
 یوزوندن ئوزگه بیر نور گورمه دین سن
 حقین نورونا اولموشدور برابر
 بو گوزگولر محلّی دیر ظهورون
 سالدین مرغزارا سایه سالدین
 نظر ائیله گل آنا داخی یئنه
 منم اولدور دئر اصلیم، رمز ائیلر
 هم اصلا کندودن اولمادی سایه
 همان عالم گیبیدیر جان ایله تن
 اگر چه صورتیه مایه گیبیدیر
 نه دیر مستقبل و یا حال و ماضی
 حقیقتده همان بیر نقطه ی حال
 بو آدلار بونلارا محکم قیاداندی
 کیمی آخر، کیمسی اوّل اولدو.
 آنین مستقبل و ماضی کناری
 کیمی وحدت قامو کثرت یوخ اولور
 گرک کثرت آز اولسون، گرک چوخ
 مجاز اولان قامو صوت [و] صدادیر
 عرض تحقیق فانیدیر مجرّب
 کؤنول قولاغین اور تعریف جیسمه
 بو رسمیه اولور موجود بو قیسم
 کی حق وار ائدی یوخدان اشبو جیسمی

(۴۶۳) جهانین اصلی اشبو جیسمدندیر
 1150 ئونو یوخدور، سونو یوخدور جهانین
 (۴۶۴) عبارت اولدو حق وارلیقدان الحق
 یارادیر سندن و مندن بو نطق
 نچه یئرده دئدیم معنی سنه من
 (۴۶۵) سنی سن سانماکیم حقدن جدا سان

[سؤال]

1155 رقم آوردوم یئنه بیر دورلو لوحه،
 تفرّج گاهی دیر روحون بو روضه،
 مقربلر دوتار الده بو کاسی،
 مگر کافوریدیر آنین مزاجی،
 گلیر آندان قوخوسو زنجبیلین
 1160 سؤال ائیلر بو باغین عندلیبی
 (۴۶۶) سؤالیمدن منیم بو اولدو حاصل
 (۴۶۶) سلوک و سیر نچه حاصل اولور
 منه بو پرده دن بیر راز سؤیله
 گؤتور معنا جمالیندان نیقابی

کی روح آندان ایره ریحان روحه
 کؤنول ئوردکلری دالار بو حوضه
 بومی دن ایچه نین قیلماز بُکاسی
 دادی شیر و شکر دیر، اولماز آجی
 رواندیر عئینی آندا سلسبیلین
 ازل گولزارینا دئر: یا حییی
 کی نئچون دئیله لر بو خلقه واصل
 کی حق خلق واریر، واصل اولور
 «ایسی سؤیله و ئوز و آز سؤیله»
 تمیز ائیله بولوتدان آفتابی

[جواب]

1165 داخی سن طیفل سن، بیر شیرخواری
 غذا سود دورسنه یا خود حریره
 آتادیر جان، طبیعت دورور آنه
 حقین نورو بوجانین آتیه سیدیر
 هاوا دایین دورور دایه ن مراتیب
 1170 اولو قومون اولو خصمین بولاردیر
 قاووم دوشمنلیگین بوندان قیاس ائت
 مگر بیر - بیر دئدیله کی ائولن
 ولی لیگه ایرینجه بالغ اولار
 گوروندون یئنه معنی صورتیندن

بو تن سنه اولوبدور مه د واری
 دولاشمیشسان کرم بیگی حریره
 سنه قوللوق ائدرلر رایگانه
 کی بیولیک بحری آندان ئوته سیدیر
 سنه حقدن دیلرلر دورلو راتیب
 کیم اصلی جانین و جیسمین بولاردیر
 قو بو خلقی و خالیقدن منه گشت
 دئدی کیم داخی بالغ اولمادیم من
 ولی لیک اولماسا، اوغلانلیق اولار
 سؤال ائدین منه سن حق قاتیندان

[سؤال]

۱۱۷۵ (۳۶۶) کی نہ چون دندیلر واصل بو خلقه قولاغیندا جوابین ائیلہ خلقه

[جواب]

جوابین بو سؤالین وئرر آنلار
 (۳۶۷) سقارندیر حقین خلقه وصالی
 ایراق سانما حق یاراتدیغیندان
 (۴۶۷) سنینله سن قیلاسان آشینالیق
 ۱۱۸۰ (۲۶۷) یانیلما خلقه کیم یگانه سنسن
 قدم اور منزله باخ اشبو سلکه
 (۴۶۸) همان باقی قالاندیر وجه واجیب
 (۴۶۹) وجودی عالمین بسنر خیاله
 (۴۷۰) دگیل مخلوق اولان آلاها واصل
 ۱۱۸۵ (۴۷۱) عدم گورمز جنابین اشبو بابین
 عدم هرگیز وجودا محرم اولماز
 (۴۷۲) سلوک و سئیرینه گلسین عدمدن
 (۴۷۳) بو معنادان روانین اولسون آگاه
 (۴۷۴) عدم سن سن عدمده شؤیله ساکین
 ۱۱۹۰ (۴۷۵) بویانماز هیچ جوهرسبز عرض عین
 (۴۷۶) دندیم تعریف جیسمی بیلدین آنی
 (۴۷۷) هیولا خود نه دیر؟ معدوم مطلق
 (۴۷۸) دگیل صورت هیولادا قدیمی،
 (۴۷۸) هیولا داخی صورت سبز عدمدیر
 ۱۱۹۵ (۴۷۹) جهانین جیسمیدیر بو یکی یوخدان
 (۴۸۰) جهانین وارلیغی معدومدور پس
 (۴۸۱) حقیقته نظر قیلسان بو امکان
 نه حقدن ئوزگه واردیر هئچ بیر غیر
 بو بللی لر نشانلار کیم گوررسن
 ۱۲۰۰ (۴۸۳) وجودیدیر بولارین اعتباری

(۴۸۳) سیغیشار گرچه گلر اعتبارا
 (۴۸۴) جهانین وارلیغیدورور مجازی
 کیم آخر اولیساردیر انقطاعی

[تمثیل]

دوشور دورلر سحرده ژاله گیبی
 ۱۲۰۵ بولوت کیمی بورون، گونش کیمی دوغ
 (۴۸۵) دنیز موج اوروجاق، قوپار بخاری
 لطافتدن بولود اولار هاوادا
 (۴۸۶) آنسا حقدن ایریشیر امرسینه
 گونش نورو اثر دوردونجو گویدن
 ۱۲۱۰ دوشر ائیلر بو یئر یوزونو خرم
 (۴۸۷) گونش نورو چو اول سویا ایریشر
 گونش اول سالار سویا حرارت
 حرارت یئنه عزم ائیلر سمایا
 ۱۲۱۵ (۴۸۸) بئله قالخار گونش شوق ایله اول سو
 هاوا اولدم اولور بو ژاله یه ضم
 غذا ائیلر نباتی جانور یئر
 نبات اولار غذا حیوانا ایرر
 (۴۸۹) غذا تحلیل اولار چون جانورده
 (۴۹۰) بشرده اول غذا چون نطفه اولار
 ۱۲۲۰ (۴۹۱) دوشر چون جیسمه نور نفس گویا
 (۴۹۲) اولار طیف و جوان و قیرغیل و پیر
 (۴۹۳) اجل گوندهر آنا حضرت پاک
 چو راجع اولار اصلینه قاموسی
 (۴۹۴) نباتا بنزهری اجزاء عالم
 ۱۲۲۵ (۴۹۴) وجودی خلقین و ذاتی جهانین
 (۴۹۵) زمانلار کئچر و دؤنر فلکلر
 (۴۹۶) طبایع راجع اولار مرکزینه

ټونو اولماز يو خلقين سونو گيبي
 چو وحدت بحريدیر بير بحر پر خون (۴۹۷)
 نه قطره کيم بو دريادان گوروندو 1230 (۴۹۸)
 باهار اولدو و ابر اولدو و باران (۴۹۹)
 قامو بير قطره دير اول آخر اول (۵۰۰)
 بو جيسم و عقل و نفس و بو جاني
 همان بير قطره و مين مين ميثالين (۵۰۱)
 خبر بودور بو صورتلر پوزولور 1235
 بونو بيلن بيلر، بيلمز بيلي سيز
 نه بايراقلار، نه گوي قالار، نه انجم (۵۰۲)
 چو قصد ائيلر اجل درياسي موجي (۵۰۳)
 يساراديلميشا دؤنر بو عالم،
 هماندم کيم قوپار روز قيامت، 1240 (۵۰۴)
 بسونون بسورهايدير قرآن و آيت
 فنا اولار بولار قامو جهاندا
 سنه بير قرب اولار اولدمده حاصيل (۵۰۵)
 بو يئرده بؤيله فهم ائيله وصالی (۵۰۶)
 قاچان کيم غير گوترولسه نظردن 1245
 بو وجه ايلن کي واجب ممکون اولماز، (۵۰۷)
 نه اول بو اولورو، نه بو اولور اول
 سونو خلقين فنا، ټونو عدمدير
 سؤال اولونسا سنه آسيماندان،
 اول ارکيم اولدو بو معنادا فائق 1250 (۵۰۸)
 سنين نشانلارين واردير هزاران (۵۰۹)
 گهي گلمک اولار، گه گئتمک اولار
 نه دورلو صورت اولار هر بيرينده
 چو کل بحثي و جزء بحثي دئيله،
 هم انسانين قامو نشاتلريني 1255
 آنا دئيبين بونو اونوتما يانا
 بو يئرده اکتفا ائت بو مقاله (۵۱۰)

وليکن سونو اولماز ټونو گيبي
 هزاران موج واردير مست و مجنون
 چوخ آدلار بولدو، صورتلر بوروندو
 نبات و جانور اولدو و انسان
 کيم آندان اولدو هر دريا ممثل
 بو اجرام و سماوات جهاني
 گورونجک دورلو صورتلرده حالين
 وارير معني دنسيزنده دوزولور
 کي يوخلوقدا اولور وارليق بيلي سيز
 بو دريادا اولور قطره کيمي گم
 دنسيزده غرق ائيلر جمله فوجي
 نه عالم باقي قالار، نه خود آدم
 خراب اولار جهان مولکو تمامت
 کي دفع اولار بو اشکال خيالت
 بقا حقيقتدن آندان سونرا آندا
 کي سن، سنسيز اولارسان آنا واصيل
 کيم آنجاق رفع ائتمکدير خيالي
 وصال اولار همان، بير بو خبردن
 بونو بؤيله بيلن خود مؤمن اولماز
 حقيقتده بودور وحدتده کي يول
 حقين سونو بقا، ټونو قيدمدير.
 جوابين وئرمه آئين ريسماندان
 بسونا هرگيز دئمز قلب حقايق
 گهي پئيذا اولارسان گاهي پنهان
 گهي بيمک اولار، گه بيمک اولار
 گلينجک بيله سن يئرلي يئرینده
 برابري کل، اول آرادا اگيله
 بيله سن اگيليب صورتلريني
 «ولي» اونوتما بو آرانسي يانا
 گيره ييم يئنه بير داخي سؤاله

[سؤال]

يئنه گوندوز ايله گئجه قاريشدي
 آي آغلاندي و هم اولدو ياشيل، دوز
 بيرين گوي باغرينا باسدي سئويندي 1260
 حرير اولدو چمن، گول قوردو مجلس
 صبا مشک ايله دولدوردو قويونو
 قارا طفلر، ياشيل صحرايا دؤندو
 بوداقلار قوللارينا خينا ياخدي،
 بو رنگ ايله کي سن سني بويارسان، 1265
 اگير اولو ايسن ساقی ايله ايچ
 نثار ائت وارليغيني بو يولا ساچ،
 خبردار اول سؤاليندان خبر وئر
 بو ممکون دئديگين کيم بير حددير
 قديم اونا دئرم کيم واجيب اولار 1270
 بو ممکون واجيب ايله جمع اولورمو
 بولارين بيري - بيرينه وصالی
 بو ياخينليق - ييراقليق نه دئمکدير
 بو آز دئديگين، اول چوخ دئديگين نه
 بونو تقرير ائيله منه بير - بير 1275
 کؤنولدن زائل ائيله شک و ريبي
 سؤالين معناسين آلماق گرک سن
 بو يئرده کيم اود ايله سو باريشدي
 گونش گيبي گوروندو جمله اولدوز
 قوشولدو نور ايله کيلکه بوروندي
 غسني اولدو گليب قاغيغلي مفليس
 چوبان قورد اولدو بکله دي قويونو
 يئتمکدن بنيزي حلوايا دؤندو
 سو ايرماغيله بال ايرماغي آخدي
 نه شريت اکشيرلر، نه سن دويارسان
 بو شربتدن نصيبين وارايسه ايچ
 گوزون اويخودان اويار قولاغين آچ
 اثشيت اصلين سؤالين گور نه دورور؟
 بونون ټونو سونو خود عبثدير
 يئنه عئينينه آئين حاجيب اولار
 بولار ييغيني بيري يوخ بولورمو؟
 نه دير آنلادي وئر بو وصف حالی
 بونو عقل ايله بيلمک کي امکدير
 بو وار دئديگين، اول يوخ دئديگين نه
 کي اثشيدن کيشي اوخويا فير - فير
 دولاميش گيله جانين جيسمي جيبی
 جوابا منتظر اولماق گرک سن

[جواب]

دیلکلر قاپیسی اولدو گشاده
 سوسادين ايسه سو سانما سراپی
 دوشور ياش گيبي گوزدن جمله خلقي 1280
 بو صورت غوربتيندن يوز چئوير، گل
 وجودون شهرينه سال کندوزونو
 تماشا ائيله گيل کؤنول سارايين
 کيم ايريشه مريد اولان موراده
 کي شخصين کنديدندير فتح بابی
 اجل الينه وئرمه دين بو خلقي
 يولون ياغمورلودور کورکون دئوير گل
 گئجه دن روشن ائيله گوندوزونو
 گونش گيبي گور آندا دؤولت آيين

کۆنول نئجه اولويدور آينه، باخ! 1285
 سنه چوخ دورلو دليللر اونان اول
 بو جيسم و جاندير اول جانانه صورت،
 چو حکمتدن سؤال ائيله دي عاشيق
 (۵۱۲) بو خلق ايله حقين سوردون وصالين
 (۵۱۴) قريب اولدور کي ساچيلدي آنا نور
 1290 حقين اسماسينا ساچيلدي نورو
 (۵۱۳) نسبدن قويدو ياخينليق - ايراقليق
 نه دير نيسبت بو امر اعتباري
 قاچان کيم نيسبت اولدو آشيقارا
 ياخينليق، آزليق، ايراقليق، بو چوخلوق
 1295 قوپار بونلار هپ اسماء نسبدن
 آنين ذاتي صفاتيندان گورونور
 مچرد ذاتي آنين مدرک اولماز
 صيفاتي ذاتي نين کيم پرده سيدير
 (۵۱۵) کونولده اولسا اول نورو حصورو
 1300 خيلاص ائيلر سني کنديلگيندن
 سنين اولماديغيندان، اولدوغوندان،
 (۵۱۶) ديشين گوندوز گيبي ايچين گئجه دير
 بير آديم بوندان ثوته آدامازسان
 (۵۱۷) مروق سن و چؤکمه ثيقل گيبي
 1305 (۵۱۸) رجا و خوف و تن مولکونده اولور
 کونول عالميرنه يول ايله تن
 رجا آدي و خوف آدي حقيقت
 اگر پاک اولدو ايسه جيسم [و] جانين
 (۵۱۹) نه قورخون وار سنين تامو اودوندان
 1310 (۵۲۰) گورونجک خاليص آلتون يانار اودا
 داخي گويچک اولور اوددان چيخينجا
 تامو اودوندان ائشيت بير حکايت
 کي يانديرا حقين دوشمنلريني

نه آئينه، دؤن آنين آيينا باخ
 همان طوطي گيبي شکر زبان اول
 کيم آندان ثويره نير جان علم و حکمت
 جواب اولسون سؤالينا مطابق
 ائشيت ايندي بولارين وصف حالين
 بعيد اولدور کي وارليقداندير اول دور
 کماليندان حقين اولدور ظهورو
 حقيقتده نسيدير بوش دوراقليق
 کيم آنين ايکيليکدن قويدو واري
 بو چوخلوق - آزليق آندان اولدو پارا
 اوجوزلوق، قيتليق و آجليق و توخلوق
 حقين ذاتي منزّه بو سببدن
 صيفاتي داخي ذاتيندان گورونور
 مبرادير، بيانا، وصفه گلمز
 هپ آنين نورو نون پرورده سيدير
 اولور اول بو بدنده غيئر نوري
 گورهرسن آني کيم کئچمز ئونوندان
 نه حاصل اچيليان سولدوغوندان
 بو ايکي دن دوغان خوف و رجادي
 صفاليق شرپتيندن دادامازسان
 بو کؤلگه دن اوشونمه طيفل گيبي
 مقاماتين بولار ايلکينده اولور
 فراغت بولور اول خوف و رجادان
 کونول مولکونده اولور انس هييت
 يقينندن يوخ اولديسه گومانين
 اوتا نير تامو آريلير اودوندان
 اود ايچينده داخي يانارسا اودا
 قاما شيرنه دن آنا گؤز باخينجا
 غضب ائيلر تامو اودو بغايت
 هلاک ائيليه جان [...] لريني

گليرمي مين تامودان کئچمک ائيلر 1315
 فغان ائيلر و آه ائيلر، وزاري
 آنين چون مؤمينه دير تامو کيم کئچ
 ديلهرم تيزرک اولا عبورون
 (۵۲۱) سنين ئونونده سنده ئوزگه يوخ غيئر
 «ولي» وارليغيني انديشه ائيله
 1320 اولاکيم خمر رنگين توتاشيشه
 بو سنده من دئين بيل سن دگيلسن
 سنه سنليک آديني چونکي تاخدين
 (۵۲۲) اگر سنليک سنين اولورسا قاين
 (۵۲۳) چو دؤر ائيله دي وارليق، دؤر اول
 1325 چو بيرليک نقطه سینه قارشي دوشدون
 جهاندا هر نه کيم وار، سنده گوردون
 (۵۲۴) چو سنده سن سني گوردون سئويندين
 (۵۲۵) سنه سن اختيار اثبات ائتدين
 (۵۲۶) واريلدي جان اليه تن بولاري
 1330 چو بيزدن گلدي بو صنع و بو تصنيف
 اوروج توت، وئر زکاتي، قيل نمازي
 بو تکليفات آنين چين قونولدي
 بو منليک شوو قلوغوندان قوپار هپ،
 (۵۲۷) منم دئمک اودا تاپماق گيبيدير
 1335 (۵۲۸) آنين نه اختيار اولسون الينده
 بو يوزدن کيم آنين وارليغي کمدير
 (۵۲۹) بوگون آنين کي نابود اولا بودي
 (۵۳۰) ابي - ياوروز چون اولميه ئوزوندان
 وجودون کؤلگه گيبيدير بيله سن
 1340 آني گون بيل و سني آنا سايه
 پس آندا سايه نين يوخ اختياري
 (۵۳۱) جهاندا کيمي گوردون شاد و خرم
 (۵۳۲) کيمه حاصل اولويدور جمله اميد

تامو نوروندان آنين ايچمک ائيلر
 اوشانير آندان اولکيم [...] ناري
 يئئير نورو نو ناريم اوستونه سئچ
 کي سئويندیرمه سين ناريمي نورو
 سنين شر وارليغيندير، يوخلوقون خيئر
 تني حقان خمره شيشه ائيله
 وار ايسه چنليني آنينلاپيشه
 سن اولسان، تن دگيلسن، جان دگيلسن
 تامويي کندي الين ايله ياخدين
 قامو عالم سنين اولور حجابين
 سن اولدون دؤر ايچره جزء اسفل
 ايکيليک آرزولادين و ساووشدون
 منم من دئيو، سني سنه وئردين
 سن ابليس ائيله دين کنديني کندين
 بو جيسمه جان گلندن شؤيله گئئدين
 سنين ضيدين اولارمي سن بولاري
 قونولدو اوستوموزه اشبو تکليف
 گوجون يئتسه طواف ائيله حجازي
 کي سن گلدين بو يولا حق کونولدي
 مچوسيلر گيبي يئئر اودا تپ
 طريقتين حقين ساپماق گيبيدير
 کيم اول بالذات باطيلدير ائلينده
 يوخ آنين اختياري، اول عدمدير
 خصوصاً غيئيردن اولا وجودي
 نه فائده آنين کيمي اوزوندان
 وليکن کؤلگه ايسسي له بئله سن
 کي سايه گوندن آلير قدرمايه
 آنين چون کيم يوخ آنين اعتباري
 کي هرگيز واقع اولمادي آنا غم
 کي قالدي اول کمال ايچينده جاويد

حقیر و عاجیز و حثیران قاموسی
 1345(۵۳۳) همان یثربنده باقیدیر مراتیب
 قامو حق امری آلتیندا محقق
 ۵۳۴) اثر حقدن ایریش هر مکانه
 سن ئوزوندن اوزاتماغیل آیاغین
 ۵۳۵) وار آنلا حالینی اشبو قدهردن
 1350 سنی سن کندی حالیندان رها قیل
 ۵۳۵) بو معنادا بسویرموشدور پسیمبر
 ۵۳۶) نه کیشی کیم دگیل قائل بو جبره
 بو جبرین ایندی یکی معناسی وار
 مکذر اول کی جمله مکر و شری
 1355 بودور صافی کیم اول قلبی صافی
 بیله حقدن اولار هر فعل صادر
 اگر شر ایسه قهریندن بیله اول
 قامو فعلی حقیقت حق یارادیر
 بیرین جبر خاص اولدو چونامی
 1360 حقین هر ایشله دیگیندن سورولماز
 ولی، خلق ایشله دیگیندن سورولار
 یئنه ائشیت موجه یکی قبولو
 بیر یو کیم قولون وار اختیاری
 بو ناسن «اختیار جزء» دئدین
 1365 ایکینجی قولو سنه آیداییم من:
 حقین مین اختیاری باطنه هم
 گرکسه شئی اول، گرکسه جبری
 کی حقدیر یارادان شری و خئیری
 ۵۳۷) عجب ناداندر اول [کیم] «ما و من» دئر،
 1370(۵۳۷) بیزه هر فعل نیسبتدیر مجازی
 ۵۳۹) یوخ ایدین سن کی فعلین یارادیلدی
 سرور سینه سی ونور دیسه
 ۵۴۰) سبب سنیز قدرت ایله قامو یا حق

ذلیل و خوار و سرگردان قاموسی
 ایرر هر مرتبه اهلینه راتیپ
 بولار مغلوب و غالب بولار حق
 کیم آندان هر بیر بولار مکانه
 کی امرینه دورور هر بند[ی] باغین
 نفس اورما قضا ایله قدردن
 قدر فعلینی آندان آنلا و بیل
 کی بونو نقل ائیلر بیر سخنور
 نبی تشبیه ائدیدی آنی گبره
 بیر صافی دورور، بیر مکذر
 حقه اسناد ائدینجک اول ضرری
 آنین عزله اولمایا مصافی
 نه کیم ایشلر اولار آنلا قادر
 وگر خئیر ایسه مهریندن بیله اول
 کیمی مرهم دورور، کیمی یارادیر
 بیرین آدی دورور زجر غائی
 اجازت هیچ وجه ایله وئریلمز
 قیامت قوپار و میزان قورولار
 گرکسه طاعتین باغینا حوولو
 یارادیبیر آنی هر قولدا باری
 آنی کیم دین غمیدیر یعنی یئدین
 قولون بیل اختیارین ظاهرا سن
 بودور بو یکی قول، الله اعلم!
 گرکسه بونلو اول، گرکسه تبری
 بونا دکدیر بو خلقین جمله سئیری
 بونو یاگیری دئر، یا اهرمن دئر
 حقیقته نسبدیر لهو [و] بازی
 قامو عالم بونون کیمی ائدیلدی
 چون اولدون بیر ایش ایچون برگزیده
 اقلده علم ایله حکم ائتدی مطلق

داخی عالمده یوخ ایدیک سن ومن
 1375(۵۲۱) معین اولدو هر بیرینه بیرایش
 همان اول ایشی ایشلر بو جهاندا
 گر ائدیلسه آنی فیسقه آلت
 آنین هم ذاتی نین اول لازمی دیر
 گر آلت اولدو ایسه طاعته اول
 1380 چوخ آنین فعلی نین یوخ ناسزاسی
 ۵۴۲) هزاران سال ابلیس ائتدی طاعت
 سون اوجو لعنت اولدو و سورولدو
 نه زلت کیم قوپار کبر و ریادان
 چون آدم آغیز[ی] معصیت ائتدی
 1385 قبول ائیلدهدی آنین توبه سین حق
 ۵۴۳) کیمی کیم اولا شهوتدن گوناھی
 آنین لوطفو گوناها لردان اعمدیر
 چو دین گونونده رحمت قسمت اولار
 ۵۴۴) کیمی ترک ائتدیگی چون امری
 1390(۵۴۵) کیمی سیندیردی امرین، عاصی اولدو
 آنیدیر مولک، آنیدیر هپ تصرف
 نه کیم دیلرسه، ایشلر، مانعی یوخ
 ۵۴۶) منزّه دیر جناب کبریاسی
 غنی دیر، گاه وار دیر لاءبالی
 1395 حقین افعالینه اولماز چه و چون
 ۵۴۷) بو اهلیت ازل وئریلدی بی مهل
 یاراشار سورماق آنلا کیف و کمدن
 نه دن بی چوندان اول سورماق یاراشار
 ۵۴۸) حقه اول کیمسه لر چون و چرادئر
 1400(۵۴۹) اولار اولدم قولندان خواجه راضی
 سعادت سیز قولون بودور نیشانی
 ۵۵۰) حق ائیلر کبریا سیندا خدایق
 ۵۵۱) حقه لایق نه دیر، گه لطف و گه قهر
 یارادیلما میش ایدی جان ایله تن
 کیمینه راحت و کیمینه تشویش
 ازده هر نه کیم قویدوسا آندا
 صفیات اولور آنلا اول زشت حالت
 عقوبت اولماق آنلا جازمی دیر
 آچیلیمش دیر سعادتدن آنلا یول
 کرم دیر، لطف دور آنین جواسی
 حقه گؤستریمک ایسته دی اطاعت
 عیب ادتلری اوزوننه اورولدو
 ایراق دوشوره ر آنی کبریا دان
 انابت ائیلده دی و رقت ائتدی
 گزیده ائتدی آنی حق، محقق
 گوناھین عفو ائیلر پادشاهی
 کریم اولانین ایشی خود کرم دیر
 یازیقی یازغی [نین] مقدار[ین] آلا ر
 سیهرو اولدو و ملعون عؤمرو
 گوناھدان توبه ائتدی خاصی اولدو
 بودور حق سؤز، قیلاسیله تکلف
 بو صنعون آندان ئوزگه صانعی یوخ
 ایریشمز آنلا بو خلقین قیاسی
 کی مقهور ائیلر اول خیل خیالی
 دیلر محروم ائدیلسه مغبون
 کی بو اولدو محمد (ص)، اول ابا جهل
 قسیدمدیر انتقام آلا ر عدمدن
 بو زخمه مرهم اول اورماق یاراشار
 کی کافردور [و] مشرک، ناسزادئر
 کی کسه خواجه دن اول اعتراضی
 یاراماز ایشده قویا خواجه آنی
 دنگیل علت آنین فعلینه لایق
 کیمینه قند وئرر، کیمینه زهر

(۵۵۲) بشرده اضطرار یبدر کرامت
 1405 چو قولدا اختیارین یوخ نصیبی
 (۵۵۳) آنین کیم کندین یوخ نیسبتی هئچ
 نه سورولسون ایی - یاووز اول اردن
 (۵۵۴) یوخ آندان اختیار و اولدو مأمور
 (۵۵۵) دگیلدر ظلم، عین داد دیر بو،
 1410 دیرلر کیم گؤستره دادین و عدلین
 دگیل بوجوور، حقدن مرحمتدیر
 گؤتورنلر آرا بیردن حاجابی
 بولارین وصف ائدر حالینی «کرتوا»
 بولار کیملر دورور کیم یول واریدیر
 1415 بولاردیر سؤرو سوز واران بهشته
 (۵۵۶) سنه تکلیف اولدو بو سبیدن
 سنی بیلدیرلر سنه بویوندان
 (۵۵۷) چو بو تکلیفدن عاجیز قالایین
 بو سؤزه حکمت ربانی دئرلر
 1420 بو حکمتدن آنی ایستر یارادان
 (۵۵۸) چون آزاد اولاسان سن کندوزوندن
 گوناھین بیلنه حق ایلک ایشلر
 (۵۵۹) حقین فیضینه کؤنولدن قضا وئر
 بو خلقی آندا کیم یاراتدی خالق
 1425 چلب بیردیر و بیرلیگینه باقی
 چو بیرلیکدن جهان دیرلیگه دوشدو
 بو یوزدن حق تعالی عزت ائتدی
 گؤتوردو چون بولار تکلیف یوکون
 کیم ایکیلیکلرین ییتیردیلر هپ
 1430 دوشوردو یوکلرینی اولدو فانی،
 ایکیلیک سؤزلرین گئدر دیلیندن
 بو معنا، دین و ایمان مایه سیدیر

دئمک کیم اختیار یبدر کرامت
 قولون یوخدور مشامینده طبیی
 اولوبدور هیچده اول پیچ در پیچ
 قامیشین چون کیم آیریدی شکردن
 زهی مسکین، زهی مختار مجبور
 سزای لطف چون بوناددیر بو
 قولونا لطف ائدر افعال [و] فضلین
 بومعناکی دئدیم چون ماصدقدیر
 نه سؤرو گؤردولر نه خود حسابی
 حدیث «موتوا قبل ان تموتوا»
 هم ئولدورمگه نفسین یالواریدیر؟
 نه رضوان گؤرر آنی، نه فرشته
 کی یاردیم ایستیه سن سن چلیدن
 کی دوز یتره ائنه سن سن ائویندن
 آنا دئیین کی ئولمگه گله بین
 نه کیم لایقیدیر آنا، آنی دئرلر
 کی سن سنی چیخاراسان آرادان
 تجلی ائده حق نورو اوزوندن
 جنابیندان آنا بایلیق باغیشلار
 قضا سینا تحمل ائت، رضا وئر
 کیم ائده بونلارین اوزره خدالیق
 چیخا گلدی ایکیلیک طمطراقی
 ایکیلیک پرتوی بیرلیگه دوشدو
 ایکیلیک یوکونو خلق اوزره بیتدی
 ییتیردی یوک بولارین جمله توکون
 دیله حق بیرلیگین گتیردیلر هپ
 بولاردان گئتدی ایکیلیک گومانی
 قوماغیل بیرلیگه ایکن الیندن
 بودین آسسی گیبی حق سایه سیدیر

[سؤال]

هما گیبی اوچارسان اووجو گؤزله
 اگر عنقا ایسن، گل کوه قافه
 1435 سمندر گیبی سن اول اورد ساکن
 دوه قوشو ایسن قاناد لانیب اوچ
 اگر اسگیلدیسه، بو جیسم دونو،
 گؤتور مینقارینی و بونونو باخ،
 گیر اول اودونلار ایله اول اودا سن
 1440 وجودن گولو گول اولسون چوروسون
 تکلم ائیله، صامتلیکدن اییره
 قورودا حاصل ائتدین سه دفیینه
 اگر غواص سن اشبو دنیزده
 نه دریا کیم بو دریادیر کناری
 1445 بو دریادان نه گؤهر اولدو حاصل
 بویورغیل بو گروه اولسون گشاده
 نه بیلسن گوهری بونجوق داغینان
 یئمیشلر آغاجین یئمیشی تملر(?)
 بو رقتدن نه آنلاسن نظرسیز
 1450 بویونه اویونه ئوکوش اگیلدیک
 هواوان باخ دنیزده مؤوجو گؤزله
 قناعت ائیله گیل قدر کفایه
 سودا سو قوشو ایسن توت اماکن
 وگر دوه ایسن ئوکوش گؤتور کؤچ
 دوشور قوقنوس گیبی، ییغ اودونو
 دوشوردوگون اودونلاری اودا باخ
 نه قیل قالسین، نه بط قالسین نه خودتن
 گولوندن یئنه بیر داخی دوروسون
 سلیمان ایش، قوش دیلین ئویره
 گل ایسندی گیر و بو بحر سفینه
 بولارین گؤهری هر بیر بنیزده
 کلام نطقدور مجموع واری
 کیم اولدو نطق بو دریایا ساحیل؟
 کی بوندان ایریشه غم اهلی شاده
 غنی اولماز قورو یانجیق داغینان
 کیم آنینلا دولوسار نئچه دملر
 گؤرر عئینی، هونر سانار هونرسیز
 جوابینا سؤالین یئنه گلدیک

[جواب]

اگر چه سن یومورتادان دوغانسان
 قولا غونه آچوبان قوندوغون قوی
 اوچارکن، سنی شاها قول دئیرلر
 آغا دوشموش گؤره رسن کندوزونو
 1455 باشینا بؤرک اورار باغلار آیاغین
 یاراشیدورلر و اویخون آلیرلار
 قاچان کیم یاواش اولدوغون بیلینه
 آیاغیندان گئده ریرلر بو ئورگو
 اگر اولاسنین اتدیر یئدیگین
 هواوا اوچوجو وحشی دوغانسان
 گوجون یئدیگینه ال سوندوغون قوی
 گؤیرچین ایله سنی اول دئیرلر
 دوغانچیلار توتار دیگر گؤزونو
 دوغانچیلار الی اولور دوراغین
 سنه بیر تربیت دیر کیم قیلرلار
 وئره لر سنی اولدم شاه الینه
 چیخارکن باشیندان داخی بؤرکو
 اگر اولاسنین لتدیر یئدیگین

- 1460 بگندیرمز ایسن شاها شیکاری
تاووق یومورتاسیندان دوغماز ئوردک
پینار کیمی قایالاردان چیخا گوز
ایریشدیرسین سنی دریایا ایرماق
بو دؤولت دنیزینه هر کی باتا
- 1465 سورونجک بو دنیز دیدن بولاندی
کی وارلیق دنیزی دیر بو دنیزین
بو نطق آنین کناری واقع اولدو
چون اول دریایا بو نطق اولدو ساحیل
(۵۶۱) کونول دریا، بو سوز دُر یتیمی،
- 1470 (۵۶۲) کی هر موجی بو دریانین هزاران
وئرینجک دل خبر نص ناغیلدان
(۵۶۴) هزاران موج گیلر هر دم آندان
بو دریاداندیر اول علمین وجودو
بو دریانین گوهرلری فیلاتی
1475 (۵۶۵) معانی اوجادان گیلر، گوهرلر
معانی صورتی دیر حرف ایله صوت،
معانی یه چو بونلار اولدو صورت،
(۵۶۵) بو قالسین، من ده بیر تمثیله گلدیم

[تمثیل]

- بو تمثیل و بو تقریر و حکایت
1480 کسلیب کعبه یه گئسن اوغورلا
کی معنا اینجیلریدیر دوزولموش
بو دُر حکاک الینه گیرمه میشدیر
بو عثمان بحری نین دُر دگیلدیر
بو بیر پاکیزه دُردور عالم افروز
1485 خدایسی دُر دگیل و دُر جعلی
گر اهل خبره ایسن قیمتین بیل
سوز اچالیم و سوز به اشلیالیم
- لطیف و خوب [و] روشندیر بغایت
بولارسان کعبه ده بونو اوغورلا
کونول دریاسی ایچینده اوزولموش
بونو الماس ایله دلمه میشدیر
داخی بو کوکی دُر دگیلدیر
کی بوندان شمعی یاخار شب و روز
کساد ائیلر بسنی یاقوت و لعلی
کی مایل اولاسنه هر محافیل
گول آغاجینا سنبول آشلیالیم

- اول آیین کیم آدیدر ماه نیسان
لطفاندن چیخار بحرین بخاری
- 1490 حق امریله دیلر کیم یثره یاغا
(۵۶۶) صدف جیخار دنیز یوزونه اولدم
دامار بیر نئجه قطره آغزینا خوش
(۵۶۷) یئتر دنیز دیبینه چون اولار پُر،
دالار دریایا چون غواص دریا،
(۵۶۷) 1495 صدفلر دوشورر اول آندا یارا
دادیلار آندا تاجیرلر گلرلر

فی بیان التمثیل

- کی جیسمیندیر سنین آنین غباری
کی بو دریالار آنا «ماصدق» دیر
کی امواجی دیر آنین «علم اسماء»
کلیمینده گوهرلر بی عدد دیر
آنین ایچینده علم، اول دُر گیبی دیر
صدفلریدیر آنین صوت ایله حرف
حروف ائیلر آتی علمه سخن بند
مخاطب اولور اول معنای سامع
ایچین دوشور، قابین یابانلارا ساچ
یوره سیندن یوره نیر بونلارین حرف
بو خلقه نکته ائتدین، حرف ائتدین
کی تعلیم ائیلیه سن بونلارا نحو
بو هیئتدن دوشر کونلونه هیئت
بیلرلندین، بو علمین، مابقی سن
قالاقلاندین اوچارسان قورو لافه
ئوزونه بسند ائیدیرسن لاف و زفتی
یئری حیلرلر ئویرت خلقه شرعی
اولولانئیر و عز و قدری گوزلر
یئمک سیز اودار آنا ئولوسونو
- گوهرلر وارلیق دنیزیندن غباری
بو دریانین بخاری فیض حقدیر
(۵۷۲) عجب دریا دگیلمی اشبو دریا
1500 (۵۷۳) بودریانین کی غواصی خرد دیر
(۵۷۴) کونول دئدیکلری علمین قاییدیر،
(۵۷۴) چون اولدو علم دُرینه کونول ظرف
(۵۷۵) نفس چیخار آغیزدان برق مانند
(۵۷۵) حروف ایچینده اولور معنا لامع
(۵۷۶) 1505 بری گل، بو صدفلر آغزینی آچ
(۵۷۷) لغت، نحو [و] معانی، حکمت و صرف
(۵۷۸) بو عومرو صیرف صرفه صرف ائتدین
ائده رسن عمر و زید ایچون عومور محو
منتجم اولوب اوخویونجا هیئت،
1510 سونوندا حکمتی سن، منطقی سن،
معانی گوزله دین دوشدون خیلافه
فقیهم، عالیم دئدین و مفتی
تمامت یعنی بیلدین اصل و فرعی
تکلف صرفه سیدر صدری گوزلر
1515 دویون گوزلر و خلقین اولوسونو

۸۱
ZİHNI
hece

عمل اولور قاچان قلب ائتسه علمی
عمل سیز علم، آغاجدیر ثمر سیز،
عمل داهی علم سیز بی قیدمدیر
تمیز ائیلر بونو دین ایسسی کیشی،
1550 (۵۸۵) تمیز اهلی ایسن، سن داخی فرق ائت
کونولدن اولان احوالی گزن گیل
کونول علمینه «علم حال» دئرلر
نه کونولده کیم اولا مئیل دونیا
وئرلمز علم آنین گیبی قلبه
1555 (۵۸۹) کی حرص اولدوغو یئرده علم اولماز
کئچ ایتلیکدن ملک لیک ایسترایسن
کی دین علمی فرشته سیره تیدیر
فرشته خولقیله اولغیل فرشته
ائشیتگیل بو حدیثی مصطفادان
1560 (۵۹۱) ددی کیم قانقی ائوده اولسا صورت
کونول ائوینده صورت قویما یارا
1570 (۵۹۲) بو یاووز خو گوزون کس کؤکلرینی
قامو عالم بو تمثیلی بیلیر فاش
خوش اخلاق حمیده حاصل ائتگیل،
1585 (۵۹۳)

[ئوید]

1565 ملک زاده سن و شاهزاده سن، سن
رضا وئردین بو گولخن گوشه سینه
چون اویدون کاربانی کن فکانه
غریبانه چو بو اقلیمه گلدین،
بئله قوشولودو طیبینه ملک لر
1570 بو وجه ایله کی سن روشن گؤهر سن،
بو عومرون نقدین اوش وئردین زیانه
وطنندن گؤندریلدی سنه نامه
اوخودون نامه نی و آنلامادین

دوشر صرفه گیبی اولو ائوینه
بو رسمه علمدن یئدیر جهالت
اولار دونیا کیمی اول علم فانی
1520 بو دونیا اولان منسوب اول علم
نه کیم ئویرنسه، خلقه اجرت آلا
بودور بونون گیبی علمین سزاسی،
بو علمین غایتی چون اجرت اولدو،
جهان علمیه عالیم اولسا ذاتین
1525 گئدر حج و گئدر علم و مناسک
اگر بیع و شرا ایسه بوزولر
بولار جان علمی دگیل، علم تندیر
بو علمه، علم قیل و قال دئرلر
همان قوزدان یاشیل قابین آکیدیر
1530 یاشیل قابین گئدر، ایچین چیخارغیل
هر ایچین کیم بوگون اولمایا دیشی
آنین کیم دیشی یوخ، اول چیی گیبیدیر
1540 بیلیر بو علمی آلان علم دادین
ایا چشم [و] چراغ [و] انور دیده
1535 (۵۸۲) کی بیلن دین علمین سرور اولدو
چو علم دینه جان وئردی، دوروشدو،
نه دیر دین علمی، علم آخرتدیر
بو علمه رحمت رحمانی دئرلر
کی علمی نین بو عالمده جزاسین
1540 حقیچون علم اوخویا، اوخودا هم
خصوصاً عالیم اولا عامیل اول
عمل اولدور کی اولا حالدان اول
1545 عمل کیم حاصل اول علم دلدن
بو آب و گیل دئدیگیم بو بدندیر
عمل کیم آنا اولوبدور محل قلب

فنانین دونونا گلدی سئوینه
کی علمی دونیا یا ائیلله آلت
گئدر حؤکموو قالماز جوادانی
همان دونیا دادیر مرغوب اول علم
بو خلقه بللی اولور وئرم - آیم
وئر علم [سین] و مال و نعمت آلا
کی دونیا یا دهیر بونون جزاسی
قالان صنعت گیبی بیر صنعت اولدو
گئدر علم و گئدر مال و زکاتین
اولار دونیا کیمی مجموع هالک
دوشر شکر گیبی سویا، ازیلر
چوخو علم قیاس و علم ظندیر
بونا قیل ایله باغلان قال دئرلر
دیشین قوز سانین ایچین سالیبدیر
آنین دیشین یولون ایچین ئونرغیل
آیاغیندان اولونماز فرق باشی
ایچینده دیش سیز اولماق ایی گیبیدیر
کی ظاهر علمدن یئی علم باطن
دوروش جانندان دل ایله علم دینه
دو عالمده آدی سردفتر اولدو
کیچیک لیکدن اولولوغا ایریشدی
عملدیر، هم ایلاهی معرفتدیر
بو شخصه عالیم ربانی دئرلر
همان ترک ائده گؤزیله خُدا سین
بودور حق درگهینه لایبق آدم
کمال اهلی ایچینده کامیل اول
کی یئیرکدیر مجرّد قالدان اول
یئی آندان کیم اولا بو آب و گیلدن
کی جان باروسو آوزره بیر عدندیر
نه بیلین آنی هر بیر ناکس و قلب

خبرچیلر ئوکوش وئردی خبرلر
 1575 جهان نقشینه آلدانیدن اولامی
 جهان کؤنلونده صورت باغلاييدير
 کؤنول لؤوحونو آل ايندى اليه
 «ولی» کؤنولده قو[ی]ـما غثیره صورت،
 کؤنول گؤيونده دوغا دؤولت آیی
 1580 چو علم ئويړه نه سن هر بير ملکدن
 اولارسا حاصيلين علم وراثت
 گؤزوندن گؤتروله غفلت حياجای
 مزین ائده سنی خوب اخلاق
 بوخولق ایله بزن کیم خولق حقدیر
 1585 صیفاتا ترک ائیلرسن صیفاتی

[قاعده]

حقین نورو کؤنول شمعین یاخینجاق
 قاراقولوق قامو تن پسرده سیدیر
 قامو ظولمدن بیتیدیر ظلم توخمو
 کؤنولده بلکه حَقَّانی حضورو
 1590 قارا تیکانداغ آغ گوللر آچیلین
 چو یانا کؤنول ائوی نین چیراغی
 باساگؤر دوشمنی فورصت وئیرکن،
 ایی خولق اولسانده خوش عدالت
 نهادیندا سنین حکمت گرکدیر
 1595 عدالت، حکمت و عفت، شجاعت
 اولاجان و کؤنول حکمتدن آگاه
 (۵۹۷)
 چو شهوت غفلتیه اولامستور
 (۵۹۸)
 شجاعتدورور اولار حق یولونون
 نه آندا دل، وار، نه خود تکبر
 (۵۹۹)
 1600 نه ایکن اوجا اولار کیم اصیلله
 هرايشده عدلدیر آتین لیباسی

ایسی خولقون او دربانى گيبيدير
 (۶۰۰) ایسی خولو اولور جمله میانه
 (۶۰۱) نه اقراط و نه تفریط اولور آندا
 1605 ایسی خولو اولور جمله میانه
 (۶۰۲) چو بنزر اول صراط مستقیمه
 میانه خولق چون بنزر صراطه
 (۶۰۳) صراطه بنزه دیگی بونون اولدور
 قیلچ بیگی کسر، قیل گیبی اینجه
 1610 بو یول کیم اینجه لیگیندن سچیلمز
 قاجان کیم عدل هر ایشده بولونا
 (۶۰۴) بلیدین بوکی عدلین ضیددی دیر دوز
 شجاعت، حکمت و عفت اولور اوچ
 ایکیسر ضدلری واردیر بولارین
 1615 مخت لیكله، جهل و هم غضبیدیر
 تکاسل، هم بهیمیت، تکبر
 بولار آلتی اولور، ظلم ایله یئددی
 یئددی اولدو بو اخلاق ذمیمه
 (۶۰۵) یئددی اولدوغوندا قامو بو دور سر
 1620 (۶۰۶) قامو ظولموجون اولوندو مهینا
 (۶۰۷) جزا عدل ایچون اولدو نور رحمت
 (۶۰۸) تن و جانین قاچان خوش اولسا حالی
 (۶۰۸) اصولیدیر هر افعالین عدالت،
 (۶۰۹) مرکب اولسا بیر شئی بیل کی یارا
 1625 قامو اجزاسی بو رنگه بویانار
 (۶۱۰) بولار جزء بیری-بیریه پیئوند
 دگیل ترکیب اجزاسی گیبی بو
 (۶۱۱) دگیل بو وصف گیبی وصف جانین
 (۶۱۱) بو جان پیئوند اخلاقیه اصلا
 1630 (۶۱۲) چو آب و گیل اولار مجموع صافی
 بو آب[و] آتش و بو باد و بو خاک

وفا سققی نین ارکانی گیبیدیر
 آتین تمثیلی اولماز ایکی یانه
 صراط مستقیم اولور میاندا
 آتین تمثیلی اولماز ایکی یانه
 ایکی بابی آتین بنزر جحیمه
 آری بو ایر گؤرر عیش [و] نشاطه
 کی بوللار ایچره بو بیر اینجه یولدور
 نه لر گؤرر بو یولدان ار کئچینجه
 کؤنولیک ایله بو یولدان کئچیلمز
 خیلافی ظولمدور آتین بیلینه
 چوبیلدین عدل [و] ظولمون دقتین دوز
 رعایت ائیه مکدیر بونلاری گوج
 کیم اصلیدیر بولار یاووز خولارین
 کی اودا گیسر مگه بونلار سبیدیر
 کیشی [نی] جمله تامویا ایله تیر
 وای آنا کیم ئوزو بو یولدا ایتدی
 بوخولق ایسی دؤنر دیو رجیمه
 وای آنا کیم اولامغبون و خاسر
 نیته کیم اوچماق اولدو عدله مأوا
 سزا، ظلم ایچون اولدو لعن و ظلمت
 ظهورا گیلر ایلین اعتدالی
 کمال علمه اولار اول نهایت
 تمیز اولماز آتین اجزاسی قطعاً
 گؤرن کیشی آتی بیر نسته سانار
 اولار شکل بسیطه ذات مانند
 اولاشماقدا بیری - بیریله قامو
 تمیزین بیل نهان ایله عیانین
 دگیل بو گؤردوگون ترکیب اجزا
 ایرهر حقدن آنا نور اضافی
 حقین امری ایله چون کیم اولار پاک

- (۶۱۳) دوشر جان عالمیندن پرتو آنا
قاچان تن اعتدالی اولسا حاصل
(۶۱۴) بیز ایله گؤز گیبی دورور میثالی
شعاعی جان ایله بو جیسم حالی

[تمشیل]

- 1635 تنین یئر گیبی، گونش گیبی جانین
ایچین غریبه دیشین هم شرقه بنزر
اتین دارین دوشنمیش فرش کیمی
فرشته لر کی عرشی گؤتور لر
خیالین، فیکرین و عاغلین و روحون
1640 بولار دیر گؤتورن قویان باشیوی
فلکده کورسیه مانند صدرین
درخت سدره ایمانین گیبی دیر
اثشیت ایندی حکیمین مذهبینی
(۶۱۵) چو دوردونجو فلکدن قالدیرا باش
1645 فلکلر دن دیلر کیم شووقو ائنه
یوزونو بو زمینین رؤوشن ائیلر
کی بیرده گیزلیدیر توخمیله کؤکلر
بؤیوک تدبیری ایچوندور شعاعی
(۶۱۶) گونش عنصر طبیعتلی دگیلدیر
1650 همان گونش گیبیدیر بو کواکب
(۶۱۷) تری، خشکی، عناصر گرم - سردی
بو تقریر ائتدیگیم بحث طبایع،
دئدیگیم مسأله کیم کوکبندیر
کی احکام کواکب دیر روانه
1655 (۶۱۸) سورر امرین نیته کیم شاه عادل
حکیمین اعتقادیندان حذر قیل
بو سوزون یثیره بین قرآندان اثشیت
عناصر حؤکمودور بونلارا غالب
ایریشینجه واریب کورسو کؤکونه

- 1660 بو عرش و کورسو غیر عنصریدیر
قیلار آی و گونش قامو تامودا
حدیث [و] آیت ائیلر بونو تحقیق
قاچان کیم یاد ائیدیلدی چار ارکان
عطا ائتدی بولارا عدل خالیق
1665 (۶۱۸) بولاردان اولدو بیر خوش حسن پشیدا
عناصر صورتیدیر دؤرد اسمین
سمیع و قادر وحی و مریدی
عناصردن گؤرونودو حسن اسما
بو حسن ایله عناصر چون یاپیلدی
1670 (۶۱۹) قاچان کیم جانه بیر صورت یارایا
بدن باش قویدو ئویدو جان رکابین
موافیق گوردو جان چون بو مزاجی
بونو تقدیر ائدر بو اصطلاح اوش
وجودا گلدی بولاردان فصاحت
(۶۲۰) ملاحظتیر، میثالی یوخ جهانندان
(۶۲۲) عَلم دگدی گؤزه للیک عالمینده
(۶۲۳) چون اولدو حسن شهرته مقرر
(۶۲۴) بشرده اولوجاق، دئرلر ملاح،
(۶۲۴) گؤزللیک آتین دیر شهسوار
1680 (۶۲۶) ولی و شاه و درویش و پیمبر
بو حاصل اولدو اوشبو معرفتدن
تن و جانین کی وار حُسن جمالی
بولار مجموع حقدن صادر اولور
بولاردان گؤره نین کؤنلو آلان اول
1685 (۶۲۷) حقه لایبقدیر آنجاق دلربالیق
(۶۲۹) نه آلسین کؤنلونو خلقتین بو شهوت
(۶۳۰) مؤثر حقدورور هر بیر اثرده
خسوف شمس و برق و هم زلازل
کیلیمینجه ئوزتغیل آباغینی

اگر چی، که بولار، شکلی کوریدیر
عناصردن اولان داخیلیدیر اودا
حقیقتده بودور ایمان تعمیق
کیم اوددو، سو، یئل و چیراقدیر، ای جان
کدورتلینه دوشدو صفالیق
کی شئیدا اولدو آندان نفس گویا
کی بولار دیر اصولو جان [و] جیسمین
بو پرده لر نقوشیله بورودو
کی ذات حق آنینلادیر مسما
بو جان اول حسنی گوردو یاد قیلدی
نکاح معنوی دوشر آریا
جهانی وئردی جان بورجوناکابین
بولارین اولدو پشیدا ازدواجی
کی هر جمعته دئرلر نکاح اوش
علوم و نطق و اخلاق و صباحت
گلین رند لایالی آندان
بسی شورشر اولدو مقدمینده
جهاندا پوزدورتیین سراسر
گلینجک نطقه، ائدرلر فصاحت
دیلینده تیغ نطق آبداری
هپ آنین حؤکمو آتیندا مسخر
کی حق نورو گؤرونور هر صیفتدن
بولارین یعنی هر دورلو کمالی
کی حقدن ئوزگه یوخ افعالاقدار
محبت اودونا خلقی سالان اول
کی شیرکندن منزهدیر خدالیق
کی شهوتدن قونودور کبر [و] نخوت
بو یثرده، گؤیده و شمس و قمرده
سنه تنیه، هم تخفیفدیر، بیل
آباغیندان سییرماغیل باغینی

[سؤال]

- 1690 سعادت فرقی نین سر تاجی سن سن
آچیلیمیش کونلونون گوزو صفادان
مشرف اولسون اول ذات شریفین
وجودوندور جهاندا علم کانی
هونر سرچشمه سی سن، علم کوهی،
1695 سنینیدیر صدر و قدر و درسخانه
قاپیندان باش یثره قویدو فلک لر
گتیردین علم دریاسینی مؤوجه
معانی شاهیدی نین آج نیقابین
نه جز دور اول کیم اول کل دن فزوندور
(۶۳۱) جوابین و ئرمته آنین حقیقی
1700 تدیز ائیله بو جزء حالینی کل دن

[جواب]

- الا، ای طـالب گنج قدیمی
ئوتوبن طوطی گیبی سن قفسدن
رفیقین خلوتینده درده بنزر
1705 چو سالدین آریا بو شب چیراغی،
(۶۳۲) وجود، اول جزء دور فرد یگانه
دگیل موجود کل، بنزر خیاله
(۶۳۳) بو جزء موجود دور، معدوم دگیلیدیر
(۶۳۴) گورونور ظاهراً موجود کثرت
1710 همان بیر جزء وحدت وار بو کل ده
(۶۳۵) چون اولدو کثرت ایله کل مصور
(۶۳۶) بو جزء پئیدا اولار تا مشهیدینده
(۶۳۷) وجود واجب اول جزء دور حقیقت
(۶۳۸) بو جزء اولور کله هر لحظه ناقص
1715 بو کل جزء دور آلبیدیر چون وجودی

- (۶۳۹) بو دیرلیکدن اولان وارلیق عَرَضدیر
(۶۴۰) عرض بالذات مشرفدیر زواله
(۶۴۱) بو کلدن هر نه جزء کیم اول کم اولور
1720 جهان اول کل دورور کیم طرفه العین
یثنه پئیدا ائدر حق بو جهانی،
جهانی کوهنه پیرین حالین ائشیت
(۶۴۳) کی آنلا بسو جهانی، کوهنه پیری،
(۶۴۴) ایکی دمده جهان کیمسه گلمز
(۶۴۵) بونو سن اول قیامت گونو سانما
1725 بونا یوم عمل دئرلر، همیندیر
(۶۴۶) بوگوندور اول گونو فرق ائیله زنهار
(۶۴۷) بو تفصیل و اول اجماله نظر قیل
(۶۴۸) کی هر ساعتده ئولور دیرلر
جهان، باری ازلدن حالی بودور
1730 بو تمثیل ائتدیگیم تفهیم ایچوندور

[تمثیل]

- آنین چین لازم موت و مرصدیر
کی بیر دمده دؤنرمین دورلو حاله
عدمه کل وجودی درهم اولور
عدم اولار و «لایبقی» زمانین
یارادار یو زمین و آسمانی
کی هر بیر دمده اولور یثنی ایگید
اولور هر دمده بونون حشر نشری
کیمه اولدوغو دم یئتیشسه ئولمز
«بونو ئولدور»، دئینلره اینانما
بونا بسزهریمز اول یوم دیندیر
آلا بیلیمز اولان کوفره گیرفتار
بو روزه، بو مه و ساله نظر قیل
گهی طاعت قیلار، گاهی داریلار
کی هر کل اولانین، امثالی بودور
عقول اطفالینا تعلیم ایچوندور

- بو صحرادا، او طفده بیشه لر وار
بولارین نئچه لرینه گلن توش
بو صحرادا قویون گیبی ئورولدون
قاچا - قاچا دیریلی و طفیله
1735 آنا بنزر بو دیری لیک، بو ئولمک
سنین چین حق یاراتدی بو جانی
جهان بیر شخص گیبیدیر معین
(۶۵۰) نه کیم یاراتدیس حق بو جهاندا
(۶۵۲) اولار انسانین اوج دورلو مماتی
1740 (۶۵۳) ایکینجی سی ئولومدن اختیاری
(۶۵۴) اوکیم چون دیرلیگه اولدو مقابیل
گورورسن اوشبو اوج دورلو مماتی
(۶۵۵) جهانین اختیاری مرگی اولماز

- پلنگ و ببردن اندیشه لر وار
خیلاص اولماز گر اولار سا اوچان قوش
ئوکوش آشاغی یوخاری سورولدون
جله قوردوندان اوش گیردین غفیله
کی باغلا یا بیر ایپده ایکی ایلمک
ستین چین قویدو مرگ و زنده گانی
سن آنا جان گیبی سن اول سنه تن
قو[ی]دو آنین میثالین جمله سنده
بیری اول کیم اولار بر حسب ذاتی
اوجونوجوسو ئولومدن اضطرای
اولور اوج دیرلیک اوج منزله حاصل
مقابیل اونا اوج دورلو حیاتی
بو جنتده جهانین برگی سولماز

سینیدیر اختیاری مرگ تنها
 جهان هر لحظه ده اولار مبدل 1745(۶۵۶)
 قاچان جان نزعینه کیم دوشر انسان
 بدن وقتی کی مشرف اولدو موته
 پس اولار گوی گیبی و یتر گیبی تن ۱۶۵۸)
 سیاره لر گیبی حسلر گورونور
 گونش گیبی گورونر جان چیخینجاق 1750
 سوموکلرین داغا بنزر بدنده
 بیتن قیللار تیننده تخته - تخته
 بدن تیتیرر ثولومدن بیر ندامت ۱۶۶۰)
 دماغ آشوفته و جان تیره اولار ۱۶۶۱)
 مشامین درده دولار مثل دریا 1755(۶۶۲)
 کی جان وئرمکه حالین بونا بنزر ۱۶۶۳)
 چون ثولوم شربتین ایچیره ساقی ۱۶۶۴)
 ثولنلر جمله بو جان آجیسیندان
 ایریشر حقدن اولدم جانه فرمان
 دوشه جان یئرلرینه لرزه و تب 1760(۶۶۵)
 بو رسم ایله اولار احوال عالم ۱۶۶۶)
 بقا حقیقتدورور، مجموع فانی ۱۶۶۷)
 ائشیدنلره بو سیردن خبر وئر،
 بو خلقین حالی ایچون حق وئریدی ۱۶۶۸)
 ربوده اولما نقشینه بو لؤنین 1765
 بشر فانی اولوب قوپماق گیبیدیر ۱۶۶۸)
 همیشه یارادیلار خلق یثنی ۱۶۶۹)
 بو خلق اوزره سریلیر حقین امری ۱۶۷۱)
 همیشه فیض فضل حق تعالی ۱۶۷۲)
 جهان هر لحظه ده اولدو قجا تبدیل 1770(۶۷۳)
 جهان خود دنیا طووروندان بوشانار ۱۶۷۳)
 بقا بولار بو کل کیم عالم ایدی
 جهاندا هر نه کیم مشهود ایسه، هپ، ۱۶۷۴)

بولارین هر بیر ایکی جهانیدیر ۱۶۷۳)
 1775 بیر دوتیا دیر و بیرسی عقبا
 فراق ایرر بو ثولکده وصاله
 اولار قاچان ایسه بو ملک فراقی ۱۶۷۵)
 مظاهره چو پئیدا اولدو مظاهیر ۱۶۷۶)
 کی هر مظهر بیر آتیدیر مؤؤل ۱۶۷۶)
 بو دئدیگیم مظاهیر دیر خلایق 1780
 گر اولدوشقی [و] اولدوسا کیشی
 سعید ایسه، سعادتدن علامت،
 سونو خئیر ایسه، شری سورولر هپ
 سونو گر شر ایسه، خئیری کسیر 1785
 بیان ائدم سنه بو حالی آخر ۱۶۷۷)
 بقا آدی وجودا قویولوبدور،
 کی بو ممکن ده اول ممکن گیبیدیر
 نه ایش کیم سنده وار، بالقوه داییم ۱۶۷۷)
 قامو بالفعل اول عالمده، یارا! 1790
 یثنه بیر قاعده قویدوم بو حاله

قاعده

سنه دوکان گیبی وئرلیدی بو تن
 بو دوکانی کی سن آلدین کیرایلا
 چیخارارلار قاچان کیم ایرسه وعده
 بو وعده عؤمردور کی آخر اولار 1795
 بو دوکانی کیم آلدین کونجو واریدیر
 الینده یکن قازا کؤنول بو کؤنوجو
 چیخارماسینلار آتی سن چیخینجاق
 حقی بو تنده یثیکن بیل دیلکدیر ۱۶۷۹)
 هر ایش کیم سندن اول اولدو چو صادر ۱۸۰۰(۶۸۰)
 اگر اول فعل نفع اولسون اگر ضرر
 اولار اول حاللار خو عادتیه ۱۶۸۱)

کی بوندان رنجبرلیک ائده سن، سن.
 ساقین ایسته ینه تاپشیرما ثویله
 نه واخت نحسه باخارلار نه سعده
 حواله موتدور کیم حاضیر اولار
 بو کونج ایچینه گیزی گنجی واریدیر
 چیخارارلار کونج ایچینه کی گنجی
 ندامت یئرسن آردینجا باخینجاق
 حقیقت سنده یثیکن بول دئمکدیر
 نچه کز اولدون اول ایش اوزره قادر
 سنن نفیسینه اولار اول مدخر،
 اولار خوشبو یئمیشلر مدتیه

(۶۸۲) بو صنعتلر کی واردیر [صد] هزاران
 (۶۸۱) هزاران پیشه ترتیب ائتدی آندان
 (۶۸۲) قامو افعالین اقوالین کی واردیر
 1805 قامو محشرده پییدا اولوساردیر
 چون عریان اولا جان تن کؤینگیندن
 اولا جیسمین ولاکین بی کدورت
 عناصر ثقلین قورماز گؤزونده
 بو تن آئینه گیبی شکل اورونر
 1810 (۶۸۶) هپ آندا روشن اولوسار ضمائر
 کشیده ایی - یاووز خو، کی واردیر
 بوخولار اولوسار یارین مصور
 (۶۸۷) قامو اخلاق و اندام اولوساردیر
 (۶۸۸) نیته کیم بوندا عنصر قوه تیندن
 1815 بو رسمه تامودا، اوچماقدا بایق
 قامو اخلاق هر بیر شخصه نسبت
 (۶۸۹) کیمینه نوردان بیر صورت اولار
 (۶۹۰) اولار آئینه لر صافی، توزوندان
 بسو حال اوزره قیلار اشیاء بالغ
 (۶۹۱) 1820 کی دار آخرتدیر دار حئیوان
 اولار عزرائیل آندا ئولوم اولماز
 دیله گلر داغی، داشی، نباتی،
 (۶۹۲) اولار باش و آباق، گؤز نیته کیم دل
 (۶۹۳) قیلار حق نوری حق اوزره تجلی
 1825 گورونر حق دولو آی گیبی یارین
 نصیب اولوب اگر گورور سک آنی
 (۶۹۴) حقین چین گورهنین آندا آلاسان
 تماشا باقی و دیدار باقی
 (۶۹۵) «سقاهم ربهم» کیم حق بویوردو،
 1830 طهور ایله حق ئوندو اول شرابی
 بودور شربت بودور لذت، بودور ذوق
 (۶۹۶)

قاموسون ائتدی حاصل جملة، انسان
 ئوکوش اندیشه ترکیب ائتدی آندان
 مدخر سنده هر حالین کی واردیر
 کیمینه قطره دریا اولوساردیر
 اولا عثیب و هونر اول دمده روشن
 دورور سو کیمی کیم گؤستره صورت
 لطافت کسب ائدر جان درگزینده
 کیم اوچماق و تامو آندا گورونر
 بونو دئر آیت «تُبلی السرائر»
 تامو - اوچماق نیشانلاری بولاردیر
 مکدر کیمیمی کیمی متور
 قامو اشخاص و اجسام اولو ساردیر
 بو اوچ مولود دوغدو صوره تیندن
 بدن اولار مقامینا موافیق
 توتار جان عالمینده نقش صورت
 کیمینه ناردان بیر کسوت اولار
 تعین گؤتورولر وارلیق اوزوندن
 نه آچاقلیق قالار، نه خود او جالیق
 بویانار آندا بیر رنگه تن و جان
 قیلار بوندا ئولوم اول ایله وارماز
 اولار جیسمینده قامونون حیاتی
 بو ظولمتدن اریسر صورت گل
 گورونر بی جهت تانری تعالی
 قوماز جان و کونولده شبهه وارین
 اوروبن بیر-بیرینه دو جهانی
 نه دئییم کیم نه اسریکلیک قیلارسان
 شراب عشق باقی، یار باقی
 سولاردان آییلا دیردی بو دوردو
 کی نوش ائتمکده دیر آنین ثوابی
 بودور حثیرت، بودور صحبت، بودور شوق

(۶۹۷) دم اول دمدر کی بیز بیهوش اولاریق
 (۶۹۸) نه دین، نه عقل و نه تقوا، نه ادراک،
 (۶۹۹) بهشت و حور اول جنتده سیغماز
 1835 یوزون گور، باده نوش ائت آی خماری
 وصالی باده نین آچدین یولوندا
 (۷۰۰) بو عقل آغلار و جان مجنون اولوبدور
 مدد ایستهریز، اوش قالدیق مددسین

غنی و مطلق و درویش اولاریق
 بیخیلمیش مست خاک اوستونه بی پاک
 کیم اول بیگانه بو صحبتده سیغماز
 نولارسا اولا اونندان سونرا باری
 خمار ائتدی اوش اسریکلیک یولوندا
 بو اندیشه ده دل پر خون اولوبدور
 اومود ایستهریز حقدن اوش عددسین

[سؤال]

1840 عدمده کؤلگه یه بنزر بو عالم
 قاراقولوق سراسیدیر خرابه
 هوا گیبیدی بو صحرا عدمده
 ازل علمیه وار ایدی وجودی
 «لدن» بحرینده چون کیم شبنم ایدی
 حقین علمینده عالم ظاهر ایدی
 1845 بو عالم حقله بیرلیکده یئی کن
 (۷۰۲) نجه حقدن بو عالم آیری دوشدو
 ایکیلیک رنگی ایله توتدو رونق
 بیان ائیله مالین بو سؤالین
 بویوزدن بیزه گؤستر آشینالیق

ولی خارجده وارلیغی گیبی کم
 وجودی ئویکونور ایدی سرابه
 ولیکن اصل وار ایدی قیدمده
 بو وصفیه رسومیدی حدودی
 آنین موجیه هر دم همدم ایدی
 یساراتماغا بونو حق قادر ایدی
 ئولومسوز مولکدو دیرلیکده یئی کن
 فنا آدین توخوندو سایی دوشدو
 بونا عالم دئدیلر و آنا حق
 منه بیلدیرگیل اصلین بو خیالین
 دئدیلر آشینالیق روشنالیق

[جواب]

1850 بقا اقلیمینه یوخدور نهایت
 بو اوضاع و بو الوان و بو اشکال
 بو اجزاء و بو تفصیل و بو ترکیب
 داخی عالمده یوخ ایکن ایچ و تاش
 حقین علمینده معلوم ایدی عالم
 1855 معانیده ئوکوش واردیر ظهورات
 بو عالم یوخ ایکن، حق آندا ایدی
 رسولا دئدیلر کیم شاه عالم

ائشیت اول ممکناتدان بیر حکایت
 کی باخینجاق گورونر سنه فی الحال
 بو احوال و بو اقوال و بو ترتیب
 بولاری حق بیلیریدی باشا باش
 ولی بو رسمه معدوم ایدی آدم
 کیم آنا گوره آندان گورونور ذات
 نه عالمده، نه انس و جاندا ایدی
 یارادیلما میش ایکن اشبو عالم

نړه ده پدی؟ بو بیر تانری تعالی
دئدی کیم اولور ایدی اول عماده
1860 یوخ ایدی فوق تختینده هوا هئچ
عما اول یوفقاجیق یولوندا دوزلر
صیفاتیندا یئدی ذاتی دئمکدیر
ثوکوش عالمرا ایسی اول خدادیر
(۷۰۳) بو عالم یوخ ایکن حق آندا ایدی
1865 همان اولکی گیبیدی بو عالم
حقین خود وارلیغیندا دیر بقاسی
بو عالم مستقل دائیم دگیلیدیر
(۷۰۴) بونو تشبیه ائتمیشدیر خردمند
جهان حق سیز قورو بیر آدو ساندر
1870 (۷۰۵) عدم موجود اولماز هیچ دمده
حقین هرگیز وجودی زایل اولماز
وجودی گورورن وارلیق یوزوندن
گتیر بو معنایا اقرار و ایمان
(۷۰۶) نه اول بو اولور و نه بو اولور اول
1875 (۷۰۷) جهانین دیلده واردیر آدی سانی،
(۷۰۷) همان بیر نقطه گیبیدیر میثالی،
(۷۰۸) قاچان دؤور ائيله به چک صورتیندن
(۷۰۹) نیته کیم بو ساغیشلار بی عدد دیر
وجودون هر عدد آلیس احددن
1880 اگر بیردیر، اگر اوندور، اگر یوز،
سنه اول حاصیل اولدو بو مثلدن
(۷۱۰) قو[ی] حقدن عز کیم اشبو جهاندر
گل ایستدی فرق ائيله بونو آندان
(۷۱۱) کی عالم وارلیغی بنزر خیالا
1885 دئنیلدی نیجه کز اشبو مقالت
عدم وارلیق گیبی چون اولدو یکتا
بویانیدیر بو عالم دورلو رنگه

جمالی قاندا ائیلردی تجلی؟
آنین ذاتی همیشه دیر بقاده
دگیلیدر منقطع فیض عطا هئچ
کی گزلیدیر بو سؤزده گیزلی سؤزلر
داخی ایلری وارما، بوندا دنگدیر
آنا تعطیل اولماق نه روادیر
نه عالمده، نه انس و جاندا ایدی
حقه نسبت بودور، الله اعلم
بونو حقانی عین ايله لیساقی
وجودی کنیدین قائیم دگیلیدر
کی بو عالم دورور عنقایا مانند
بونون وارلیغی «وار» دئمک یالاندیر
وجودی خود مقرر دیر عدمده
بونو گومانلی کونول قایل اولماز
مسئله دیر جناحی خلق ایزیندن
کی بو مشکل لر اولسون سنه آسان
نئچه یئرده دئییلدی بو سنه، بول!
کیم آندا اعتبار ائیلرلر آتی.
کی دؤور ائتمکده اولور دورلو حالی
قوپار دائره آنین سورعتیندن
همان معدود آرادا احددیر
کیشی اولماز عدد هرگیز احددن
سیغیشلار جمله بیردیر، بیرده دیر سؤز
کی عالم وارلیغیدی بو قیبلدن
کی وارلیغی بونون ریب و گوماندر
تمیز ائيله بو [...] حقّی جهاندر
کی بیر دمده دؤنر مین دورلو حالا
کی بیرلیکده ایکیلیکدیر ضلالت
قامو کثرت نسبدن اولدو پئیدا
چکیلمیشدیر ولی هر بیر تنگه

ظهورات ايله کثرت اختلافی
بولونالون اشیاء و بو آثار
1890 (۷۱۴) وجودی هر بیرینین اولدو واحد
بیر ائشیت، بیرکده، بیر سؤیله، بیر بیل
کونول صاندیغی ایچینده بو رازی

اولور بو عالم اولدوغونجا صافی
نه دیر ظنّ خیال و وهم و پندار
حقین بیرلیگینه اولماغا شاهد
گسورنمدهن سنه داغ گیبیدیر قیل
نهان ائيله [...] قوی طرازی

[سؤال]

تماشا ائيله گیل خوش عاشیقانه
سراپرده توتولموشدور دورنگی
1895 دوتار اول رنگی زرین طوق الینده
گیرب رنگین لیاسا خوب و نازیک
کعباده یانلیغی اولدوزلو جوشن
یئر بزمینده بیر شمع شب افروز
قاچان موج اورسا دریای سیاهی
1900 حبشیدن لشکری وار ائلرلر آلا
گه آلا میزون باغلار بئلینه
دوشورور واراغین گاهی کنارا
گهی کعبه گیبی اولار سیه پوش
بو پرده لر کی دورلودور نقوشه
1905 هوس اهلی کئچر هر دم هوايه
بو نقشین بیر آدم صورتیدیر
بو صورتده یازیلیمیشدیر خط و خال
آنین کیم علم باسمیش اولاه جلی
(۷۱۵) گلر بو رسمه بونلاردان عیبارت
1910 (۷۱۶) بولار رمز ائتدیگی نه چشم و لیدیر
منه بیلدیری وئرگیل بو رموزی

کی یارانیش نیگاریندیر بو خانه
بیری رومی صیفتدیر، بیری زنگی
دوزولموش اینجیلر ساغ [و] سولوندا
کئچیرمیشدیر قولونا بیر بیلایک
آتی نعلیندن اولور گون روشن
کیم آندان قدر آلیس عید ايله نوروز
گؤهرلر توتار ائتمز نیله ماهی
قوشادار داغ و داشی یوللار آلا
گهی ده داش آلا آلتون الینه
گهی سالار اوراغین سبزه زارا
جهان گه دولار آندان گه اولار بوش
گلر باخان کیشی نین کونلو جوشه
ساناسان ایرگورر دردون دوايه
کی قامو صورتین بو زیستی دیر
آلا گؤز و قاراقاش و بنیزال
مقال اهلی اولاه حال اهلی
اولار زلف و خط و خالا اشارت
بو لب بو چشم سه یاولاق عجب دیر
کی نه دیر بو طلیسماتین کنوزی؟

[جواب]

چو سرسبز اولدو برگ لاجوردی
سمن شعله لی و لعلین عرقلی
جهان باغینا زیست وئردی وردی
منور ساییلی زرین ورقلی

مرصع ئورتولو بنزر عروسه
 نیگارسیم ساعید زرفشان اول
 1915 دم طاووسا بنزر جیلوه گردیر
 قیزیل بایراقلی [و] سمین عمللی
 لیفاسی رومی و تورکی قافاسی
 قسارنقولوق چیراغیدیر وجودی
 1920 سؤال ائتدین منه آغیل جوابی
 چو دوغدو اول جهانین آفتابی
 (۷۱۶) چو عالم جمله ی صورت یازلمیش
 (۷۱۷) کیمی خورشید چوهره، کیمی مهرو،
 (۷۱۹) حقین واردیر جمالی و جلالی
 1925 جمالینی جلالی گؤزلر آنین
 میثالی دیر جمالی زولف سرکش
 بو رخسار و بو زولفون وارحبیبی
 چو بیلدین زولف ایله رخساری، آغیل
 (۷۲۱) ائشیت ای یاکفی گل سرو آزاد
 1930 گوروب ائشیتدیگین الفاظ مجموع
 (۷۲۲) کی معنی عالمیدیر بی نهایت
 (۷۲۳) نه معنی ذوق ایله کیم اولدو ظاهر
 (۷۲۴) کی اول لفظ ایله تعبیر اولآ آندان

[تحقیق]

دخی تحقیقی ائشیت محرمیندن
 1935(۷۲۵) حقیقتده همان سایه گیبی دیر
 بو حرف لام، زی و فی کی واردیر
 ازله معنی ایچون قونولوبدور
 مجازیدیر بو الفاظ اوش بو یئرده
 قالانین بونلارا گؤره قیاس ائت،
 1940 آریسندی معنی اشبو لفظ ئونون
 قاچان کیم ایلده سک بو لفظی تأویل

(۷۲۶)

قودو محسوسه بو لفظی بو نامی

بو محسوساتا خاص اولدوغو معنی
 او آج گؤز سوزه بنزر، یانیلار اول

1945

بو الفاظی معانیدن آلیب هپ

(۷۲۷)

گوروندو بونلارا عاغلین جهانی

(۷۲۸)

قاچان کیم لفظ معنی اولدو نازل

(۷۲۹)

کیم ائده یئرلی یئرینه رعایت

1950(۷۳۰)

دگیل تشبیه کلی چونکی ممکن

(۷۳۱)

کیم ایسه بورادا توتماز سنه دق

(۶۳۲)

ولیکن شرعه هر نه عیبارت

(۷۳۳)

نجه کی شرع ایزندن چیخمایسان

1955

وئریدیر شرع اوج حالتده رخصت

نه صادر اولآ آندان عفو ائدرلر

1960

بیری بو کیم کیشی اولسا فتاده

فنا اولار کیم آنین اختیاری

ایکینجی سی بو کیم سالیق عیبادت

کی مست اولآ و کندیندن دولونا

مخالیف فعل و قول اولورسا آندان

1965

یوخ اول حالتده آنین اختیاری

اوچونجوسو بودور کیم حق ائتسه

سئو حق اونو و محبوب ائدینه

بیله اول قول داخی کیم حق تعالی

(۷۳۴)

محبت اولا ارلرده محقق

حقه ناز ائده اول سئوگی اوزوندن

حقین قاتیندا هپ مغرور اولار

.....

(۷۳۵)

سخن تقلید ائدین اولما کافیر

هوس ایلن قییارسان گیبی اورما

1970

سنی سن بلیرایسن کیم نه ای سن

نه سالارسان قورویئرده باشینی

نه بیلین کیم نه دیر معنی یی عامی

بو عرف عام ایچینده دیر بو یعنی

دوه دؤیدو گونو سامان سانار اول

بو محسوساتا قویدولار مرتب

بونو وئردیلر الفاظ معانی

تناسب گؤزله دی و دوردو عاقیل

بوتون جهدینه سعی ائتدی به غایت

اول آنی جست و جو ائتمکده ساکین

کی تاموسونا بو حقدیر قیلان حق

گلیرسه، ائیه مک گرک رعایت

حق قویوب هوایا قاخمایسان

اولورسا واقع اول حالت ضرورت

دیریلین، اونایولار گئدرلر

وجودی محو اولار حکم خداده

حقین اولار قامو وجه ایله باری

قیلار کن واقع اولسا اشبو حالت

بیر ئوزگه عالم ایچینده بولونا

خبرسیز اولسا اوچماقدا زیاندان

حق امرینه دیر آنین جمله واری

نه وجه ایله کیم اولورسا بیلینسه

توتوندورا اونو رحمت سیرینه

محبتله آنآ ائیلر تجلی

سنین اولآ و اول آنین اولآ حق

نه کیم صادر اولآ آنین سؤزوندن

آنین ایچون حقیقی قول اولار

ایبی گول توپراغا گوم سنی سینده

نه کیم اولورسا سؤیله مه فیرافیر

دوغورما و ... گیبی اورما

بیلیرلنمه کی خلقین کمتری سن

بیلیر حق جمله ایچینی، دیشینی

- (۷۳۶) حقیقتده مجازی حال اولماز
خاست اولسا سالیکنده حقیقت
کی [...] وئرمک شرع رازین
1975 اورانماز اهل گلخن تاج شاهی
دونوز بونونا سان کیم گؤرر آیدین
(۷۳۶) سؤزودور راست تحقیقی اولاتین
بو حال ایله اولار، قال ایله اولماز
بو کی حقایق کشف اولماق گرکدیر
1980 کفایت ائیلمز تصدیق تنها
کی بوندا ئوزگه [...] خدادیر
(۷۳۸) نظر ائت وضع الفاظ و معانی
بوراخوری بو سؤزلر عقل و نقله
حقین قوللوغونا اولغیل ملازم
1985(۷۳۸) معانی یه چو بیلدین یوخ نهایت
(۷۳۹) قامو الفاظ ایریشیر انتهایه
[...] ئوز بیلدیگیندن کیمسه ییغماز
(۷۴۰) [...] بروجه خاصی
بصیر اولدور، سمیع اولدور، ده سؤیله
1990 ئوکوش وجه ایله تنزیه ائیله گیل دون
نه میثلی وار در، نه ده وزیر
(۷۴۱) گر اولار سا عینایت حق چلبدن

[گؤزه و دوداغا اشاره]

- بویورموشدور منه بیر عشق پیری
خبردار اول بو غامض معرفتدن
1995 بو چشم آندان حکایت ائیلر آنجاق
محقق لر کلامه «لب» دئییدیر
ایکی لب گیبی دیر بو کاف و بونون
بولار ایکی صیفیدیر حقه بایق
بو ایکی وصفی قویدوم وصف سنا
کی وار دیرر آتین اسم بصیری
کنایت بیل بو چشمی اول صیفتدن
آتین وصفین روایت ائیلر آنجاق
کلامه لب آدین بونلار وئریدیر
بولاردان صادر اولور دُر مکنون
تفسیر احادیث مرافق
کیم اوخونا بو ایکی فصل سنا

- 2000 بری گل، ایندی اول چشمه نظر قیل
گؤره گیبیدیر اول شاهد یوزوندن
رعایت قیل آتی یئرلی یئرینجه
بو شهلا چشمه دورلولال قاندان
قامو آندادیریر سندن جدادیر
«ولی» گؤر بونو اول قاندان حذر قیل
کی اورکلر یانار آتین گؤزوندن
ادب سیز لیک ادب آتی یارینجا
کی قوپار صیریلیق، شوخوشلوق آندان
کی خوب آئینهی وجه خدادیر

[خاتمه]

- 2005 دوزلتمدیم بو کلام دلگشایی
کی بیلیمزدیم صفا بزمینده نوشی
نظر ائتدی منه اول حضرت پاک
کی برقع گئدیجک اول آی اوزوندن
تأسفله یئدیم غملر او حالت
2010 قلم محروم مغبون بو دمه دک
گؤروب محروم لوغومو اول حبیبی
عبیر عطری بیگی ماء وردی
لذیذ ایدی شکردن بالدان آری
ایچیب سویونو یاندیم آتشین
2015 اول آتش شمعدیر یاغی چکرلر
دلی اول دلربایه نئده ری گؤر
دخی اول نوشدندیریر طعامیم
بو نو یان خلق ایچون دوزلتمه دیم من
«ولی» باد معانی قال[خ]ایب آشدی
2020 بو حال ایله منی مودود ائیله
ممعین مرشدین و رهنمایی
دخی اول نوش ایله جوش و خروشی
یئریم خاک ایکن اولدو راس افلاک
گؤرنلر گئدر ایمیش کندوزوندن
کی فایت اولای ایتام بطالت
کی پرده اولای بنه یتمک ایچمک
بلالی دللرین حاذق طبیعی
رحیق ایله دولو پیمانه وئردی
سون آقساقلیغی آندیرمازدی قاری
نه دندیر سودا اول آتش آتشین
ئوزونو یاندیرارلار گئرچک ارلر
محبت شمعی او نئده ری گؤر
دخی اول حال ایله دیر بو کلامیم
بونون چون آخچا پول گؤزتمه دیم من
حقایق دُری بحر سیله داشدی
ایلاهی عاقبت «محمود» ائیله

تم

کتابه مصلح الدین بن ایوب
فی سنة النبویه المصطفویه
سبع و خمسين و تسمعانه
۹۵۷

بونو یازدیم یادگار اولمالق ایچون کاتبینی خئیر ایله آنماق ایچون
تم وکل

- ۲۶- قامو Qamu: هامی. فارسجادا «همه» عوضلیگی، تورکجه میزدن آلینمیشدیر.
- ۲۷- لون (ع) رنگ، بویا.
- ۲۸- بیلش: تانیش
- ۳۱- اولوسار Olusar: اولماق» مصدریندن، اسکی آنادولو تورکجه سینده گله جک زامان فورماسی.
- ۴۴- همده مضمونو «اعراف» سوره سی نین ۵۴-نجو آیه سینده اشاره دیر.
- ۵۱- قیلاووز qılavuz: مرشد، یول گۆسترن، رهبر، معلم. «قولااق» و «گۆز» سۆزلری نین ترکیبی، اصلینده «نظارت» معناسیندا ایشلنمیشدیر.
- ۵۳- اول و آخر: بو حدیثه اشاره دیر: «كنت اول النبیین فی الخلق و آخرهم فی البعث». (احادیث مثنوی، ص ۱۱۱).
- ۵۸- ادعوالی الله: یوسف (ع) سوره سی نین ۱۰۸-نجی آیه سینده اشاره دیر.
- ۶۰- بیگی: گیبی، کیمی.
- ۷۶- سانیز: حساب ائتمک آنلامینا گلن «سانماق» مصدری نین دیلک فورماسی.
- ۸۵- غراب: قارقا، کلاغ. - دوردو dördü: «دورمک» مصدریندن، بلیرلی کئچمیش زامان فورماسی.
- ۸۸- سونقور Sunqur: ایتی، قیوراق و چوخ گۆزل آوچی قوشو. فارسجا و عربجه یه ده تورکجه میزدن گیرمیشدیر.
- ۹۶- دیغیر digir: توپلا، جمع ائیله. عقلی دیغیرماق: عاغیلی باشا ییغماق. فیکره و دوشونجه یه دالماق.
- ۱۰۶- هئیموا: متنده ایوه Eyvə
- ۱۰۹- کیچی kiçi: کیچیک، کوچک، کوچوک. - ایکن ikən: چوخ، لاپ چوخ.
- ۱۱۳- یاخیندا اللی یه ... گۆرونور کی شاعیر کیتابی قوشدوغو زامان، ۵۰ یاشیندا ایدی.
- ۱۱۶- سباحه: اوزوگونچولوک، دنیزه اوزومه قابلیتی.
- ۱۱۸- عتدلیب: بئله گۆرونور کسی شاعیرین عتدلیبدن قصدی، «شیخ محمود شبستری» دیر.
- ۱۲۰- ایسیسی issi: یشه سی، صاحبی - بوزورک buzuruk: بویوک. فارسجادا: بزرگ.
- ۱۲۲- یوغیدی: yogidi، «یوخ ایدی» ترکیبی نین اردبیل شیوه سی
- ۱۴۶- ایز iz: یول، جیغیر، سلک و طریق. - معرفت اهلینی ایزی: طریق اهل معرفت.
- ۱۵۷- ائیله دوگون eulədügün: «ائیله دیگین» سۆزونون اردبیل شیوه سی تلفظو. عئبرت:

۵. آچیقلامالار

- قیراقدکی سایلار، تورکجه متنین بیئتلی نین سایلاریدیر.
- هر یقنی ایضاح تیره خطی " - ایله آیرلمیشدیر.

- ۱- اوردو Urdu. ف. «اورماق» مصدریندن، وورماق معناسیندا.
- ۳- حُمرت: قیرمیز بویا-توتوق tutuq: پرده، بولود، افق.
- ۶- گوینده: فارسجا «گفتن» مصدری نین کۆکۆ، تورکجه میزدن کی گوپلاماق goplamaq سۆزوندن آلینمیشدیر. «دانیشماق» معناسیندا گلن بو مصدردن دوزلن فاعیلی صیفت «گوینده» سۆزو، تورکجه ده «شاعیر، اوزان و سۆز قوشان» آنلامیندا دیر. بیر چوخ صوفی شاعیرلریمیزین ده لقب و صیفتلری اولموشدور. اوجمله دن: «گوینده محمود»:
- دونیایا چوخ گلر سید و درویش هر گلن دئیر کیم: گل منی تانی
یائیلما، یوزولما، گوینده محمود! ارنلردن قالان ارکانی تانی
- ۷- شمن Şaman، یارادان، الله معناسیندا دیر.
- ۱۱- ایردی irdi «ایرمک» مصدریندن؛ یئتیشدی، چاتدی.
- ۱۴- یاغمور yağmur، یاغیش، سویاغیشی. «یاغماق» مصدریندن - قیدم (ع). قیدم سۆزو عَدم سۆزونون قارشیلیغی دیر - نون و کاف، بقره سوره سی نین ۱۱۷-نجی آیه سینده اشاره دیر.
- ۱۹- پورلندی pürülmək: غنچه آچماق، تورمو-جوقلانماق
- ۲۰- دؤولت dövlət: سعادت، خوشبختلیک.
- ۲۲- دوشورمک düşürmək: الماق

کنجکمک، عبور ائتمک. (لاهیجی/۵۳)

۱۵۹- علم منطق: انسان بو علمه یثیه لئرسه، دوشونجه ده و دلیل گتیرمه لرده سهو ائتمز. اونا شاعیر «علم میزان» دا دئییر. «تصور» و «تصدیق» بو علمین اساس بحثلریندن دیر.

۱۷۱- اثبیت انی: قصص سوره سی نین ۳۰-نجو آیه سینه اشاره دیر.

۱۷۵- حبل المتین [ع]: قیریلماز ایپ، اسلام شریعتی، قرآن.

۱۸۳- ند [ع]: مثیل، بزه، اوخشار، نظیر، تاری. ج. انداز. «فلا تجعلوا الله إنداداً»

۱۸۷- پینار: بولاق، چشمه، گۆزه، آخماجا.

۲۰۲- «فلسفی» و «حلولی» لیک، شبستری دوشونجه سینده رد اولور. لاهیجی ئوز شرحینده مسیحیلری، حضرت علی (ع) حاققیندا اولان اینانجلارینا گۆزه «حلولی» آدلاندیریر. (باخ. لاهیجی، ص ۷۵)

۲۰۹- اولوبودور فلسفی نین ... فلسفه چی نین گۆزو چئریدیر، یعنی اونون گۆزونده «اولاسی وارلیق» (= ممکن الوجود) باشقادیر، و «واجیب وارلیق» باشقا. حالبوکی حق بیر دیر، و او، چئری اولدوغو ایچون «معطل» اولموشدور. و بیر گئرجگی ایکی گۆرور. (باخ حکیم ملا عبدالله زنوزی کیتابی، ص ۵۲). - احوال: چئری، بیر ایکی گۆرن.

۲۱۰- اهل تشبیه: ذات و صیفتلرده آلاهی انسان کیمی تصور ائدیلر

۲۱۱- تناسخ: ناطیقه و روحون بدنن چیخدیقدان سونرا باشقا بدنه گیرمه سی دیر.

۲۱۲- اعتزال: معتزله فیرقه سی مکتبی نین آدی دیر. بو فیرقه ئوز اینانجلارینی اثبات ائتمه ایچون فلسفه دن یارالانیر، عقلی و نقلی بحثلره اوز گتیریر دیلر. بورادا شاعیر معتزله حالینی «گۆزسوز»ه بنزتمیشدیر. (باخ. حکیم عبدالله زنوزی، ص ۱۲)

۲۱۳- رمد: گۆز مرضلرینده بیر یسی کی گۆزو گۆرمکدن محروم ائدر.

۲۱۴- کلامی: کلامچیلار یالینز شریعتی ساخلاماغی و دینی اینانجلاری اثبات ائتمگی دوشونورلر. اونلار شرع اساسیندا وارلیغی تانیماغا اینانیرلار. (باخ. حکیم ملا عبدالله زنوزی/ص ۱۵)

- قارانو یا Qaranu و قارانقو: «قارانلیق».

۲۱۷- تعالی شأنه عما یقولن: «اسراء» سوره سی نین ۴۳-نجو آیه سی

۲۲۰- کئی kay: یاخش، یئی، ایی، اساسلی، محکم. بو سؤز فارسجا یادا گیرمیش کیکاوس، کیقباد کیمی آدلارین باشیندا گلیمیشدیر. - ئوکوش Öküş: چوخ، خئیلی.

۲۲۵- دیماغ [ع]: دماغ: بشیین. ج. ادمغه.

۲۳۰- بی محابا (= محابات - مص. [ع]: یاردیم ائتمک) یاردیم سیز، عدل و انصاف ایله حرکت.

۲۳۱- حقیق خلقینده «خلق» بورادا «اثرلر» آنلامیندادیر، فارسجا متنده «الی» جمعی اولان «آلاء» گنتمیشدیر: «در آلاء فکر کردن ...». بو نبوی حدیثه اشاره دیر کی: «تفکروا فی آلاء الله ولا تفکروا فی ذات الله». (فروزانفر، ص ۳۹)

۲۳۷- قارینداش: قارداش، بیر قاریندان اولان. - مئهر [ف. مهر]: گونش.

۲۳۹- لی مع الله بو نبوی حدیثدن آیینمیشدیر: «لی مع الله وقت لایسعی فیه ملک مقرب و لانیئ مرسل». (فروزانفر ص ۳۹)

۲۴۰- اشبو اشارت صیفتی. «بو» یثرینه ایشله نیر.

۲۴۱- فرشته نین یاخار هم پزو بالین معراج گنجه سی جبرائیل دئییر: «لو دنوت انملة لا حترقت». (لاهیجی، ص ۹۴)

۲۴۷- آب حیوان: آب حیات، یاشاییش سویو. روایتلره گۆر بو سودان ایچن ئولمز و حضرت خضر بو سودان ایچه بیلیمیشدیر. خضر سویودا دئییلر.

۲۴۸- ممکن [ع. ممکن] ائله بیر وارلیقدیر کی اونون وارلیغی و یوخلوغونا هئچ گرک یوخلدور. ممکن الوجود: اولاسی وارلیق (باخ. ملا عبدالله زنوزی، ص ۵۴)

۲۵۳- مجلا [ع]: المجلی: یاشین دالی بؤلومو. ج: مجال مشاهد [ع. مشاهد]: مشهد.

۲۵۵- بول bul: تاپ. «بولماق» مصدریندن.

۲۶۷- کنت کنزاً بو قدسی حدیثه اشاره دیر: «کنت کنزاً مخفياً فاحبیب ان اعراف، فخلقت الخلق لکی اعراف». (فروزانفر، ص ۲۹)

۲۸۳- اویهز üyaz و یا «اووهز» üvəz: آغجا قاناد

۲۸۴- حبی دل بو حدیثه اشاره دیر: «القلب بیت الله» (تمهیدات، ص ۲۳) و بو حدیث: «لا یسعی ارضی ولا سمائی و یسعی قلب عبدي المؤمن» (فروزانفر، ص ۲۶)

۳۰۰- دونانیر dōdnır: گئینیر - یرینیر yerinir: نیفرت ائدیر، پیسی گلیر، کدرله نیر - (م. ن. سهو اولاراق «گۆنه نیر» کیمی آنلامیشدیر). قونانیر qonandır: دایانیر، توقف ائدیر.

۳۰۳- بلیرمک Bəlirmək: آیدینلاشماق، معلوم اولماق، اوزه چیخماق بو بئیتده «ئون» و «سون» ترتیب ایله «ازل» و «ابد» آنلامیندا ایشلنمیشدیر.

۳۰۶- گۆرگو: منظر، محل نظر. - ایکینجی مصراع ترمیم اولدو، اصل: «سکا بو قاره کودنه اشتدک»

۳۰۹- سیمرخ و یا «عناق» قوشو، «قاف» داغیندا یاشایان ان بؤیوک قوش.

۳۰۹- أعراف [ع]: «عرف» سوزونون جمعی: اوجاثرلر. جنت و جهنم آراسیندا بیر یئر. «اعراف» سوره سی نین ۴۳-نجی آیه سینه اشاره دیر.

- ۳۱۱- «مالا تبصرون» «الحاقه» سوره سین نین ۳۹ نجو آیه سی.
- ۳۱۲- «جایبر سا» جابر صا، جابلسا و ... باتی بؤلگه سینده خیالی بیر شهر، «جایبر جا» و یا جابلغا ایسه دوغو بؤلگه سینده خیالی بیر شهر آدیدرلار.
- ۳۱۳- مغارب قانی و ... «معارج» سوره سی نین ۴۰ نجی و «اعراف» سوره سی نین ۱۳۷-نجی آیه لرینه اشاره دیر.
- ۳۱۵- وار آنلا پیغمبرین عمی اوغلو «عبدالله بن عباس»ین «طلاق» سوره سی نین ۱۲-نجی آیه سی تفسیرینده کی سؤزونه اشاره دیر کی: «من بو آیه نین تفسیرینده سؤز آجسام، منی داشا باسارلار و یا ان آزی منه کافیر دئیرلر.» (لاهیجی، ص ۱۳۷)
- ۳۱۷- غمز [ع. مص.]: قاش گؤز ایله اشاره ائتمک، گؤز وورماق، بیر سیرری فاش ائتمک.
- ۳۱۸- تانیق: شاهد، گواه، شهادت وئرن.
- ۳۲۶- پشم رنگین «القارعه» سوره سی نین ۵-نجی آیه سینده اشاره دیر.
- ۳۲۸- اوس US: عقل، خرد، درمان، نتیجه.
- ۳۳۲- مدبر [ع.]: «ادبار» سؤزوندن، بدبخت و یازیق.
- ۳۳۷- قفا چئویرمک: اعتناسیزلیق، سایمازلیق.
- ۳۳۸- تاشرا taşra: دیشرا، دیشاری، دیشقار و ... ائتشیك.
- ۳۳۹- عجایز «علیکم بدین العجایز» نبوی حدیثینه اشاره دیر. (فروزانفر، ص ۲۲۵)
- ۳۴۰- ناقصات عقل و دین «هن ناقصات العقل و الدین» نبوی حدیثینه اشاره دیر. (لاهیجی، ص ۱۴۴)
- ۳۴۳- خلیل: حضرت ابراهیم خلیل الله پیغمبر.
- ۳۴۶- لا احب الاقلین «انعام» سوره سی نین ۷۶-نجی آیه سینده اشاره دیر.
- ۳۴۸- موسایی «قصص» سوره سی نین ۳۰-نجی آیه سینده اشاره دیر.
- ۳۵۰- «ارنی»، «لن ترانی»، «اعراف» سوره سی نین ۱۴۳-نجی آیه سینده اشاره دیر.
- ۳۵۳- «ایریمک» و «ایریشمک»، چاتماق، اولاشماق و اصیل اولماق آنلامیندادیر. «ایران» و «ایرج» سؤزجوکلری ده همین مصدر دندیر، نتیجه کی «توران» و «تورج» سؤزلری «تورماق» مصدریندن ایریلمیشلار. (باخ: ب ۱۱)
- ۳۵۷- ام هانی پیغمبر حضرتلری معراج گنجه سی «ام هانی» ائویندن معراجا گئیدی.
- ۳۵۸- من رآنی همین گنجه پیغمبر بویوردو: «من رآنی، فقد رای الحق». (فروزانفر، ص ۶۳)
- ۳۵۹- قاب قوسین «النجم» سوره سی نین ۸ و ۹ نجو آیه لرینه اشاره دیر.
- ۳۶۰- کماهی بو نبوی حدیثه: «الهم ارنا الاشياء کماهی» اشاره دیر. (تمهیدات، ص ۴۳)

- ۳۶۹- آیه الکرسی: «الله لا اله الا هو الحي و القيوم» ایله باشلانان «بقرة» سوره سی نین ۲۵۵-نجی آیه سی نین آدی دیر. همده ۸-نجی فلکین آدی دیر. باشقا آدی «کورسو» دور.
- ۳۷۰- سبع المثانی یئددی آیه سی اولان «فاتحة الكتاب» سوره سینده و گؤیده کی یئددی فلکه اشاره دیر.
- ۳۷۲- جرم سه مولود جماد، نبات و حیوان قصد ائدیلیر. (لاهیجی، ص ۱۶۶)
- ۳۷۴- ارکان طبایع، ارکان: «دؤرد عنصر» طبایع: «قان، بلغم، صفرا و سودا» دیر. (لاهیجی، ص ۱۶۷)
- ۳۷۹- «عرش رحمان» ۹-نجو فلک آدیدیر، اونا «فلک افلاک» دا دئییلیر. «فرقان» سوره سی نین ۵۹-نجو آیه سینده اشاره دیر.
- ۳۸۰- آدادی adadi: آد قویدو، آدلاندیریدی.
- ۳۹۱- دولاب: قویودان سوچکمه ایچون ایشله دیلن بیر جهاز.
- ۳۹۲- دؤر: دؤنگو، بیر زادین باشقا زادا محتاج اولماسی واسطه لی و یا واسطه سیز و یا واسطه لر ایله و اونون دا یئنه همان زادا محتاج اولماسی دیر. (حکیم ملا عبدالله زنوزی، ص ۶۲)
- ۳۹۵- ساغیش sağış: سای، عدد، مقدار، حساب.
- ۴۰۶- واریسی varisi: هامیسی، بو اصطلاح، ایندیده قاشقایی شیوه سینده ایشله نیر.
- ۴۱۲- عرجون قدیم «یس» سوره سی نین ۳۹-نجو آیه سی: «والقمر قدرنا منازل حتی عاد کالعرجون القدیم»
- ۴۱۴- کی باطیل یارادیلما میشدیر اشیاء. «ما خلقت هذا باطلا»، «ما خلقنا السموات و الارض لابعین ما خلقنا هما الا بالحق»
- ۴۱۵- گومانندان «صاد» سوره سی نین ۲۷-نجی آیه سینده اشاره دیر: ظَنُّ الَّذِينَ ...
- ۴۳۹- یاساق yasaq: قانون، حکم، حریم، امر.
- ۴۴۳- اوج مولود: جماد، نبات، حیوان
- ۴۴۴- دؤرد دایه، دؤرد عنصر: سو، اود، یئل و توپراق،
- ۴۴۵- هیولا [ع.]: یارادیلشیمین ایلک و توزه ک ماده سی، گره کلیک، اولاسیزلیق و اولاسییلیق اؤچلوگونه بؤلونن توزه ک. (حکیم ملا عبدالله زنوزی، ص ۴۸)
- ۴۴۶- سئر: نظره گلیرکی دویموش آنلامیندا اولان «سیر» سؤزونون تورکجه تلفظ دور.
- ۴۴۹- سونسوزلوق: ابدیت، نهایت. ئونو و سونو اولمایان زامان. سونراسیز زامان. (حکیم ملا عبدالله زنوزی، ص ۴۶)

- ۴۵۸- ظلومی و جهولی: ظلم کارلیق و بیلک سیزلیک. «احزاب» سوره سی نین ۷۲-نجی آیه سینه اشاره دیر.
- ۴۹۳- سوکوک: سوموک، سینیر: عصب
- ۵۰۴- گیریک: مدخل، ورودی.
- ۵۱۶- یلید: گنج، قانماز، دوشونمز
- ۵۲۶- آیییدی ayıdı: توضیح. I nüdrgilh
- ۵۳۴- اقداح [ع]: کاسالار، قبالار. ج: قلع
- ۵۳۵- مصباح [ع]: چیراغ. صبحی شرابی ایچمک ایچون قاب.
- ۵۳۸- یادللق: بیگانه لیک، اجنبی لیک - بیللیک: آشناللق، تانیشلق - سمریهک: کؤکلمک، پیلنمک.
- ۵۷۱- یول اری: سالک، مرد راه، مرد طریق. آرینا: تمیزلنه، پاک اولا
- ۵۷۲- شکوک [ع]: شک سؤزونون جمعی دیر. یقین ضیددی.
- ۵۷۵- خوان: سفره
- ۵۷۶- ائشمه eşmə: صحرادا اولان دایاز سو قویوسو
- ۵۷۸- یادیلدین yadıldın: یاخینلاشدین، تعیین اولوندون.
- ۵۸۷- بهیمه [ع]: قویون - قوزوکی می دؤرد آياقلى حیوانلار
- ۵۹۱- آنعام [ع]: دؤرد آياقلىلار. «نعم» جمعی.
- ۵۹۹- سحین فجار: مطفقین سوره سی نین ۸، ۹، ۱۸ و ۱۹-نجو آیه لرینه اشاره دیر
- ۶۰۳- آرینیر arınır: تمیزلنیر
- ۶۰۴- ادريس: «مریم» سوره سی نین ۵۶ و ۵۷-نجی آیه لرینه اشاره دیر.
- ۶۰۸- حق رضاسی: بو جمله یه اشاره دیرچ «الرضا باب الله الاعظم» (لاهیجی/۲۶۴)
- ۶۲۶- اویسدو Uydu: تبعیت و تقلید و تطبیق ائتمک معناسیندا اولان «اویماق» مصدریندن.
- ۶۲۷- تحبون: «آل عمران» سوره سی نین ۳۱-نجی آیه سینه اشاره دیر.
- ۶۳۴- اودا oda: اتاق، مسکن
- ۶۳۸- «فردوسی توسی» نین بو بیئتینه اشاره دیر:
- جهان را بلندی و پستی توئی/ندانم چه ای، هر چه هستی توئی.
- ۶۴۸- باخینجاق و یا باخینجا: پنجره
- ۶۴۹- دئار [ع]: پوشش، لباس، عبا.
- ۶۵۵- ئوکوش Öküş: چوخ، فراوان، ختیلی، زیاد-فواکه [ع]: مئوه لر. «فاکهه» جمعی.

- ۶۶۳- یاخوزارسان yaxuzarsan: «یاخوزماق» مصدریندن، دوزلتمک معناسیندا.
- ۶۸۴- آنجیلایین ancılayın: اوقده، اونون کیمی، ئویله. - قیلاووز ← ۵۱
- اوز uz: یاخشی، دوغرو، خالیص، دوست و همدم.
- ۷۰۷- هفت افلاک: یئددی دولانان فلک، و بیر ثابت فلک دئمکدیر.
- ۷۰۹- حفصیره: قوناقلیق یثری، قوناق اوتاغی.
- ۷۳۵- «هود» سوره سی نین ۱۱۲-نجی آیه سینه اشاره دیر.
- ۷۳۸- چلب: تانری، یارادان، الله- حضرت پیغمبرین «مابین المشرق و المغرب قبلتی» حدیثینه اشاره دیر. (سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۰۴)
- ۷۵۴- بو حدیث نبوی یه اشاره دیر: «كنت نبيا و آدم بين الماء والين».
- ۷۵۶- بو بیئتدن ۸۷۳-نجو بیته قدر «ولایت یحیی» نشر اولان فارسجا متنلرده یوخدور.
- ۷۵۷- آرنیق Arniq: یورغون، یورولموش، بی تاب (۳۴م، ص ۲۲۶).
- ۷۶۱- چؤز çöz: بلوردان دوزولموش قبالار. طبقلر.
- ۷۹۳- کی جنت اهلی ابله اولور اکثر: بو حدیثه اشاره دیر: «اکثر اهل الجنة ابله» یعنی جنت اهلی نین چوخو ابله اولار. بو، او دئمکدیرکی هر کیم جنته قانع اولارسا، ابله دیر، زیرا حق اوزونو گؤرمک جتندن یثیدیر.
- ۸۳۹- کؤشک köşk: قصر، سارای، کاخ. فارسجادا «کوشک» عربجه ده «قوسج» و انگلیزجه ده «کیوسک» اولموشدور.
- ۸۴۰- کیریش kiriş: زه، ایپ، تئل.
- ۸۵۴- صدرالدین شیخ قونوی، محمد بن اسحاق بن محمد یوسف بن علی، ۶۷۱-نجی ایلده ئولموشدور. او محیی الدین ابن العربی نین شاگردی و اوغوللوغو ایادی.
- «النصوص فی تحقیق الطور المخصوص» اونون صوفیانه اثر دیر.
- ۸۶۹- اوشاتماق uşatmaq: سیندیرماق، یارماق، پارچالاما
- ۸۸۰- اسروکلوک əsrüklük: سرمست لیک، کتفلی لیک.
- ۹۱۲- بو حدیثه اشاره دیر: «لا يتقرب العبد الى النوافل حتى الحبه فاذا احبته كنت له سمعاً و بصرأ و يداً و لساناً فبی یسمع و بی یبصر و بی یبطش»
- ۹۱۳- «الاسراء» سوره سی نین ۷۹-نجو آیه سینه اشاره دیر.
- ۹۲۲- انجاس و حدث: نجیس ائتمه، کیرلندیرمه. - حدث: چیرک و کثافت. - حج. احداث
- ۹۳۰- بو نبوی حدیثه اشاره دیر: «و جعلت قرّة عینی فی الصلوة» (تعلیقات حدیقه ی سنائی، مدرس رضوی، ص ۲۲۱). - شمین [ع]: عیب، پسلیک، «زین» ضیددی دیر.
- ۹۳۳- گی Gey: یاخشی، ایی، یئی معناسیندا دیر. مولوی دئییر: «اگر گشیدیر قارینداش

یوخسا یاووز/اوزون یولدا سنه اولدور قیلاووز» (باخ. ب. ۲۱۹).

۹۴۱- بیلن: عارف. بیلینن: معروف.

۹۴۳- ضرب المثل:

ایکیندیه دئمده کیسه ئوله دئدیله: «اگری اوتور دوغروسؤله»

۹۴۸- خرق [ع.]: بیرتماق، جیرماق، پارلاماق

۹۵۹- «اعراف» سوره سی نین ۱۷۲-نجی آیه سینه اشاره دیر.

۹۷۲- «قصص» سوره سی نین ۵۶-نجی آیه سینه اشاره دیر.

۹۷۷- ایسره isrə: قارشی، ایره لی، آشاغی.

۱۰۰۲- اولوس Ulus: ملّت، ائل، خلق، کوتله.

۱۰۰۵- منصور حالاج: عارفانه جذبه حالیندا «انالحق» دئمگینه گؤره شقاوت ایله ۳۰۹ هـ.

ایلینده ئولدورولن تانینمیش عارف.

۱۰۱۱- توپلاماق toylamaq: سئویندیرمک، ضیافت و ئرمک، یئدیرمک، یئدیریب

ایچیرمک.

۱۰۱۲- آری ari: تمیز، پاک، خالیص، دورو.

۱۰۳۱- گؤرکلو: جلاللی

۱۰۳۲- گوزگو/گوزگو güzgü/güzgü: آینه

۱۰۴۰- «الاسراء» سوره سی نین ۴۴-نجو آیه سینه اشاره دیر.

۱۰۵۳- این in: ناله، فغان، آغماق.

۱۰۶۶- اوش us: بودور

۱۰۷۲- «غافر» سوره سی نین ۱۶-نجی آیه سیندن آلینمیشدیر.

۱۱۰۳- «قصص» سوره سی نین ۸۸-نجی آیه سیندن آلینمیشدیر.

۱۱۳۹- قاداندی qadandı: برکیمک آنلامیندا اولان «قادانماق» مصدریندن، بو مصدردن

گلن «قاداق» سؤزو ایندیه تورکجه میزده میخ و میسمار معناسیندا ایشله نیلیر.

۱۱۶۳- ئوز öz: خالیص، چکیده.

۱۲۲۱- قیرغیل qırğıl: قوجالمیش، دوشموش و فوتوت آدام. فارسجا متنده (ب ۴۶۲)

اولان «کمیر» سؤزو قارشیسیندا ایشلنمیشدیر.

۱۲۳۸- بیلی bili: علم، بیللیک، دانش

۱۲۵۹- آغلاندی ağlandı: هاله لندی، دؤوره سیننی آغ دائره آلدی.

۱۲۶۴- ایرماق: آخار سو، دره، چای کیمی آخار سولارین ان بؤیوگو، نهرو.

۱۲۶۶- اکشیلر əksilər: تورش اولار، تورشیلی.

۱۲۹۱- بو نبوی حدیثه اشاره دیرکی: «ان الله خلق الخلق فی ظلمة، ثم رش علیهم من نوره، فمن اصابه ذلک النور اهتدی و من اخطأ ضل» (مرصاد العباد، ص ۳۳۴).

۱۳۰۶- ایله تن iləten: چاتدیران، یتیشدیرن. چاتدیرماق معناسیندا اولان «ایلمتک» مصدریندن.

۱۳۱۲- تامو Tamu: جهنم، دوزخ

۱۳۱۵- اوشانماق Uşanmaq: چکینمک

۱۳۲۸- بولاری buları: هامیسی

۱۳۳۴- ساپماق Sapmaq: آزماق، منحرف اولماق. -تپ tab: سجده ائت.

۱۳۳۹- ایسیسی issi: صاحیبی

۱۳۴۹- یوسف سوره سی نین ۲۱-نجی آیه سینه اشاره دیر.

۱۳۵۳- قر: زبان یتیرمک، ضرر وورماق، پیس احوال.

۱۳۵۲- نی تشبیه ائدیدییر آنی گبره «القدریه مجوس هذه الامة» نبوی حدیثینه اشاره دیر. (فروزانفر ۱۷۵/)

۱۳۶۵- آید/ایم aydayım: «ایماق» مصدریندن، دئمک، شرح ائتمک، آنلامیندا دیر.

۱۳۸۳- حضرت آدمین توبه سینه اشاره دیر چ بقره/۳۷، طه/۱۲۲.

۱۳۸۳- زلت: آزماق: خطا و سهو. ج: زلات

۱۳۸۸- یازیق و یازغی: طالع، سرنوشت.

۱۳۹۶- اباجهل: حضرت پیغمبرین مخالفی اولان عمرو بن هشام مغیره مخزومی.

۱۴۲۵- چیخا گلدی: ناگهان گلدی، بیردن تاپیلدی، گؤزله مدن گلدی.

۱۴۲۶- دوشورمک: بیغماق، توپلاماق، وئرمک. و باخ: ۱۴۳۰، ۱۴۳۱.

۱۴۳۲- آسسی assi: قازانچ، فایدا، منفعت

۱۴۵۰- یون yon: جهت، سمت. دوغان toğan: شاهین، قیزیل قوش، قیرغی. فارسجا یادا

گیر میشدیر (معین، ج ۲، ص ۲۲۲)

۱۴۵۸- ئورگو örgü: حصار، دیوار، هؤرولموش. تورکجه میزده کی «هؤرومچک» عنکبوت

معناسیندا فارسجا یادا گیرمیش و ارومچک فورماسیندا ایشله نیر (باخ: معین).

۱۴۶۲- پینار: چشمه، بولاق

۱۴۹۸- علم/اسماء: بقره سوره سی/ ۳۱

۱۵۱۲- زفتی [ف.]: قیسقانماق، بخالت، خسیس لیک

۱۵۲۴- یولون yolun: سیل، تمیزله. «یولونماق» مصدریندن.

۱۶۸۴- قوله تعالی: و مانرسل بالایات الاتخویفاً

۱۸۱۵- باییق bayıq: گئچک، آیدین، آچیق

۱۸۲۳- نیته کیم: نتیجه کی

۱۸۲۷- اسریک لیک: کئفلی لیک، سرخوشلوق

۱۸۳۵- آی ay: بیدار اول!

۱۸۴۶- ساییری sayrı: مریض، خسته

۱۸۵۲- تاش taş: خارج، ائشیک ← diş

۱۸۶۱- یوققاجیق yufqacıq: اینجه، نازک.

۱۹۱۰- یاولاق yavlaq: چوخ، چوخ یاخشی، حددیندن آرتیق

۱۹۱۱- بیلدیری bildiri: خبر، اطلاع، آگاهی، خبردارلیق

۲۰۱۵- یان yan: بورادا یالیز، فقط، تنها، سهوا معنالاریندا

۶. باشلیقلار جدولی

- ولی شیرازی ترتیب ائتدیگی منظومه نین هر بؤلومونه بیر باشلیق دا آرتیرمیشدیر. بو باشلیقلاری بیئتلرین سای سیراسی ایله آشاغیدا وئیریک.
- هر بؤلوم باشلیغی، باشلیقدان ئونجه کی بیئتین سایینی گؤستره رک وئیرلمیشدیر.

۸۴- [تصنیف سببی]: بو کیتاب تصنیف اولوندو شیخ اوستادی شیخ الاسلام والمسلمین معین الدین رحمة الله رحمة واسعة مبارک نفسلر ایله و حق تعالی نین عینایتلریله طالیب سالیکه فائده اولماغیچون کیم معرفت حاصل اولد.

۱۳۰- [تفکر نه دیر]: اول سوال کیم اولونور، کیفیت تفکر دندیر کیم تفکر نه دیر و بو حدیثین معناسیدیر کی: تفکر ساعة خیر من عبادة ستین سنه.

۱۴۲- [جواب]: بو جواب، بیانیندادر بو آیتین کیم «ویتفکروا فی خلق السموة والارض» وداخی «ویحدرکم الله نفسه» وداخی بو حدیثین تقریرینده کیم: «تفکروا فی خلق الله ولا تتفکروا فی ذات الله تعالی»

۱۸۷- بو تمثیل آنین بیانیندادر کی گونشین نوری ئوزگه دیر و جرم ئوزگه دیر و داخی گونشله آیین حقیقتی بیانیندادر و بو آنین تحقیقینده دیر. حق تعالی عز اسمہ بویورور کیم: «و جعل الشمس ضياء والقمر نورا» و بو آیتین تقریرینده کیم: «یسقی بماء واحد و نقصل بعضها علی بعض فی الاکل» تفسیری نین بیانیندادر.

۲۱۸- [سورغو]: ایکینجی سوال، «تفکر» بحثی نین تتمه سینده دیر. و دخی بیانیندادر. آنین کیم گاه فیکر اولور کیم آندان خطا حاصل اولور و گاه فیکر اولور کیم آندان ثواب حاصل اولور. حال بودورکی بو ایکی صورت همان بیر فیکردن حاصل اولور. پس ایمدی بیر مورد ائتدیگیم یولون فیکری قانسی دور کیم عمله گئوروجک صواب اولد.

۲۲۶- [جواب]: بو جواب بودور کیم تفکر دن مورد آفاق [و] انفسده فیکر ائتمکدیر. و هم بو حدیث بیانیندادر کیم: «ان الله تعالی سبعین الف حجاب من نور و خلعت لو کشفها

لا حترفت سبحات وجهه ما انتهى اليه بصيرة من خلقه» و دخی بو حدیث تقریرینده دیر کیم: «لی مع الله وقت لا یسعی فیه ...»

۲۵۲- [تمثیل] بو تمثیل، بو آیت بیانیدادیر کی: «الحمد لله الذی خلق السموات والارض وجعل الظلمات والنور» و بو حدیثین تقریرینده دیر کیم: «ان الله خلق الخلق فی ظلمت ثم ورش علیهم من نوره» و بو حدیث قدسی نین بیانیدادیر کی: «كنت كنزاً مخفياً فاحببت ان اعرف فخلقْتُ الخلق لاعرف» و دخی: «لا يتقرب العبد الى الا بالتواضع حتى احبته فاذا احبته كتب له سمعاً بصرأ و يداً و لساناً فبی یسمع و بی ببصر و بی ببطش و بی یتکلم»

۳۰۴- [قاعده] بو قاعده بیان ائیلر بو آیتین معناسینی کی: «ارض الله واسعه» دئر. و دخی بو آیتین سیریندن خبر وئیر کی: «فلما رای الشمس بارعه» و دخی: «ارنی انظر الیک قال لن ترانی» و دخی بو حدیث تقریرینده دیر کیم: «اعدوت لعبادی الصالحین مالا عین و ات و لا اذن سمعت و لا خطر علی قلب بشر»

۳۶۱- [قاعده] بو قاعده، شونی بیان ائیلر کیم یئرلر و گویلر، عرش و کرسی، لوح و قلم، حق تعالی عز اسمہ آیتلری و کلمه لری دیر و بو آیتین تفسیریدیر کی: «وکلمتی کلمة الله فیها ای مریم» و هم بو آیتین معناسیندیر: «لو کان البحر ...»

۳۷۳- [قاعده] بو قاعده گویلرین حرکتین و سبعة سیاره نین آدلارین و مسکنلرین و سبعة سیاره نین هر بیریری نتیجه بیر وجه حکم ائیلر و بو وجهلرین اسمی نه دیر. بو جمله، حقیق حوکموا آلتیندا حیثیران و عاجیز دیرلر و هر اثر کیم بونلاردان صادر اولور، حقیقتده، اول حقدندیر، کواکبیدن دگیلدیر. زیرا حبیب الله بویورور کی: «کذب المنجم و رب الکعبة»

۴۲۲- [قاعده] بو قاعده، چهار عنصر ایله هیولانین و صورتین بیانیدادیر. و نبات و حیوان، بیریری- بیریندن نتیجه ظاهر اولدوغونو بیان ائدر.

۴۵۲- [تمثیل] بو تمثیل بیر نتیجه آیتین تأویلی بیانیدادیر. و دخی امتهات اربعه کیم دورد اسمدیر، علیم و حی و قادر [و] مریددیر و بو آیتی بیلدیر کی: «انا عرضنا الامانة علی السموات والارض لایة»: «علم آدم الاسماء کلها» و دخی: «فسجد الملائكة کلهم اجمعون الا ابلیس ائی واستکبر و اکان من الکافرین» ای بیلدیر.

۵۱۲- [سوال] بو سوال بو آیتین تفسیریدیر کی: «و نحن اقرب الیه من حبل الوريد».

۵۲۰- [جواب] بو جواب، بو آیتین حدیددن خبر وئیر کی: «والذین جاهد و فینا لنهیدینم سبلنا» و دخی: «من عرف نفسه فقد عرف ربه» دیر.

۵۶۰- [سوال] بو سوال اول معنایی بیلدیر کیم حق یولوندا سالیک اولان نتیجه سفر ائیلر و نه منزللر [و] مرتبه لر قطع ائیلر و طریقین مسافیرلری کیمدیر و «تمام ار» کیمه دئرلر.

۵۶۴- [جواب] بو جواب، اول آیتین متممیدیر کیم: «والذین جاهدوا فینا ...»

۵۷۵- [تمثیل] بو تمثیل اول آیتین بیانیدادیر کی «لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم ثم ردناه اسفل سافلین» و بو حدیثین بیانیدادیر کیم: «جذبة من جذبناه الرحمن توازی عمل الثقلین» و دخی آتی بیلدیر کیم اول انسان نه دن ظاهر اولدو، نتیجه مرتبه لر مقاملار قطع ائید، صورت انساندا پشیدا اولدو، آخر الامر غایتده کمالا ایریشدی.

۶۱۳- [تمثیل] بو تمثیل، نبوت ایله ولایت معناسینی بیلدیریر و «یحبههم و یحبونه ...» بیلدیریر و بونو تقریر ائیلر کیم حدیثدیر: «لی مع الله وقت لا یسعی فیه ملک مقرب»

۶۳۳- [قاعده] قوله تعالی عز اسمہ «وانک لعلی خلق عظیم» بو قاعده، دخی انسانین بعضی حالیندان خبر وئیر.

۶۵۳- [تمثیل] قال الله تعالی: «اولیائی تحت قبای لا یعرفهم غیری». بو تمثیل، انسان کامیلین ولایت بیانیدادیر. قاچان ولایت کمالا ایریشه، حق تعالی اذنیله خلقی طریق حقه دعوت ائتمک گرکدیر. و اگر ولایت کمالا ایریشمزسه، خلقی دعوت درست اولماز، ائدرسه، ضرر ائدر.

۷۰۵- [قاعده] بو قاعده ی خاصه خاتم محمدی بی بیلدیریر و نبوت بز نمیشدن بنز و بو سرانین ختمی رسول حضرتی دیر. نیته کیم حق تعالی کلام قدیمده بویورور کیم و خاتم النبیین و رسول حضرتی نین باطن ولایت آلتوندان سرایه بنز هر قانقی ولیکم آتین ولایتینه مظهر اولار، اول سرانین ختمی اول و لیلله اولار. دونیادا آندان اولو ولی اولماز. نیته کیم پیغامبرلر ایچینده محمد مصطفادان اولو پیغامبر یوخدور. و نبوت گوموشودن سرای، ولایت آلتوندان سرای اولدوغونا حکمت بودور کیم آلتونون اصلده معدنی یوخدور، گوموش معدنیدن حاصل اولار. پس ائله اولونجاق، ولایت نبوتین باطینی اولار و معتبری اولار. بوندان آتلاندی کی هر ولی، رسول حضرتیندن پشیدا اولدو، آنسیز حقه واصل اولماز.

۷۲۱- [تمثیل] بو تمثیل، نبوت مراتبی نین بیانیدادیر و دخی بو حدیثین معناسی کی: «كنت نبیاً و آدم بین الماء و الطین و آدم من دونه تحت لواء بی يوم القیامه الفقر فخری» و «مهدی» نین خروجون بیان ائدر.

۸۱۳- [اسرار] بو موضع احادیث و اخبارین اسراریندان بیلینن مهدی (عج) نین خوروجو علامتی دیر.

۸۷۷- [سوال] بو سوالی آتی بیان ائیلر کی بیزلیک سیرینه کیم واقیف اولدو و عارف دونیایا نیته گلدی.

۸۹۱- [جواب] بو جواب آتین بیانیدادیر کی: «لا یعرف الله غیر الله و لا یری الله غیر الله» یعنی:

حقّی، حق نوری ایلله و آنی، آئین نوری ایلله گۆره لر.

۹۳۴- [سؤال] بو سؤال آنی بیان ائیلر کی حق بیلن اگر حق ایسه، پس بو خلق بوندانه بیللمگه گلیبدیر و دخی بو خلق آرا یئرده پس نه نسنه دیر، آنی بیلدیریر.

۹۴۵- [جواب] بو جواب، اول آیتین معناسینی بیان ائیلرکیم: «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون ای ليعرفون». یعنی کیم کی حق بیلیرسه، حقین نوریلله بیلیر. اما اول نور، خلقله تعبیه اولموشدور. نیته کیم اود، داشدا و دمیرده دیر، بو جان، تنده بیر آلتدیر کی آندان نور ظاهر اولار، نیته کیم چاخماقدان اود ظاهر اولوردی. اما حکمت حق، بیللمکده دیر. ایمدی چاخماق بودور کی چوخ-چوخ ضرب ذکرالله گرکدیر، کولونگ محمّدی دیر تاکی اود ظاهر اولوب، عاشیق اولار.

۹۷۵- [تمثیل] بو تمثیل آنی بیان ائیلر کیم آنا دوغما گۆزسوز گیبی دیر، قارادان ئوزگه رنگ بیلمز و دخی بر آیتین سیریندن خبر وئره رکیم: «من كان في هذه الدنيا اعمى فهو في الآخرة اعمى لانه». و دخی جان ایلله جیسمین اجتماعیندن بیر خاصیت قوپار کیم مخفی نسنه لر آشیکار اولار.

۹۹۵- [سؤال] بو سؤال آنی بیان ائیلر کی بو دائره ده حق نقطه سی وار، و هم خلق نقطه سی وار. منصور انا الحق دئدیگی قانقی نقطه دیر. والسلام.

۱۰۰۸- [جواب] بو جواب آنی بیان ائیلر کیم حق تعالی موسایه علیه السلام اوددان بیر اون یاراتدی و آعاجدان بیر اون یاراتدی. آنلاردان «انا الله» دئدی. منصوردان بیر اون یاراتدی «انا الحق» دئدی. و دخی بو آیتین معناسینی بیان ائیلر کی: «و ان من شيء الا يسبح بحمده و لكن لا يفقهون تسبحم» یعنی: هئچ بیر شئی یو خدور، الا حقّی تسبیح ائیلر. قال ایلله حال دلیلله دگیلدیر. اما سن آنلارین تسبیحین ائشیدیب آنلامازسان. و دخی جمیع اشیانین حیاتی واردیر، سن جماد سانیرسان، تسبیحلرین فهم ائیلله مزسن ... دئیو آینه ی دلینیر بر رنگ حوادثدیر.

۱۰۹۴- [قاعده] بو قاعده اول آیتین معناسیندا دیر کی: «و نحن اقرب اليه منكم و لكن لا يبصرون» و دخی بو خلق مجموعی اسباب و آلتدیر حقین کمالاتینا. و بونلارین وجودی وهمی دیر. حقیقتده حقین وارلیغی ایلله قائم دیر. پس، وجود حقیقی حقیقندیر کیم نفسینله قائم دیر ازلاً ابداً.

۱۱۱۴- [تمثیل] بو تمثیل آنین بیانیندا دیر کیم: «المؤمن مرآة المؤمن» پس حق خلقلین آینه سینده کندینی نین جمالین و کمالین مشاهده ائیلر. خلق، خلقلین آینه سینده کندولرین یوخلوغون گۆره لر. حال بو حالی نین یوخلوغو وارلیقدیر، وارلیغی یوخلوقدور.

۱۱۵۴- [سؤال] بو سؤال بیان ائیلر کیم بو خلقه واصل نئچون دئدی لر، بولاردان سئیر و سلوک نئجه حاصل اولور. حق خود قدیم، خلق حادث نئجه واصل اولور؟

۱۱۶۴- [جواب] بو جواب اول آیتی بیلدیریر کیم: «حق جل و علی و هو معكم انما كنتم». یعنی حقین بو خلق ایلله معینی واردیر، جدا دگیلدیر. حضرت حق عۆ اسمه طلب ائدن دلتشنه ی آب حیات کندینی نین ظلمات بدنیه سینده بیلرین غئیره دگیلدیر.

۱۲۰۳- [تمثیل] بو تمثیل آنی بیان ائیلر کیم حقین ذاتی بیردیر، صفاتی ئوکوشدور. حقه، حق دئدی کلری نفس الامرده ثابت اولدوغوندان ئوتورودور. وجود دئدی کلری اعم اوصافیندان ئوتورودور. علیهم دئدی کلری، هر بیر نسنه یی کشف ائتدیگی ایچون دور. نور دئدی کلری، کندنی گۆرونمه ییب، جمیع اشیاء ایلله گۆروندوگو ایچوندور دئر. باقی قالان اسماء الحسنی سینی دا، بو قیاس ایلله دیر. و دخی سیرین مراتبین بیان ائیلر کی هر مرتبه ده اول سیره بیر آد وئره لر آدمه گلینجه آنی بیلدیریر.

۱۲۵۷- [سؤال] بو سؤال آنی بیان ائیلر کیم حق واجیب دیر، بو خلق ممکن دور، بونلار بیر-بیرله نئجه جمع اولوب واصل اولورلار و یاخینلیق اوزاقلیق نه دئمکدیر؟ بیانیندا دیر.

۱۲۷۷- [جواب] بو جواب اول حدیثین سیرین بیان ائیلر کی: «ان الله خلق الخلق في ظلمة ثم رشح عليهم من نوره» و دخی اختیار جزءی و اختیار کلی انواع وجه ایلله عاشیق لره عیان ائدر.

۱۴۳۲- [سؤال] بو سؤال آنی بیان ائیلر کیم اول دریا نه دیر، کیم آنین کلامی نوطقدور. و دخی اول دریای بی پایاندان نه گؤوهر حاصل اولدو. والسلام.

۱۴۵۰- [جواب] بو جواب آنی بیان ائیلر کی اول دریا وارلیق دریا سیدیر، کیم آنین کناری کلام نوطقدور و آنین دُرلری قرآن و اخبار دیر، صدفی حرفلر دیر، صورتلر دیر.

۱۴۷۸- [تمثیل] بو تمثیل آنی بیان ائیلر کی صدف، ماه نئیساندا دنیز اوزونه چیخار، آغزین آچار، بیر نئجه قطره آغزینا دامار، یومار، وارار، دنیز دیبینه گئدر. اول یاغمور دانه سی آنین آغزیندا دُر اولار و دخی بو موضع سو بیلدیریر و عالم ربّانی خالق تقریر ائیلر و علم حال و علم قال بیلدیریر.

۱۵۶۴- [تمثیل] بو تمثیل آنی بیان ائیلر کیم کۆنول لوحون پاک ائیلله نقوش اغیاردان، شؤیله کیم کۆنول ایچینده حقدن ئوزگه کیمسنه اولمویا تا کشف ایلاهی حاصل اولار.

۱۶۳۴- بو تمثیل آنی بیان ائیلر کی حی و سمیع و قادر و مرید، دُرد اسمدیر عالمده، نه قدەر دُرلر و ارسه مجموع بونلارین صورتلر دیر. مثلاً دُرد عرش گؤتورن فرشته لر، و حقایق اربعه یعنی: حرارت و برودت و رطوبت و ییوست و عناصر اربعه که آب و آتش و باد

و خاک دیر، و دُرد اخلاط کی بلغم، صفرا، سودا و قاندر. و دُرد کیتاب، دُرد مذهب و یونا بنزر نه وارسا جمله سی اول دُرد اسمین کمالیدیر.

۱۶۸۹- بو سؤال آنی بیان ائیلر کی نه جزء دور اول کی کلدن زیاده دیر؟ و دخی اول جزء اصلینه رجوع ائیلیه جک نه وجه ایله رجوع ائدر.

۱۷۰۱- بوجواب اولدور کی جزء دئدیکلری واجیبین ذات چونینه دئرلر، کل دئدیکلری عین وجود ممکناتی دیر، بو ایکی صیفات کی امکان وجود دیر، بونلا قائمیدیر.

۱۷۳۰- بو تمثیل آنی بیان ائیلر کی اوج دورلو ثولمک، اوج دورلو دیر یلمک وار. بیری اختیاری ثولمک دیر، بیری اضطراری ثولمک دیر، بیری هر نفس ثولمک دیر. آنلارین انواع کیفیتین بیان ائدر که سامع عاشق اولار.

۱۷۹۰- بو قاعده آنی بیان ائیلر کی هر قول و فعل که آمدن صادر اولور، حق تعالی آنی آدمین نفسینده گیزله در تاکیم آخرته آشیکار اولار و دخی اعتقاد نه ایسه روح بازین آنین صورتینده ظاهیر اولار و فعلی عمل نه ایسه جیسم بازین اول صورتده پئیدا اولوسارد، و دخی حشر اولونجاق، بدن اود ایله یئلدن اولوسار، توپراق ایله سو، مغلوب اولوسار، و دخی بدن شؤیله روشن اولار کیم جنتده آی و گونش حاجیب اولار.

۱۸۳۸- بو سؤال آنی بیلدیر برکیم بو عالم حقدن نه وجه ایله مفارقت ائیلهدیگی بو کی: «عالم و آنا حقدیر» دئیلر، بونون جوابی نه دیر؟

۱۸۴۹- بونون جوابی بودور کی بو عالم دئدیکلری وجودی سرباه بنزر، حقیقتده وجودی حقدیر، حق تعالی نین کندی صیفاتیندان دگیلدیر.

۱۸۹۲- بو سؤال آنی بیان ائیلر کیم اولیانین خط و خال دئدیکلری و چشم و لب دئدیکلری بو خلق بیلدیگیمیدیر. یوخسا بیر ئوزگه نسته میدیر و دخی بو موضع اولدوزلار ایله و آیلاز ایله دورلو صیفتلر ایله دورور.

۱۸۹۴- [قاعده] بو قاعده آنی بیان ائیلر کیم ایی خولقلار حاصل ائیلیه و یاووز خولقدان [چکینه]. و بو حدیث موجبینجه کی: «تخلّقوا باخلاق الله» و دخی: «هر فعل، قول ایچینده حدّ ساخیلا، نه افراطدا اولار، نه تفریطده اولار، کیم ایکسی دخی بغایت مذموم دور، متوسط خلق اوزهرینه اولاکیم خولق عظیم دئدیکلری بونون فحواسیدیر» کی عیان [و] بیان ائدر.

۱۹۱۱- آنین جوابی بودور کی اولدن بو عیبارت معناسی چین یازیلیمیشدیر، سونرادان محسوساته یاپیلیمیشدیر. مجازاً لا حقیقتاً و دخی بو موضع صیفت روز بیان ائدر.

۱۹۹۲- بو موضع بصیر اسمین بیلدیر، بر چشم آنین سیررین مظهری فی واقع اولور.

۲۰۰۴- خاتمه ای رساله شیخ محمود به زبان تلامیذ معین الاسلام.

۷. آدلار فهرستی

دقت: سؤزجوکدن سونرا گلن عدد، بئیتین سایین گوستریر.

حوت، ۴۰۱، ۴۰۷	آفریقیه، ۸۲۱
خیره، ۸۲۹	ابراهیم، ۶۰۷
دلو، ۴۰۱	ابن عباس، ۳۱۵
دمشق، ۸۶۳	ابوبکر، ۶۳
روم، ۸۰۷، ۸۴۳، ۸۴۱	ادریس، ۶۰۴
رومی، ۸۳۳	اسد، ۴۰۰
زوحل، ۴۰۳، ۴۰۷	اسماعیل، ۹۲۹
زوهره، ۴۰۵، ۴۰۹	امّهانی، ۳۵۷
سرطان، ۴۰۰	بجایا، ۸۲۳
سنبله، ۴۰۰	تورک، ۸۳۱، ۸۳۲
شیخ الاسلام معین الدین، ۱۰۳	ثور، ۴۰۰، ۴۰۹
شیخ المشایخ، ۸۵۳	جبرئیل، ۲۳۸
صدرالدین شیخ قونوی، ۸۵۴	جدی، ۴۰۱، ۴۰۷
طونوس، ۸۲۲	جوزا، ۴۰۰، ۴۰۱
عثمان، ۶۴	حسن، ۶۵
عرجون، ۴۱۲	حسین (ع)، ۶۵
عقرب، ۴۰۱، ۴۰۸	حلب، ۸۳۵
عطارد، ۴۰۵	حمل، ۴۰۰، ۴۰۸

۸. آچيقلامالاردا ايشاح ائديلىن تور كجه سۆزلىر

● سۆزلردن سونرا گلن رقم بئيتين سايين گؤستىرىر. همين سايلار آلتيندا آچيقلامالاردا ايشاحلار باخين.

ايرماق، ۱۲۶۴	آدادى، ۳۸۰
ايز، ۱۴۶	آداماق، ۳۸۰
ايسره، ۹۷۷	آرنىق، ۷۵۷
ايسسى، ۱۳۳۹، ۱۲۰	آرى، ۱۰۱۲
ايله تن، ۱۳۰۶	آرينا، ۵۷۱
اين، ۱۰۵۳	آرينير، ۶۰۳
باخينچاق، ۶۴۸	آسى، ۱۴۳۲
باييق، ۱۸۱۵	آغلاندى، ۱۲۵۹
بولارى، ۱۳۲۸	آنجيلايين، ۶۸۴
بيلن، ۹۴۱	آى، ۱۸۳۵
بيللى، ۱۲۳۸	آيداييم، ۱۳۶۵
بيليش، ۲۸	اسر و كلوك، ۱۸۲۷، ۸۸۰
بيلديردى، ۱۹۱۰	اكشيلر، ۱۲۶۵
پينار، ۱۴۶۲، ۱۸۷	اؤرگو، ۱۴۵۸
تاش، ۱۸۵۲	اؤز، ۱۱۶۳
تاشرا، ۳۴۲، ۳۳۸	اوز، ۶۸۴
تامو، ۱۳۱۲	اوش، ۱۰۶۶
تانىق، ۳۱۸	اوشانماق، ۱۳۱۵، ۸۶۹
تويلاماق، ۱۰۱۱	اولوس، ۱۰۰۲
چؤز، ۷۶۱	اولوسار، ۳۱
چيخا گللك، ۱۴۲۵	ايردى، ۱۱

مشتري، ۴۰۳، ۴۰۷	على (ع)، ۶۴
مصر، ۸۳۶، ۸۳۰، ۸۲۶، ۸۲۵	عمر، ۶۳
۸۴۰	عيسى، ۸۷۲، ۶۰۹، ۲۹۰
مصطفى (ص)، ۴۹، ۵۱، ۶۱۷	فرنگ، ۸۴۳، ۸۳۳
۸۶۷، ۸۶۹	قرآن، ۱۶۴۷
منصور، ۱۰۰۳، ۱۰۰۵، ۱۰۰۷	قوس، ۴۰۷، ۴۰۱
۱۰۳۷، ۱۰۲۴، ۱۰۱۸، ۱۰۰۸	قسطنطينيه، ۸۰۷
موسى (ع)، ۳۴۸، ۶۰۸، ۱۰۷۴	قمر، ۴۱۰، ۴۰۵
مهلى (عج)، ۸۴۶، ۸۴۸، ۸۴۹	كعبه، ۸۵۱
۸۵۲، ۸۵۸	گلشن راز، ۹
ميزان، ۴۰۹، ۴۰۰	مجموعه، ۹۹۵
نوح، ۶۰۵	محمد (ص)، ۸۶۸
وادی ایمن، ۱۶۹	مدینه، ۸۴۹
ولى، ۱۲۸ (شیرازی)، ۸۵۷	مريخ، ۴۰۸، ۴۰۴
يثر، ۸۹۸	مسلمانلار، ۸۴۳
يعقوب، ۸۸۲	مسيح، ۸۶۰

۸. ضمیمه (متن فارسی)

در تهیه‌ی متن فارسی زیر، دو متن انتقادی «قربانعلی محمدزاده» (باکو، ۱۹۷۶) و «صمد موحد» (تهران ۱۳۶۵) اساس قرار داده شد و با استفاده از ترجمه‌ی شیخ الوان ولی شیرازی از میان نسخه بدلها، روایتهای متقن برخی از ابیات تعیین گردید.

به نام آنکه جان را فکرت آموخت
ز فضلش هر دو عالم گشت روشن
توانائی که در یک طرفه‌العین
چو قاف قدرتش دم بر قلم زد
از آن دم گشت پیدا هر دو عالم
در آدم شد پدید از عقل تمیز
چو خود را دید یک شخص معین
ز جزوی سوی کلی یک سفر کرد
جهان را دید امری اعتباری
جهان خلق و امر از یک نفس شد
ولی این جایگاه آمد شدن نیست
به اصل خویش راجع گشت اشیا
تعالی الله قدیمی کو به یک دم
جهان خلق و امر اینجا یکی شد
همه از وهم تست این صورت غیر
یکی خط است از اول تسا به آخر
در این راه انبیا چون ساروانند
وز ایشان سید ما گشته سالار

چراغ دل ز نور جان بر افروخت
ز فیضش خاک آدم گشت گلشن
ز کاف و نون پدید آورد کونین
هزاران نقش بر لوح عدم زد
وز آن دم شد هویدا جان آدم
که تا دانست از آن اصل همه چیز
تفکر کرد تا خود چیستم من
وز آنجا باز در عالم گذر کرد
چو واحد گشته در اعداد ساری
که هم آن دم که آمد باز پس شد
شدن چون بنگری جز آمدن نیست
همه یک چیز شد پنهان و پیدا
کنند آغاز و انجام دو عالم
یکی بسیار و بسیار اندکی شد
که نقطه دایره‌ست از سرعت سیر
در او خلق جهان گشته مسافر
دلیل و رهنمای کاروانند
همو اول، همو آخر در این کار

دوشورمک، ۱۴۲۶	گوزگو، ۱۰۳۲
دوغان، ۱۴۵۱	گورگو، ۳۰۶
دیغیر، ۹۶	گیریک، ۵۰۴
سایماق، ۱۳۳۴	گی، ۹۳۳
ساغیش، ۳۹۵	نیته کیم، ۱۸۲۳
سایری، ۱۸۴۶	واریسی، ۴۰۶
سانیز، ۷۶	یادیلدین، ۵۷۸
سوکوک، ۴۹۳	یا خوزارسان، ۶۶۳
سونسوزلوق، ۴۴۹	یازغی، ۱۳۸۸
سونقور، ۸۸	یازیق، ۱۳۸۸
قاداتدی، ۱۱۳۹	یاساق، ۴۳۹
قارانو، ۲۱۴	یاولاق، ۱۹۱۰
قارینداش، ۲۳۷	یان، ۲۰۱۵
قیرغیل، ۱۲۲۱	یول اری، ۵۷۱
قیلاووز، ۵۱	یولون، ۱۵۲۴
کیچی، ۱۰۹	یوفقاقیق، ۱۸۶۱
گورکلو، ۱۰۲۹	یون، ۱۴۵۰

۲۰ احد در میم احمد گشت ظاهر
 زاحمد تا احد یک میم فزق است
 بر او ختم آمده پایان این راه
 جمال دلگشایش شمع جمع است
 شده او پیش و جانها جمله در پی
 در این راه اولیا باز از پس و پیش
 ۲۵ به حد خویش چون گشتند واقف
 یک از بحر وحدت گفت انا الحق
 یکی را علم ظاهر بود حاصل
 یکی گوهر بر آورد و خزف شد
 یکی در جزو و کل گفت این سخن باز
 یکی از زلف و خال و خط نشان کرد
 ۳۰ سخنها چون به وفق منزل افتاد
 کسی را کاندرین معنی است حیران

در سبب نظم کتاب

گذشته هفت و ده از هفتصد سال
 رسولی با هزاران لطف و احسان
 ۳۵ بزرگی کاندرا آنجا هست مشهور
 همه اهل خراسان از که و میه
 جهان را سور و جان را نور، آغنی
 نوشته نامه ای در باب معنی
 در آنجا مشکلی چند از عبارت
 به نظم آورده و پرسیده یک یک
 ۴۰ رسول آن نامه را آورد ناگاه
 در آن مجلس عزیزان جمله حاضر
 یکی کو بود مردی کاردیده
 مرا گفتا جوابی گوی در دم
 ۴۵ بدو گفتم چه حاجت؟ کاین مسائل
 بلی گفتا، ولی بر وفق مسئل

در این دور آمد اول عین آخر
 جهانی اندر آن یک میم غرق است
 در او مُنزل شده «أدعوا الی الله»
 مقام جانفزایش جمع جمع است
 گرفته دست جانها دامن وی
 نشانی می دهند از منزل خویش
 سخن گفتند در معروف و عارف
 یکی از قرب و بُعد سیر زورق
 نشانی داد از خشکی ساحل
 یکی بگذاشت دُر نزد صدف شد
 یکی کرد از قدیم و مُحدث آغاز
 شراب و شمع و شاهد را عیان کرد
 در آفهام خلائق مشکل افتاد
 ضرورت می شود دانستن آن

پس از الحاح ایشان کردم آغاز
 به یک لحظه میان جمع احرار
 ۵۰ کنون از لطف و احسانی که دارید
 همه دانند کاین کس در همه عمر
 بر آن طبعم اگر چه بود قادر
 ز نثر آنچه کتب بسیار می ساخت
 عروض و قافیه معنی نسجد
 معانی هرگز اندر حرف ناید
 ۵۵ چو ما از حرف خود در تنگناییم
 نه فخر است این سخن کز باب شکر است
 مرا از شاعری خود عار ناید
 کزین طور و نمط صد عالم اسرار
 ولی این بر سبیل اتساق است
 ۶۰ علی الجمله جواب نامه در دم
 رسول آن نامه را بستد به اعزاز
 دگر باره عزیزی کار فرمای
 همان معنی که گفتمی در بیان آر
 نمی دیدم در اوقاف آن مجالی
 ۶۵ که وصف آن به گفت و گو محال است
 ولی بر وفق قول قائل دین
 پی آن تا شود روشن تر اسرار
 به عون و فضل و توفیق خداوند
 دل از حضرت چو نام نامه درخواست
 ۷۰ چو حضرت کرد نام نامه گلشن
 جواب نامه در الفاظ ایجاز
 بگفتم این سخن بی فکر و تکرار
 ۵۰ زمن این خردگیها در گذارید
 نکرده هیچ قصد گفتن شعر
 ولی گفتن نبود الا به نادر
 به نظم مثنوی هرگز نپرداخت
 به هر ظرفی درون، معنی نگنجد
 که بحر قُلْژم اندر ظرف ناید
 چرا چیزی دگر بر وی فزاییم
 به نزد اهل دل تمهید عزراست
 که در صد قرن چون عطار ناید
 بود یک شمه از دیوان عطار
 نه چون دیو از فرشته استراق است
 نوشتم یک به یک، نه بیش و نه کم
 وز آن راهی که آمد باز شد باز
 مرا گفتا بر این چیزی بیفزای
 ز عین علم با عین عیان آر
 که پردازم بدان از ذوق حالی
 که صاحب حال داند کان چه حال است
 نکردم رد سؤال سائل دین
 در آمد طوطی نطقم به گفتار
 بگفتم جمله را در ساعتی چند
 جواب آمد به دل کاین گلشن مناسبت
 شود زو چشم دلها جمله روشن

سؤال

نخست از فکر خویشم در تحیر چه چیز است آنکه خوانندش تفکر

جواب

مرا گفتمی بگو چو بود تفکر کزین معنی بماندم در تحیر

تفکر رفتن از باطل سوی حق
حکیمان کاندین کردند تصنیف
۷۵ که چون حاصل شود در دل تصور
وز او چون بگذری هنگام فکرت
تصور کان بود بحر تدبیر
ز ترتیب تصورهای معلوم
مقدم چون پدر، تالی چو مادر
۸۰ ولی ترتیب مذکور از چه و چون
دگر باره در آن چون نیست تأیید
رهی دور و دراز است این رها کن
درا در وادی ایمن زمـانی
محقق را که از وحدت شهود است
۸۵ دلی کز معرفت نور و صفا دید
بود فکر نکو را شرط تجرید
هر آن کس را که ایزد راه ننمود
حکیم فلسفی چون هست حیران
از امکان می کند اثبات واجب
۹۰ گهی از دور دارد مسیر معکوس
چو عقلش کرد در هستی توغل
ظهور جمله ی اشیا به ضد است
چو نبود ذات حق را ضد و همتا
۹۵ ندارد ممکن از واجب نمونه
زهی نادان که او خورشید تابان

تمثیل

اگر خورشید بر یک حال بودی
ندانستی کسی کاین پرتو اوست
جهان جمله فروغ نور حق دان
چو نور حق ندارد نقل و تحویل
۱۰۰ تو پنداری جهان خود هست دایم
شعاع او به یک منوال بودی
نبودی هیچ فرق از مغز تا پوست
حق اندر وی زپیدایی است پنهان
نیابد ذات او تغییر و تبدیل
به ذات خویشتن پیوسته قایم

کسی کو عقل دوراندیش دارد
ز دوراندیشی عقل فضولی
خرد را نیست تاب نور آن روی
دو چشم فلسفی چون بود آخول
۱۰۵ ز نایبائی آمد رای تشبیه
تناسخ زان جهت شد کفر و باطل
چو آکمه بی نصیب از هر کمال است
زمد دارد دو چشم اهل ظاهر
کلامی کو ندارد ذوق توحید
۱۱۰ در او هرچ آن بگفتند از کم و بیش
منزه ذاتش از چند و چه و چون
بسی سرگشتگی در پیش دارد
یکی شد فلسفی، دیگر حلولی
برو از بهر او چشمی دگر جوی
ز وحدت دیدن حق شد معطل
زیک چشمی است ادراکات تنزیه
که آن از تنگ چشمی گشت حاصل
کسی کو را طریق اعتزال است
که از ظاهر نبیند جز مظاهر
به تاریکی دراست از غیم تقلید
نشانی داده اند از دیده خویش
«تعالی» شأنه «عمایقولون»

سؤال

کدامین فکر ما را شرط راه است؟ چرا که طاعت و گاهی گناه است؟

جواب

در آلا فکر کردن شرط راه است
بود در ذات حق اندیشه باطل
۱۱۵ چو آیات است روشن گشته از ذات
همه عالم به نور اوست پیدا
نگنجد نور ذات اندر مظاهر
رها کن عقل را، با حق همی باش
در آن مشهد که نور حق دلیل است
فرشته گرچه دارد قرب درگاه
۱۲۰ چو نور او ملک را پر بسوزد
بود نور خرد در ذات انور
چو مُصْطَر با بصر نزدیک گردد
سیاهی گر بدانی نور ذات است
۱۲۵ سیه جز قابض نور بصر نیست
چه نسبت خاک را با عالم پاک
ولی در ذات حق محض گناه است
محال محض دان تحصیل حاصل
نگردد ذات او روشن ز آیات
کجا او گردد از عالم هویدا؟
که شَبَحات جلالش هست قاهر
که تاب خور ندارد چشم خفاش
چه جای گفت و گوی جبرئیل است
نگنجد در مقام «لی مع الله»
خرد را جمله پا و سر بسوزد
بسان چشم سر در چشمه خور
بصر ز ادراک او تاریک گردد
به تاریکی درون، آب حیات است
نظر بگذار کاین جای نظر نیست
که ادراک است عبج از درک ادراک

سیه روئی ز ممکن در دو عالم
سوادالوجه فی الدّارین درویش
چه می گویم که هست این سِرّ باریک
درین مشاهد که انوار تجلی است

۱۳۰

تمثیل

اگر خواهی که بینی چشمه خور
چو چشم سر ندارد طاقِ تاب
از او چون روشنی کمتر نماید
عدم آئینه هستی است مطلق
عدم چون گشت هستی را مقابل
شد آن وحدت ازین کثرت پدیدار
عدد گرچه یکی دارد بدایت
عدم در ذات خود چون بود صافی
حدیث «کنت کتزا» را فروخوان
عدم آئینه، عالم عکس و انسان
تو چشم عکسی و او نور دیده است
جهان انسان و انسان شد جهانی
چو نیکو بنگری در اصل این کار
حدیث قدسی این معنی بیان کرد
جهان را سر به سر آئینه ای دان
اگر یک قسطره را دل بر شکافی
به هر جزوی ز خاک ار بنگری راست
به اعضا پشه ای همچند پیل است
دل هر حبه ای صد خرمن آمد
به پر پشه ای در، جای جانی
بدان خردی که آمد حبه دل
به دل در، جمع گشته هر دو عالم
بین عالم همه در هم سرشته
همه با هم به هم چون دانه و بر

۱۳۵

۱۴۰

۱۴۵

۱۵۰

۱۵۵ به هم جمع آمده در نقطه حال
ازل عین ابد افتاده باهم
به هر یک نقطه زین دُور مسلسل
زهریک نقطه دُوری گشته دایر
اگر یک ذره را برگیری از جای
همه سرگشته و یک جزو از ایشان
۱۶۰ تعین هر یکی را کرده محبوس
تو گوئی دایماً در سیر و حبسند
همه در جنبش و دایم در آرام
همه از ذات خود پیوسته آگاه
۱۶۵ به زیر پرده هر ذره پنهان
جمال جاسقزای روی جانان

قاعده

تو از عالم همین لفظی شنیدی
چه دانستی ز صورت یا زمینی
بگو سیمرخ و کوه قاف چبُود؟
کدام است آن جهان چون نیست پیدا
همین نبود جهان آخر که دیدی
بیا بنما که جابلقا کدام است
مشارق را مغارب را بسیندیش
بیان «مِثْلُهن» از ابن عباس
تو در خوابی و این دیدن خیال است
به صبح حشر چون گردی تو بیدار
چو برخیزد حجاب از چشم احوّل
چو خورشید عیان بنمایدت چهر
فشد یک تاب از او بر سنگ خاره
بدان اکنون که کردن می توانی
چه می گویم حدیث عالم دل
جهان زان تو و تو مانده عاجز
چو محبوسان به یک منزل نشسته

۱۷۰

۱۷۵

۱۸۰

بیا برگو که از عالم چه دیدی؟
چه باشد آخرت، چونست دنیی؟
بهشت و دوزخ و أعراف چبُود؟
که یک روزش بود بس سال اینجا؟
نه «مالا تبصرون» آخر شنیدی؟
جهان شهر جابلسا چه نام است
چو این عالم ندارد از یکی بیش
شنو پس خویشتن را نیک بشناس
هر آنچه دیده ای از وی مثال است
بدانی کاین همه وهم است و پندار
زمین و آسمان گردد مبدل
نماند نور ناهید و مه و مهر
شود چون پشم رنگین پاره پاره
چو نتوانی چه سود آن را که دانی
ترا ای سرنشیب پای در گِل
ز تو محروم ترکس هست هرگز؟
به دست عجز پای خویش بسته

نشستی چون زنان در گنج اذبیر
دلیران جهان آغشته در خون
چه کردی فهم از دین العجایز؟
زنان چون ناقصان عقل و دینند
اگر مردی برون آی و نظر کن
میاسا روز و شب اندر مراحل
خلیل آسا برو حق را طلب کن
ستاره با مه و خورشید اکبر
بگردان زین همه ای راهرو روی
و یا چون موسی عمران درین راه
ترا تا پیش کوه هست فانی است
حقیقت کهریا، ذات تو کاه است
تجلی گر رسد بر کوه هستی
گدائی گردد از یک جذبه شاهی
برو اندر پی خواجه به اشرا
ببرون آی از سرای ام هانی
گذاری کن زکاف گنج کونین
دهد حق مر ترا هرچ آن بخواهی

۱۸۵

۱۹۰

۱۹۵

۲۰۰

قاعدة

به نزد آنکه چشمش بر تجلی است
عرض اعراب و جوهر چون حروف است
از و هر عالمی چون سورتی خاص
نخستین آیتش عقل کل آمد
دوم نفس کل آمد آیت نور
سوم آیت در او شد عرش رحمان
پس از وی جرمهای آسمانی است
نظر کن بنواز در جرم عناصر
پس از عنصر بود جرم سه مولود
به آخر گشت نازل نفس انسان

۲۰۵

۲۱۰

قاعدة

مشو محبوس ارکان و طبایع
تفکر کن تو در خلق سماوات
بین یک ره که تا خود عرش اعظم
چرا کردند نامش عرش رحمان
چرا در جنبش اند این هر دو مادام
مگر دل مرکز عرش بسیط است
برآید در شبانروزی کمابیش
از او در جنبش، اجسام مدور
زمشرق تا به مغرب همچو دولا
به هر روز و شبی این چرخ اعظم
وز او افلاک دیگر هم بر آن سان
ولی بر عکس دور چرخ اطلس
معدل کرسی ذات البروج است
حمل با ثور، با جوزا و خرچنگ
دگر میزان و عقرب، پس کمان است
ثوابت یک هزار و بیست و چارند
به هفتم چرخ، کیوان پاسبان است
بسود پنجم فلک بهرام را جای
سوم زهره، دوم جای عطارد
زحل را جدی و دلو و مشتری باز
حمل با عقرب آمد جای بهرام
چو زهره ثور و میزان ساخت گوشه
قمر خرچنگ را همچنس خود دید
قمر را بیست و هشت آمد منازل
پس از وی همچو عروج قدیم است
اگر در فکر گردی مرد کامل
کلام حق همی ناطق بدین است
وجود پشه دارد حکمت تام

۲۱۵

۲۲۰

۲۲۵

۲۳۰

۲۳۵

برون آی و نظر کن در صنایع
که تا ممدوح حق گردی در آیات
چگونه شد محیط هر دو عالم
چه نسبت دارد او با قلب انسان
که یک لحظه نمی گیرند آرام
که آن چون نقطه، وین دور محیط است
سرایای تو عرش ای مرد درویش
چرا گشتند؟ یک ره نیک بنگر
همی گردند دائم بی خور و خواب
کند دوری تمامی گردد عالم
به چرخ اندر همی باشند گردان
همی گردند این هفت مقوس
که آن را نه تفاوت، نه فروج است
بر او بر همچو شیر و خوشه آونگ
ز جدی و دلو و حوت آنجا نشان است
که بر کرسی مقام خویش دارند
ششم برجیس را جای و مکان است
به چارم، آفتاب عالم آرای
قمر بر چرخ دنیا گشت وارد
به قوس و حوت کرد انجام و آغاز
اسد خورشید را شد جای آرام
عطارد رفت در جوزا و خوشه
ذنب چون رأس شد یک عقده بگزید
شود با آفتاب آنگه مقابل
ز تقدیر عزیزی کو علیم است
هر آئینه که گوئی نیست باطل
که باطل دیدن از «ظن الدین» است
نباشد در وجود تیر و بهرام؟

ولی چون بنگری در اصل این کار
۲۴۰ منجم چون زایمان بی نصیب است
نمی بیند مر این چرخ مدور

فلک را بینی اندر حکم جبار
اثر گوید که از شکلی غریب است
به حکم و امر حق گشته مسخر

قاعدة

۲۴۵ تو گوئی هست این افلاک دوار
وز او هر لحظه ای دانای داور
هر آنچ اندر مکان و در زمانه ست
کواکب گر همه ز اهل کمالند
همه درگاه سیر و لون و اشکال
چرا که در حضيض و گه در اوج اند
دل چرخ از چه شد آخر پر آتش
همه انجم بر او گردان پیاده
۲۵۰ عناصر آب و باد و آتش و خاک
ملازم هر یکی در مرکز خویش
چهار اضداد در طبع و مراکز
مخالف هر یکی در ذات و صورت
موالید سه گانه گشته ز ایشان
۲۵۵ هیولا را نهاده در میانه
همه از امر و حکم داد داور
جماد از قهر بر خاک او افتاده
نزع جانور از صدق و اخلاص
همه بر حکم داور داده اقرار

تمثیل

۲۶۰ به اصل خویش یک ره نیک بنگر
جهان را سر به سر در خویش می بین
در آخر گشت پیدا نقش آدم
نه آخر علت غائی در آخر
ظُلومی و جَهولِی ضد نورند
که مادر را پدر شد باز مادر
هر آنچ آید به آخر پیش می بین
طفیل ذات او شد هر دو عالم
همی گردد به ذات خویش ظاهر؟
ولیکن مظهر عین ظهورند

۲۶۵ چو پشت آینه باشد مکدر
شعاع آفتاب از چارم افلاک
تو بودی عکس معبود ملایک
بود از هر تنی نزد تو جانی
از آن گشتند امرت را مسخر
۲۷۰ تو مغز عالمی زان در میانی
ترا ربع شمالی گشت مسکن
جهان عقل و جان سرمایه گشت
بین آن نیستی کو عین هستی است
طبیعی قوت تو ده هزار است
۲۷۵ از آن هر یک شود موقوف آلات
طبییان اندر آن گشتند حیران
نبرده هیچ کس ره سوی این کار
ز حق با هر یکی حظی و قسمی است
از آن اسم اند موجودات قایم
۲۸۰ به مبدا هر یکی زان مصدری شد
از آن در کاوّل آمد هم به در شد
از آن دانسته ای تو جمله اسما
ظهور قدرت و علم و ارادت
سمیعی و بصیر و حسی و گویا
۲۸۵ زهی اوّل که عین آخر آمد
تو از خود روز و شب اندر گمانی
چو انجام تفکر رشد تحیر

سؤال

که باشم من مرا از من خبر کن چه معنی دارد اندر خود سفر کن

جواب

۲۹۰ دگر کردی سؤال از من که من چیست
چو هست مطلق آید در اشارت
مرا از من خبر کن تا که من کیست
به لفظ من کنند از وی عبارت

نماید روی شخص از روی دیگر
نگردد منعکس جز از سر خاک
از آن گشتی تو مسجود ملایک
وز او در بسته با تو ریسمانی
که جان هر یکی در گشت مضمر
بدان خود را که تو جان جهانی
که دل در جانب چپ باشد از تن
زمان و آسمان پیرایه تست
بلندی را نگر کو ذات پستی است
ارادی برتر از حصر و شمار است
ز اعضاء و جوارح وز رباطات
فرو ماندند در تشریح ابدان
به عجز خویش هر یک کرده اقرار
معاد و مبداء هر یک ز اسمی است
بدان اسم اند در تسبیح دایم
به وقت بازگشتن چون دری شد
اگر چه در معاش او در بدر شد
که هستی صورت عکس مسما
به تست ای بنده صاحب کرامت
بقا داری، نه از خود، لیک از آنجا
زهی باطن که عین ظاهر آمد
همان بهتر که خود را می ندانی
بر اینجا ختم شد بحث تفکر

حقیقت کز تعین شد معین
من و تو عارض ذات وجودیم
همه یک نور دان اشباح و ارواح
تو گوئی لفظ «من» در هر عبارت
چو کردی پیشوای خود خرد را
بروای خواجه خود را نیک بشناس
من تو برتر از جان و تن آمد
به لفظ «من» نه انسان است مخصوص
یکی ره برتر از کون و مکان شو
ز خط و همی، های هویت
نماند در میانه رهرو و راه
بود هستی بهشت، امکان چو دوزخ
چو برخیزد ترا این پرده از پیش
همه حکم شریعت بر من و تست
من تو چون نماند در میانه
تعین نقطه و همی است بر عین
دو خطوه بیش نبود راه سالک
یک از های هویت در گذشتن
درین مشهد یکی شد جمع و افراد
تو آن جمعی که عین وحدت آمد
کسی این سرشناسد کو گذر کرد

۲۹۵

۳۰۰

۳۰۵

۳۱۰

سؤال

مسافر چون بود رهرو کدام است که را گویم که او مرد تمام است

جواب

دگر گفתי مسافر کیست در راه
کسی کو شد ز اصل کار آگاه
مسافر آن بود کو بگذرد زود
ز خود صافی شود چون آتش از دود
سلوکش سیر کشفی دان ز امکان
سوی واجب به ترک شین و نقصان
به عکس سیر اول در منازل
رود تا گردد او انسان کامل

۳۱۵

تمثیل

بدان اول که تا چون گشت موجود
در اطوار جمادی بسود پیدا
پس آنکه جنبشی کرد او ز قدرت
پس از وی شد ز حق صاحب ارادت
به طفلی کرد باز احساس عالم
وز آن بالفعل شد وسواس عالم
چو جزویات شد در وی مرتب
به کلیات ره برد از مرکب
غضب گشت اندر او پیدا و شهوت
وز ایشان خاست بخل و حرص و نخوت
به فعل آمد صفتهای ذمیمه
بتر شد از دد و دیسو و بهیمه
تنزل را بود این نقطه اسفل
که شد با نقطه‌ی وحدت مقابل
شد از افعال، کثرت بی نهایت
مقابل گشت از این رو با بدایت
اگر گردد مقید اندرین دام
به گمراهی بود کمتر از انعام
و گر نوری رسد از عالم جان
دلش با لطف حق همراز گردد
ز جذبه یا ز برهان یقینی
از آن راهی که آمد باز گردد
کند یک رجعت از سجن فجار
رهی یابد به ایمان یقینی
به توبه متصف گردد در آن دم
رخ آرد سوی علین ابرار
ز افعال نکوهیده شود پاک
شود در اصفافا ز اولاد آدم
چو یابد از صفات بد نجاتی
چو ادریس نبی آید بر افلاک
نماند قدرت جزویش در کل
شود چون نوح از آن صاحب ثباتی
ز افعال نکوهیده شود پاک
خلیل آسا شود صاحب توکل
ارادت با رضای حق شود ضم
رود چون موسی اندر باب اعظم
ز علم خویشتن یابد رهائی
چو عیسی نبی گردد سمائی
دهد یک باره هستی را به تاراج
در آنجا نه ملک گنجد نه مرسل
رسد چون نقطه‌ی آخر به اول

۳۲۰

۳۲۵

۳۳۰

۳۳۵

تمثیل

نبی چون آفتاب آمد ولی ماه
مقابل گردد اندر «لی مع الله»
نبوت در کمال خویش صافی است
ولایت اندر او پیدا، نه مخفی است
ولایت در ولی پوشیده باید
ولی اندر نبی پیدا نماید
ولی از پیروی چون همدم آمد
نبی را در ولایت محرم آمد

۳۴۰

ز «ان کنتم تحبون» یابد او راه
در آن خلوت سرا محبوب گردد
۳۴۵ بود تابع ولی از روی معنی
ولی وقتی رسد کارش به اتمام
بسه خلوتخانه «یحییکم الله»
به حق یک بارگی مجذوب گردد
بود عابد ولی در کوی معنی
که با آغاز گردد باز انجام

قاعده

کسی مرد تمام است کز تمامی
پس آنگاهی که ببرید او مسافت
۳۵۰ بقایی یابد او بعد از فنا باز
شریعت را شعار خویش سازد
حقیقت خود مقام ذات او دان
به اخلاق حمیده گشته موصوف
همه با او ولی او از همه دور
کند با خواجگی کار غلامی
نهد حق بر سرش تاج خلافت
رود ز انجام ره دیگر به آغاز
طریقت را دثار خویش سازد
شده جامع میان کفر و ایمان
به علم و زهد و تقوی بوده معروف
به زیر قبه‌های سر مستور

تمثیل

تسبه گردد سراسر مغز بادام
ولی چون پخته شد، بی پوست نیکوست
۳۵۵ شریعت پوست، مغز آمد حقیقت
خلل در اه سالک نقض مغز است
چو عارف با یقین خویش پیوست
وجودش اندرین عالم نیاید
۳۶۰ وگر بر پوست تابد تابش خور
درختی گردد او از آب و از خاک
همان دانه برون آید دگر بار
چو سیر حبه بر خط شجر شد
چو شد در دایره سالک مکمل
۳۶۵ دگر باره شود مانند پرگار
تناسخ نبود این کز روی معنی
و قد سئلوا و قالوا مالنا لنهاية
فقد قيل الرجوع الى البداية
گرش از پوست بخراشی گه خام
اگر مغزش برآری، بر کنی پوست
میان این و آن باشد طریقت
چو مغزش بسته شد بی پوست نغز است
رسیده گشت مغز و پوست بشکست
برون رفت و دگر هرگز نیاید
در این نشوونما گردد چو توپ
که شاخش بگذرد از چارم افلاک
یکی صد گشته از تقدیر جبار
ز نقطه خط، ز خط دوری دگر شد
رسد هم نقطه‌ای آخر به اول
بر آن کاری که اول بود بر کار
ظهورات است در عین تجلی
فقد قيل الرجوع الى البداية

قاعده

نـبـوت را ظهور از آدم آمد
ولایت بود باقی تا سفر کرد
۳۷۰ ظهور کـل او باشد به خاتم
وجود اولیا او را چو عضوند
چو او با خواجه یابد نسبت و نام
شود او مقتدای هر دو عالم
کمالش در وجود خاتم آمد
چو نقطه در جهان دوری دگر کرد
بدو گردد تمامی دور عالم
که او کل است و ایشان همچو جزوند
از او با ظاهر آید رحمت عام
خلیفه گردد از اولاد آدم

تمثیل

چو نور آفتاب از شب جدا شد
دگر باره ز دور چرخ دور
۳۷۵ بود نور نبی خورشید اعظم
اگر تاریخ عالم را بخوانی
ز خور هر دم ظهور سایه‌ای شد
زمان خواجه وقت استوا بود
۳۸۰ به خط استوا بر قامت راست
چو کرد او بر صراط حق اقامت
نبودش سایه کان دارد سیاهی
ورا قبله میان غرب و شرق است
به دست او چو شیطان شد مسلمان
مراتب جمله زیر پایه‌ی اوست
۳۸۵ ز نورش شد ولایت سایه گستر
زهر سایه که اول گشت حاصل
کنون هر عالمی باشد ز امت
نبی چون در نبوت بود اکمل
ولایت شد به خاتم جمله ظاهر
۳۹۰ از او عالم شود پر امن و ایمان
نماند در جهان یک نفس کافر
بود از سر وحدت واقف حق
ترا صبح و طلوع و استوا شد
زوال و عصر و مغرب شد پدیدار
گه از موسی پدید و گه از آدم
مراتب را یکایک باز دانی
که آن معراج دین را پایه‌ای شد
که از هر ظل و ظلمت او جدا بود
ندارد سایه پیش و پس، چپ و راست
به امر «فاستقم» می داشت قامت
زهی نور خدا، ظل الهی
ازیرا در میان نور غرق است
به زیر پای او شد سایه پنهان
وجود خاکیان از سایه‌ی اوست
مشارق یا مغارب شد برابر
در آخر شد یکی دیگر مقابل
رسولی را مقابل در نبوت
بود از هر ولی ناچار افضل
بر اول نقطه هم ختم آمد آخر
جماد و جانور یابند از او جان
شود عدل حقیقی جمله ظاهر
در او پیدا نسماید وجه مطلق

سؤال

که شد بر سر وحدت واقف آخر شناسای چه آمد عارف آخر

جواب

۳۹۵ کسی بر سر وحدت گشت واقف
دل عارف شناسای وجود است
بجز هست حقیقی، هست نشناخت
وجود تو همه خار است و خاشاک
برو تو خانه‌ی خود را فرو رو
چو تو بیرون شدی، او اندر آید
کسی کو از نوافل گشت محبوب
درون جای محمود او مکان یافت
ز هستی تا بود باقی بر او شین
موانع تا نگردانی ز خود دور
۴۰۵ موانع چون درین عالم چهار است
نخستین پاکی از احداث و انجاس
سیم پاکی ز اخلاق ذمیمه است
چهارم پاکی سیر است از غیر
هر آن کو کرد حاصل این طهارات
تو تا خود را بکلی در نبازی
چو ذات پاک گردد از همه شین
نماند در میانه هیچ تمیز

سؤال

اگر معروف و عارف ذات پاک است چه سودا در سر این مشت خاک است

جواب

۴۱۵ ممکن بر نعمت حق نا سپاسی
جز او معروف و عارف نیست دریاب
عجب نبود که ذره دارد امید
که تو حق را به نور حق شناسی
ولیکن خاک می‌یابد ز خور تاب
هوای تاب مهر و نور خورشید

به یاد آور مقام و حال فطرت
«الست بریک» ایزد که را گفت؟
در آن روزی که گل‌ها می‌سرشتند؟
اگر نامه را یک ره بخوانی
۴۲۰ تو بستی عقد و عهد بندگی دوش
کلام حق بدان گشته است منزل
اگر تو دیده‌ای حق را به آغاز
صفاتش را بسین امروز اینجا
۴۲۵ و گرنه رنج خود ضایع مگردان
کز آنجا باز دانی اصل فکرت
که بود آخر که آن ساعت بلی گفت؟
به دل در، قصه‌ی ایمان نوشتند
هر آن چیزی که می‌خواهی بدانی
ولی کردی به نادانی فراموش
که با یادت دهد آن عهد اول
در آنجا هم توانی دیدنش باز
که تا ذاتش توانی دید فردا
برو بنیوش «لانهدی» زقرآن

تمثیل

ندارد باورت آگمه ز الوان
سپید و زرد و سرخ و سبز و کاهی
نگر تا کور مادرزاد بدحال
خرد از دیدن احوال عقیبا
۴۳۰ و رای عقل طوری دارد انسان
بسان آتش اندر سنگ و آهن
چو بر هم افتاد آن سنگ و آهن
از آن مجموع پیدا گردد این راز
تسوئی تو نسخه‌ی نقش الهی
وگر صد سال گوئی نقل و برهان
به نزد وی نباشد جز سیاهی
کجا بینا شود از گُلِ گسّال
بود چون کور مادرزاد دنیا
که بشناسد بدان اسرار پنهان
نهادست ایزد اندر جان و در تن
زنورش هر دو عالم گشت روشن
چو بشنیدی برو خود را برانداز
بجو از خویش هر چیزی که خواهی

سؤال

۴۳۵ کدامین نقطه از نطق است انا الحق چه گوئی، هرزه بود آن رمز مطلق

جواب

۴۴۰ انا الحق کشف اسرار است مطلق
همه ذرات عالم همچو منصور
درین تسبیح و تهلیلند دایم
اگر خواهی که گردد بر تو آسان
چو کردی خویشتن را پنبه کاری
جز او حق کیست تا گوید انا الحق
تو خواهی مست گیر و خواه مخمور
بدین معنی همه باشند قایم
«وان من شیء» را یک ره فرو خوان
تو هم حلاج وار این دم بر آری

بر آور پنبه‌ی پندارت از گوش
 ندا می‌آید از حق بر دوامت
 درآ در وادی ایمن که ناگاه
 هر آنکس را که اندر دل شکی نیست
 ۴۴۵ آنانیّت بود حق را سزاوار
 جناب حضرت حق را دوئی نیست
 من و ما و تو و او هست یک چیز
 هر آن کو خالی از خود چون خلا شد
 ۴۵۰ شود با وجه باقی غیر هالک
 حلول و اتحاد اینجا محال است
 حلول و اتحاد از غیر خیزد
 تعین بود کز هستی جدا شد
 وجود خلق و کثرت در نمود است

تمثیل

بسنه آئینه‌ای اندر برابر
 یکی ره باز بین تا کیست آن عکس
 ۴۵۵ چو من هستم به ذات خود معین
 عدم باهستی آخر چون شود ضم
 چو ماضی نیست مستقبل مه و سال
 یکی نقطه است و همی گشته ساری
 ۴۶۰ جز از من اندرین صحرا دگر کیست
 عرض فانی است، جوهر زو مرگب
 زطول و عرض و از عمق است اجسام
 ازین جنس است اصل جمله عالم
 جز از حق نیست دیگر هستی الحق
 ۴۶۵ نمود و همی از هستی جدا کن

سؤال

چرا مخلوق را گویند واصل سلوک و سیر او را گشت حاصل

جواب

وصال حق ز خلقت جدائی است
 چو ممکن گرد امکان برفشاند
 وجود هر دو عالم چون خیال است
 ۴۷۰ نه مخلوق است آن کو گشت واصل
 عدم کی راه یابد اندرین باب
 عدم چنود که با حق واصل آید
 اگر جانت شود زین معنی آگاه
 تو معدوم و عدم پیوسته ساکن
 ۴۷۵ ندارد هیچ جوهر بی عرض عین
 حکیمی کاندرین فن کرد تصنیف
 هیولی چیست جز معدوم مطلق
 چو صورت بی هیولی در قدم نیست
 شده اجسام عالم زین دو معدوم
 ۴۸۰ بسین ماهیت را بی کم و بیش
 نظر کن در حقیقت سوی امکان
 وجود اندر کمال خویش ساری است
 امور اعتباری نیست موجود
 جهان را نیست هستی جز مجازی

تمثیل

بخاری مسرتفع گردد ز دریا
 ۴۸۵ شعاع آفتاب از چارم افلاک
 کند گرمی دگرره عزم بالا
 چو با ایشان شود خاک و هوا ضم
 غذای جانور گردد ز تبدیل
 ۴۹۰ شود یک نقطه و گردد در اطوار
 چو نور نفس گویا بر تن آید
 شود طفل و جوان و کهل و کمپیر

زخود بیگانه گشتن آشنائی است
 بجز واجب دگر چیزی نماند
 که در وقت بقا عین زوال است
 نگوید این سخن را مرد کامل
 چه نسبت خاک را با رب ارباب
 وز او سیر و سلوکی حاصل آید
 بگسویی در زمان استغفرالله
 به واجب کی رسد معدوم ممکن؟
 عرض چنود که لایبقی زمانین
 به طول و عرض و عمقش کرد تعریف
 که می‌گردد بدو صورت محقق
 هیولی نیز بی او جز عدم نیست
 که جز معدوم از ایشان نیست معلوم
 نه معدوم و نه موجود است درخویش
 که او بی هستی آمد عین نقصان
 تعین‌ها امور اعتباری است
 عدد بسیار و یک چیز است معدوم
 سراسر کار او لهُو است و بازی

۴۹۵
رسد آنگه اجل از حضرت پاک
همه اجزای عالم چون نباتند
زمان چون بگذرد بر وی شود باز
رود هر یک از ایشان سوی مرکز
چو دریائی است وحدت، لیک پر خون
نگر تا قطره‌ی باران ز دریا
بخار و ابر و باران و نم و گیل
همه یک قطره بود آخر در اول
جهان از عقل و نفس و چرخ و اجرام
اجل چون در رسد در چرخ و انجم
چو موجی بر زند گردد جهان طمس
خیال از پیش برخیزد به یک بار
۵۰۵
ترا قریبی شود آن لحظه حاصل
وصال این جایگه رفع خیال است
مگو ممکن ز حد خویش بگذشت
هر آن کو در معانی هست فایق
هزاران نشاء داری خواجه در پیش
۵۱۰
همه جزو و کل نشئات انسان

سؤال

وصال ممکن و واجب به هم چیست حدیث قرب و بُعد و بیش و کم چیست

جواب

۵۱۵
زمن بشنو حدیث بی‌کم و بیش
چو هستی را ظهور اندر عدم شد
قرب آن هست کورا رش نور است
اگر نوری ز خود در تو رساند
چه حاصل مر تو را زین بود و نابود
نترسد زو کسی کو را شناسد
نماند خوف اگر گردی روانه
ز نزدیکی تو دور افتادی از خویش
از آنجا قرب و بُعد و بیش و کم شد
بعید آن نیستی کز هست دور است
ترا از هستی خود واره‌اند
کز او گاهیت خوف و گه رجا بود
که طفل از سایه‌ی خود می‌هراسد
نخواهد اسب تازی تازیانه

۵۲۰
ترا از آتش دوزخ چه بپاک است
از آتش زَرّ خالص بر فروزد
ترا غیر تو چیزی نیست در پیش
اگر در خویشتن گردی گرفتار
توئی در دُور هستی جزو اسفل
تعیّن‌های عالم بر تو طاری است
۵۲۵
از آن گوئی مرا خود اختیار است
زمام‌تن به دست جان نهادند
ندانسی کاین ره آتش پرستی است
کدامین اختیار ای مرد جاهل
چو بود تست یکسر همچو نابود
۵۳۰
کسی کو را وجود از خود نباشد
که را دیدی تو اندر جمله عالم
که را شد حاصل آخر جمله امید
مراتب باقی و اهل مراتب
اثر از حق شناس اندر همه جای
۵۳۵
ز حال خویشتن پرس این قدر چیست
هر آنکس را که مذهب غیر جبر است
چنان کان گبر، یزدان و اهرمن گفت
به ما افعال را نسبت مجازی است
نبودی تو که فعلت آفریدند
۵۴۰
به قدرت بی‌سبب دانای بر حق
مقدّر کرده پیش از جان و از تن
یکی هفتصد هزاران ساله طاعت
دگر از معصیت نور و صفا دید
عجب تر آنکه این از ترک مأمور
۵۴۵
مر آن دیگر ز منهی گشت ملعون
جَناب کبریای تست، لایق
چه بود اندر ازل ای مرد نااهل
کسی کو با خدا چون و چرا گفت
که از هستی تن و جان تو پاک است
چو غشی نبود اندر وی چه سوزد
ولیکن از وجود خود بیندیش
حجاب تو شود عالم به یک بار
توئی با نقطه‌ی وحدت مقابل
از آن گوئی چو شیطان همچو من کیست
تن من مرکب و جانم سوار است
همه تکلیف بر من زان نهادند
همه این آفت و شومی ز هستی است
کسی را کو بود بالذات باطل
نگوئی اختیارت از کجا بود؟
به ذات خویش نیک و بد نباشد
که یک دم شادمانی یافت بی‌غم
که باقی در جهان مانده است جاوید؟
به زیر امر حق «والله غالب»
ز حدّ خویشتن بیرون منه پای
وز آنجا باز دان که اهل قدر کیست
نسبی فرمود کو مانند گبر است
خود آن نادان احمق او و من گفت
نسب خود در حقیقت لهُو و بازی است
ترا از بهر کاری برگزیدند
به علم خویش حکمی کرده مطلق
برای هر یکی کاری معین
به جای آورد و کسردش طوق لعنت
چو توبه کرد نام اصطفا دید
شد از الطاف حق مرحوم و مغفور
زهی فعل تو بی‌چند و چه و چون
مسنّزه از قیاسات خلائق
که این یک شد محمد و آن اباجهل
چو مشرک حضرتش را ناسزا گفت

۵۵۰ ورا زبید که پرسد از چه و چون
خداوندی همه در کبریا است
سزاوار خدائی لطف و قهر است
کرامات آدمی را اضطرار است
نبوده هیچ چیزش هرگز از خود
ندارد اختیار و گشته مأمور
۵۵۵ نه ظلم است این که عین علم و عدل است
به سرعت زان سبب تکلیف کردند
چو از تکلیف حق عاجز شوی تو
به کلیت رهائی یابی از خویش
برو جان پدر تن در قضا ده
به تقدیرات ربانی رضا ده

سؤال

۵۶۰ چه بحر است آنکه نطقش ساحل آمد
ز قعر او چه گوهر حاصل آمد

جواب

یکی دریاست هستی، نطق ساحل
به هر موجی هزاران دُر شهور
هزاران موج خیزد هر دم از وی
وجود علم از آن دریای ژرف است
۵۶۵ معانی چون کند اینجا تنزل

تمثیل

شنیدم من که اندر ماه نیسان
ز شیب قعر بحر آید برافراز
بخاری مرتفع گردد ز دریا
چکد اندر دهانش قطره‌ای چند
۵۷۰ رود تا قعر دریا با دل پر
به قعر اندر رود غواص دریا
تن تو ساحل و هستی چو دریاست
بخارش فیض و باران اسم اسماست

خرد غواص این بحر عظیم است
دل آمد علم را مانند یک ظرف
۵۷۵ نفس گردد روان چون برق لامع
صدف بشکن برون کن دُر شهور
لغت با اشتقاق و نحو با صرف
هر آن کو جمله عمر خود درین کرد
ز جورش قشر سبز افتاد در دست
۵۸۰ بلی بی پوست ناپخته است هر مغز
ز من جان برادر پند بنیوش
که عالم در دو عالم سروری یافت
عمل کان از سر احوال باشد
ولی کاری کز و آب و گِل آید
۵۸۵ میان جسم و جان بنگر چه فرق است
از اینجا باز دان احوال اعمال
نه علم است آنکه دارد میل دنیی
نگردد جمع هرگز علم با آرز
علوم دین ز اخلاق فرشته است
۵۹۰ حدیث مصطفی آخر همین است
درون خانه‌ای گر هست صورت
برو بزدا روی تخته‌ی دل
ازو تحصیل کن علم وراثت
کتاب حق بخوان از نفس و آفاق

قاعده

۵۹۵ اصول خلق نیک آمد عدالت
حکیمی راست گفتار است و کردار
به حکمت باشدش جان و دل آگه
به عفت شهوت خود کرده مستور
شجاع و صافی از ذل و تکبر
عدالت چون شعار ذات او شد
۶۰۰ پس از وی حکمت و عفت، شجاعت
کسی کو متصف گردد بدین چار
نه گریز باشد و نه نیز ابله
شره همچون خمود از وی شده دور
مبرا ذاتش از جبن و تهور
ندارد ظلم از آن خلقتش نکو شد

همه اخلاق نیکو در میانه است
میانه چون صراط مستقیم است
به باریکی و تیزی موی شمشیر
عدالت چون یکی دارد ز اعداد
به زیر هر عدد سرّی نهفت است
چنان کز ظلم شد دوزخ مهیا
جزای عدل نور و رحمت آمد
ظهور نیکوئی در اعتدال است
مرگب چون شود مانند یک چیز
بسیطالذات را مانند گردد
نه پیوندی که از ترکیب اجزاست
چو آب و گِل شود یک باره صافی
چو یابد تسویت اجزای ارکان
شعاع جان سوی تن وقت تعدیل

۶۰۵

۶۱۰

تمثیل

اگر چه خور به چرخ چارمین است
طبیعت های عنصر نزد خور نیست
عناصر جمله از وی گرم و سرد است
بود حکمش روان چون شاه عادل
چو از تعدیل گشت ارکان موافق
نکاح معنوی افتاد در دین
از ایشان می پدید آید فصاحت
ملاحت از جهان بسی مثالی
به شهرستان نیکوئی علم زد
گاهی بر رخسار حسن او شهسوار است
بود در شخص خوانندش ملاحت
ولی و شاه و درویش و پیغمبر
درون حسن روی نیکوان چیست
جز از حق می نیاید دلربائی

۶۱۵

۶۲۰

۶۲۵

کجا شهوت دل مردم رباید
که حق گه گه ز باطل می نماید
مؤثر حق شناس اندر همه جای
۶۳۰ ز حید خویشان بیرون منه پای
حق اندر کسوت حق بین و حق دان
حق اندر باطل آمد کار شیطان

سؤال

چه جزو است آنکه او از کل فزون است
طریق رفتن آن جزو چون است

جواب

وجود آن جزو دان کز کل فزون است
که موجود است کل، وین باژگون است
بود موجود را کثرت برونی
که از وحدت ندارد جز درونی
وجود کل ز کثرت گشت ظاهر
۶۳۵ که او در وحدت جزو است سایر
ندارد کل وجودی در حقیقت
که او چون عارضی شد بر حقیقت
چو کل از روی ظاهر هست بسیار
شود از جزو خود کمتر به مقدار
نه آخر واجب آمد جزو هستی
وجود کل، کثیر واحد آید
۶۴۰ غرض شد هستی بی کان اجتماعی است
به هر جزوی ز کل کان نیست گردد
جهان کل است و در هر طرفه العین
دگر باره شود پیدا جهانی
به هر لحظه جهان این کهنه پیر است
در او چیزی دو ساعت می نیاید
۶۴۵ ولیکن «طامة الکبری» نه این است
از آن تا این بسی فرق است زنهان
نظر بگشای در تفصیل و اجمال
نگر در ساعت و روز و مه و سال

تمثیل

اگر خواهی که این معنی بدانی
ترا هم هست مرگ و زندگانی
هر آنچه در جهان از زیر و بالا است
۶۵۰ مثالش در تن و جان تو پیدا است
جهان چون تست یک شخص معین
تو او را گشته ای جان، او ترا تن
سه گونه نوع انسان را ممت است
یکی هر لحظه و آن بر حسب ذات است

دو دیگر زان ملمات اختیاری است
چو مرگ و زندگی باشد مقابل
جهان را نیست مرگ اختیاری ۶۵۵
ولی هر لحظه می گردد مبدل
هر آنچه گردد اندر حشر پیدا
تن تو چون زمین، سر آسمان است
چو کوه است استخوانهایی که سخت است
تنت در وقت مردن از ندامت ۶۶۰
دماغ آشفته و جان تیره گردد
مشامت گردد از خوی همچو دریا
شود از جان گنش ای مرده مسکین
به هم پیچیده گردد ساق با ساق
چو روح از تن به کلیت جدا شد ۶۶۵
بدین منوال باشد حال عالم
بقا حق راست باقی، جمله فانی است
چو «کل من علیها» را بیان کرد
بود ایجاد و اعدام دو عالم
همیشه خلق در خلق جدید است ۶۷۰
همیشه فیض و فضل حق تعالی
از آن جانب بود ایجاد و تکمیل
ولیکن چون گذشت این طور دنیی
که هر چیزی که بینی بالضرورت
وصال اولین عین فراق است ۶۷۵
مظاهر چون فتد بر وفق ظاهر
بقا اسم وجود آمد ولیکن
هر آنچه هست بالقوه در این دار

قاعدة

ز تو هر فعل که اول گشت صادر ۶۸۰
به هر باری اگر نفع است، اگر ضرر
بدان گردی به باری چند قادر
شود در نفس تو چیزی مدخر

به عادت حالها با خوی گردد
از آن آموخت انسان پیشه ها را
ز تو افعال و احوال مدخر
چو عریان گردی از پیراهن تن ۶۸۵
تنت باشد و لیکن بی کدورت
همه پیدا شوند آنجا ضمائر
دگر باره به وفق عالم خاص
چنان کز قوت عنصر در اینجا
همه اخلاق تو در عالم جان ۶۹۰
تعیین مرتفع گردد ز هستی
نماند مرگت اندر دار حیوان
بود پا و سر و چشم تو چون دل
کند از نور حق بر خود تجلی
دو عالم را همه بر هم زنی تو ۶۹۵
«سقا هم ربهم» چنود بیندیش
زهی شربت، زهی لذت، زهی ذوق
خوشا آن دم که ما بی خویش باشیم
نه دین، نه عقل، نه تقوی، نه ادراک
بهشت و حور و خلد آنجا چه سنجد ۷۰۰
چو رویت دیدم و خوردم از آن می
پی هر مستی بی باشد خماری

سؤال

قدیم و محدث از هم چون جدا شد
که این عالم شد، آن دیگر خدا شد

جواب

قدیم و محدث از هم خود جدا نیست
همه آنست و این مانند عنقا است ۷۰۵
عدم موجود آرد، این محال است
نه آن این گردد و نه این شود آن
که از هستی است باقی دائماً نیست
جز از حق جمله اسم بی مسماست
وجود از روی هستی لایزال است
همه اشکال گردد بر تو آسان

جهان خود جمله امر اعتباری است
بسیرو یک نقطه‌ی آتش بگردان
یکی گر در شمار آید بناچار
حدیث ماسوی الله را رها کن
چه شک‌داری در آن، کاین چون خیال است
عدم مانند هستی بود یکتا
ظهور اختلاف و کثرت شان
وجود هر یکی چون بود واحد

۷۱۰

سؤال

۷۱۵ چه خواهد مرد معنی ز آن عبارت
چه جوید از سر زلف و خط و خال
که سوی چشم و لب دارد اشارت
کسی کاندلر مقامات است و احوال

جواب

هر آن چیزی که در عالم عیان است
جهان چون خط و خال و زلف و ابروست
تجلی گه جمال و گه جلال است
صفات حق تعالی لطف و قهر است
چو محسوس آمد این الفاظ مسموع
ندارد عالم معنی نهایت
هر آن معنی که شد از ذوق پیدا
چو اهل دل کند تفسیر معنی
۷۲۵ که محسوسات از آن عالم چو سایه است
به نزد من خود الفاظ مأول
که محسوسات خاص از عرف عام است
نظر چون در جهان عقل کردند
تناسب را رعایت کرد عاقل
ولی تشبیه کلی نیست ممکن
۷۳۰ در این معنی کسی را بر تو دق نیست
ولی تا با خودی زنهار، زنهار
چو عکس آفتاب آن جهان است
همه چیزی به جای خویش نیکوست
رخ و زلف آن معانی را مثال است
رخ و زلف بستان را زان دو بهر است
نخست از بهر محسوسند موضوع
کجا بیند مر او را لفظ غایت
کجا تعبیر لفظی یابد او را
به مانند‌ی کنند تعبیر معنی
که این چون طفل و آن مانند دایه است
بدان معنی فتاد از وضع اول
چه داند عام کان معنی کدام است
از آنجا لفظها را نقل کردند
چو سوی لفظ، معنی گشت نازل
ز جست و جوی آن می‌باش ساکن
که صاحب مذهب اینجا غیر حق نیست
عبارات شریعت را نگه‌دار

۷۳۵ که رخصت اهل دل را در سه راه است
هر آن کس کوشناسد این سه حالت
ترا چون نیست احوال مواجید
مجازی نیست احوال حقیقت
گزاف ای دوست ناید ز اهل تحقیق
بگفتم وضع الفاظ و معانی
نظر کن در معانی سوی غایت
به وجه خاص از آن تشبیه می‌کن
۷۴۰ چو شد این قاعده یک سر مقرر
فنا و سکر و سه دیگر دلال است
بدانند وضع الفاظ و دلالت
مشو کافر زندانی به تقلید
نه هر کس یابد اسرار طریقت
مر این را کشف باید یا نه تصدیق
ترا سرگشته گر دارد بدانی
لوازم را یک‌ایک کن رعایت
ز دیگر وجه‌ها تنزیه می‌کن
نمایم زان مثالی چند دیگر

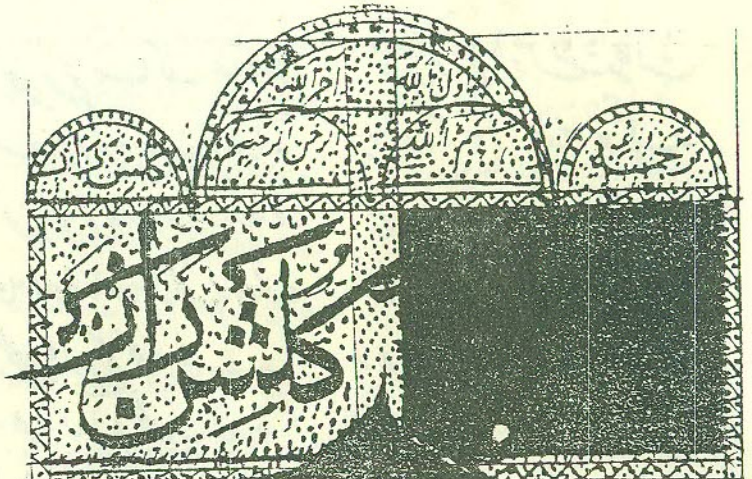
فهرست منابع (قائناقلار)*

۱. قرآن کریم
۲. آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن. *الدریعه الی تصانیف الشیعه*، نجف، ۱۹۵۹.
۳. یورسلی، محمد طاهر. *عنه الملی مؤلف لری*، اسلامبول، ۱۳۳۳.
۴. یوسنوی، عبدالله. *قصص الحکم شرحی*، اسلامبول، ۱۲۹۰.
۵. تربیت، محمد علی. *دانشمندان آذربایجان*، تهران، ۱۳۱۴.
۶. خیامپور، عبدالرسول. *فرهنگ سخنوران*، تبریز، ۱۳۴۰.
۷. دهخدا، علی اکبر. *لغت نامه*، تهران، ۱۳۴۷.
۸. زرین کوب، عبدالحسین. *جستجو در تصوف ایران*، تهران، ۱۳۵۷.
۹. ساری عبدالله. *ثمرات القواد*، اسلامبول، ۱۲۸۸.
۱۰. شبستری شیخ محمود. *مجموعه آثار شیخ محمود شبستری*، به اهتمام دکتر صمد موحد، تهران، ۱۳۶۵.
۱۱. _____، *گلشن راز*، به تصحیح قربانعلی محمدزاده، باکو، ۱۹۷۳.
۱۲. _____، *گلشن راز*، به تصحیح جواد نوربخش، تهران، ۱۳۵۵.

۱۳. شیخ صفی الدین اردبیلی. *قاراه مجموعه*، حاضیر لایان حسین محمدزاد صدیق، تهران، ۱۳۸۰.
۱۴. عمید، حسن. *فرهنگ عمید*، تهران، ۱۳۵۴.
۱۵. عین القضاة همدانی، *تمهیدات*، به کوشش عقیق عسیران، تهران، ۱۳۴۱.
۱۶. فردوسی توسی، ابوالقاسم. *یوسف و زلیخا*، به اهتمام حسین محمدزاد صدیق، تهران، ۱۳۶۹.
۱۷. فروزانفر، بدیع الزمان. *احادیث منتهوی*، تهران، ۱۳۷۷.
۱۸. کاتب چلبی، *کشف الفنون عن اسماء الکتاب و الفنون*، اسلامبول ۱۲/ ۱۳۶۰.
۱۹. کر بلائی، حلفظ حسین. *روضات الجنان و جنان الجنان*، به کوشش جعفر سلطان القرایی، تهران، ۱۳۴۹.
۲۰. کوپرولوزاده، محمد فؤاد. *تورک ادبیاتیندا ایک متصوفلر*، اسلامبول، ۱۹۱۸ م.
۲۱. لاهیجی، محمد بن یحیی، *مقالات الاعجاز فی شرح گلشن راز*، به کوشش کیوان سمعی، تهران، ۱۳۳۷.
۲۲. محمدزاد صدیق، حسین. *سیری در اشعار ترکی مکتب مولویه*، تهران، ۱۳۶۹.
۲۳. _____، *برگزیده متون نظم و نثر ترکی ایران*، تهران، ۱۳۷۱.
۲۴. مدرس، محمد علی. *ریحانه الادب فی تراجم المعروفین بالکتابیه و اللقب*، تبریز، ۱۳۴۶.
۲۵. منزوی، احمد. *فهرست نسخه های خطی*، تهران، ۱۳۴۹.
۲۶. معین، محمد. *فرهنگ فارسی*، تهران، ۱۳۴۲.
۲۷. مولوی رومی، جلال الدین محمد. *منتهوی*، به کوشش رونالد نیکلسون، تهران، ۱۳۷۰ (افست).
۲۸. نرائی، امیر علی شیر. *مجالس النقائس*، به کوشش علی اصغر حکمت، تهران، ۱۳۳۳.
۲۹. هدایت، رضاقلیخان. *مجمع التصحیح*، به کوشش مظفر مصفا، تهران، ۱۳۳۹.

30. *Azərbaycan Dilinin Diyalektoloji Lügəti*, Bakı, AEA nəşriyyatı, 1964.
31. *Azərbaycan Dilinin Qərb Qurupu Diyalekti və Şivələri*, Bakı, AEA nəşriyyatı,
32. *Azərbaycan Dilinin İzahlı Luğəti*, Bakı, Elm nəşriyyatı, 1967-1987.
33. *Azərbaycan Ədəbiyyatı Tarixi*, Bakı, AEA nəşriyyatı, 1960.
34. Banarlı N.S., *Resimli Türk Edebiyatı Tarihi*, 1988.
35. Ergin M., *Türk Dili ve Edebiyatı Dergisi*, 1950. N-4
36. Ergin M., *Gülşeni-Raz Tercümesi*, TDİD. 1926, N-4
37. Flemming B. *Türkische handschriften teil I. Verzeichnis der Orientalischen handschriften in Deutschland. Band XIII*, I. Wiesbaden, 1968.
38. Gölpınarlı A., *Gülşen-i Raz Tercümesi*, İst., 1971.
39. *İslam Ansiklopedisi*, I, II. İst., 1949.
40. Kaşgarlı M., *Divanü Luğat-it Türk*, Çeviren Besim Atalay, Ankara, 1939.
41. Nağısoylu M., *Orta Çağlar Azerbaycanında Tercüme Sanatı*, Bakı, 2000.
42. Pertsch W., *Die Handschriften -Verzeichnisse der Königlichen Bibliothek zu Berlin*, 1889.
43. Reiv, ch., *Catalogue of the Turkish manuscripts in the British Museum*, London - 1888
44. *Tarama Sözlüğü* (XIII Asırdan Günümüze Kadar Kitaplardan Toplanmış Tanıklarıyla Tarama Sözlüğü), Ankara, 1941-1945.
45. Vasfi Mahir Kocatürk, *Türk Edebiyatı Tarihi*, İst., 1970.

* به منابع حاضر در متن کتاب، با رمز «م» و ذکر شماره‌های فوق اشاره شده است.

	
نفسِ اوردی اور حانی نسیمی	مطر اوردی بجان و دل حرمی
ازل گوینده کور ز حنت سخاين	ابد پیرینه دودلی خمت ابن
منفق بوشفق کوردی افند	بو حمر تدن خجیل اولدی تنقن
عنایت مفرحی نکر اجدی چهره	شعاعی مهره اوردی ماه مهره
مکر نوز و عزت کلدی ناز	سعادت و طهارت قلدی تاز
حبت لبلی کوینده اولدی	شفاعت کلشنی جوینده اولدی
یز نوز کرمده کل چنگارغی	طلو فضل و تمند کلشنی
صفا جوئی وفا باغده جاری	تر و تازده مسلسل سوز زاری
کوکل بلبلدی ایسر سر اغاز	که جانده آجیلده کلشن راز
لیمان اند جانلی کلشنی	دولجان حسن باغ بونسان

اکنجی بر کیم سالک عبادت
 که مست را دله و کند زده طویله
 فیاض فضل قزل اولور سه لانه
 یوق اوله فالتی زکفر ایضارده
 او بجهی بولور کیم ص
 سو ص لانه و محبوب ایدینه
 بید اوله قله و فی کیم ص قنا
 محبت اوله اراده محبت
 همت مار لیه اوله سوکه لوزنه
 صفت قانتی سب سبوت اولور
 بوقه جای کر و عه سندا
 سخن قلند لیه و بن اوله کانر
 سوک بیلن قیاریک کر اور ص
 سنی من بیلور سیک کیم ناکن
 نه صار سن قوی و بنو کیم
 صفتی مجازده حال اولور
 فکر کن واقع اوله سبب حالت
 بر اوله که عالم لیکنه بولینه
 جز سز اوله رجه زبانه
 ص لوزنه و سر زکفر جهل وارده
 نه و بلیک کیم اولور سه بلیک
 ططنده و لانه رکت سه بینه
 حجت لکه ریلک تجلی
 ص اوله و اوله لیکر اوله ص
 کیم ص اور اوله لیکر سورتنه
 لیکر کیم صفتی قولا اولور اوله
 او کیم طریقه کیم سنی سندا
 کیم اولور سه سویه فرافر
 طوف و ز سیک کیم لور ص
 بیلور لیکه که خلقت کیم ص
 سلور ص بلده لیکه که طسوک
 که بال ص سیکر لیکه که باله لولور

دوزندم بولور می دلکشای
 که بلزدم صفا بزمده خوشی
 نظر اندی بکا اول حضرت پاک
 که برقع کید بیک اوله یوزندن
 تاسفله یدم غلرا و حالت
 قلم محروم معنوز بود مدک
 کور پیخ و یلغی اول جیبی
 غیر عطری بیکر ماء وردی
 لذت یدری شکر دن بالذاری
 اچخی صومنی یاندم آستینه
 اول آتش شعله یاغی جکر ل
 دلی اولد لریایه نیندی کور
 دخی اول نوشدند بر طعاسم
 یعنی بن خلقیوز و ز تقدیم
 قطباد معانی قلنبا سدی
 بوجالیده بی مود و دایله
 معین شهیدین در همنای
 دخی اول نوشله جوش و خروشی
 بیدم خاک کیم اولدی داس اوله
 کور بیکر کیدر عیش کند زندن
 که فایت اوله ایام بطالت
 که برده اوله بکا بیکر اچک
 بلور لود لیکر حادق طیبی
 در حیدری طلوسپانه وردی
 صوق اولقد اکثر مزدی قاری
 نندند صوده اول آتش آستینه
 اورنی نیندر لیکر کویله ار لور
 محبت شمعق او نیندی کور
 دخی اول حاله در بولور ص
 بونچون اچیه بول کوز قدیم
 حقایق در ی بحر سبیل طشیدی
 اطمینانیت محمود ایلله

۹۵۷
 انوار اللمعه
 کتبه مصطفی الدین

مصححین بعضی چاپ اولموش اثرلری

تحقیق و تدوین

۱. قارا مجموعه (شیخ صفی الدین اردبیلی نین تورکجه اثرلری) ۱۳۸۰
۲. نصاب اعتماد (میر مهدی اعتمادین تورکجه نصابی) ۱۳۸۰
۳. یادمانهای ترکی باستان (اسکی تورک داش یازیلاری) ۱۳۸۰
۴. حکیم ملا عبدالله زنوزی و زنوزیه مکتبی ۱۳۸۰
۵. امثال لقمان (میرزا مهدی رشديه نین درسلیگی) ۱۳۷۹
۶. فرزند ایل سرافراز (جهانگیرخان قشقایی حاققیندا) ۱۳۷۹
۷. دیوان نباتی (جلد ۲) ۱۳۷۴
۸. برگزیده متون نظم و نثر ترکی (جلد ۲) ۱۳۷۲
۹. پنج نمایشنامه (میرزا آقا تبریزی نین اثرلری) ۱۳۵۶
۱۰. تشریح و محاکمه (قاضی بهلول بهجتین اثرلری) ۱۳۷۲
۱۱. رند و زاهد (ملا محمد فضولی نین اثرلری) ۱۳۵۱
۱۲. شرح غزلهای صائب تبریزی ۱۳۷۲
۱۳. مقالات ایرانشناسی (جلد ۲) ۱۳۷۹
۱۴. آشنایی با رسالات موسیقی (۴۴ موسیقی رساله سی حاققیندا) ۱۳۷۹
۱۵. متون ادبی هنر (درسلیک) ۱۳۷۸
۱۶. قیرخ حدیث (ملا محمد فضولی نین اثری) ۱۳۷۱
۱۷. واقف، شاعر زیبایی و حقیقت ۱۳۵۱
۱۸. سیری در اشعار مکتب مولویه ۱۳۶۹
۱۹. یوسف و زلیخا (فردوسی) ۱۳۶۹
۲۰. هفت مقاله پیرامون فولکلور و ادبیات مردم آذربایجان ۱۳۵۶
۲۱. مقالات تربیت (محمد علی تربیتین مقاله لری) ۱۳۵۴
۲۲. دیوان غریبی ۱۳۸۰
۲۳. عاشیقار ۱۳۵۳

شعرلر

۱. صمد بهرنگی منظومه سی ۱۳۴۷ (تکثیر)، ۱۳۵۷ (چاپ)
۲. کیچیک شعرلر ۱۳۵۷

۳. مجموعه (دؤرد باشقا شاعیرایله بیر لیکده) ۱۳۵۷
۴. اوچغون داخما ۱۳۵۸
۵. باکی لوحه لری ۱۳۵۹
۶. یورد غزللری ۱۳۶۲
۷. امام خمینی منظومه سی ۱۳۷۱
۸. قاشقای لوحه لری ۱۳۷۷
۹. شیخ محمد خیابانی حماسه سی ۱۳۷۷
۱۰. زنگان لوحه لری ۱۳۷۹
۱۱. آنا ما هدیه ۱۳۷۹
۱۲. تبریز یوللاریندا ۱۳۸۰
۱۳. گوللر آچاجاق ۱۳۸۰
۱۴. اردبیل لوحه لری ۱۳۸۰
۱۵. بیر بؤلوک دورنا ۱۳۸۰

ترجمه

۱. جز عمه ۱۳۷۱
۲. نسیمی (فریدون آشوروف: درام) ۱۳۵۳
۳. آرزو و قمبر (حبیب ساهر: منظومه) ۱۳۵۳
۴. در شناخت هنر و زیبایی (جعفر جعفروف) ۱۳۵۱
۵. از پیدایی انسان تا رسایی فتوداليسم در آذربایجان (ع.ن. قولیف) ۱۳۵۲
۶. مسائل ادبیات دیرین ایران ۱۳۵۲
۷. مسائل ادبیات نوین ایران ۱۳۵۳
۸. مسائل زبانشناسی ایران ۱۳۵۳

اوشاقلار ایچون

۱. چیل مایدان ۱۳۵۶
۲. دوقلوهای ترک ۱۳۵۴
۳. قصه های روباه ۱۳۵۵
۴. قصه های کچل ۱۳۵۴
۵. دنیای قصه ی بچه ها ۱۳۵۵

Kitabın Adı:
GÜLŞƏN-e RÂZ-e ŞƏBÜSTƏRİ

Müəllif:
Şeyx Əlvan Vəli Şirazi

Önsöz və açıqlamaları yazan və nəşr edən:
Prof. Dr. Hüseyn Düzgün
(Hossein Mohammadzadeh Sadigh)

Nəşr Yeri: Təhran
Nəşr ili: 2003

Təxniki Redaktor: Səttar Sədiq

Tirajı: 2000
Səhifə sayı: 160
Qiymət: 1000 Tüman

ISBN: 964-330-990-8

ÖNSÖZ

Şeyx Məhmud Şəbüstəri Hicri 688-ci ildə Təbrizə bağlı Şəbüstər qəsəbəsində doğulmuş və 725-ci ildə orada vəfat etmişdir. O, İslam fəlsəfə tarixinin ən görkəmli nümayəndəsi kimi inanılmaz dərəcədə tanınmış və qarşılanmış GÜLŞƏN-i RÂZ adlı Farsça yazdığı məsnəvi sahibidir. Orta əsərlərdə bir çox alim və şairlər bu əsəri dilimizə qazandırma fikrinə düşmüş, onu tərcümə və ya Türkçə təfsir etmiş və ya ona bənzətmələr yazmışlar.

Əlinizdə olan əsər Hicri 9-cu əsr Azərbaycan şair və mütəfəkkiri Şeyx Əlvan Vəli Şirazi'nin Gülşən-i Raz-ın əsasında yazdığı çeviri, təfsir və bənzətməsidir. Əsərin əlyazması Bakı Əlyazmalar İnstitutunda F5-361 say ilə saxlanılır. Həmin əlyazmanın fotosuratını 2001-ci ilin Mart ayında Bakıya etdiyim elmi səfərdə əldə edə bildim. Həmin əlyazmanı önsöz və açıqlamalarla nəşr edə bildiyim üçün özümü çox xoşbəxt hiss edirəm. Elmi əməyimin məhsulu, başı uca ellərim üçün hədyədir.

Hüseyn Düzgün
Tehran 2003

Şeyx Əlvən Vəli Şirazi

GÜLŞƏN-e RÂZ-e ŞƏBÜSTƏRİ

Elmi nəşri hazırlayan:
Prof. Dr. Hüseyin Düzgün
(Hossein Mohammadzadeh Sadigh)

Təhran

2003